عدد اوراق ...

صحيفه	
	مقالات حضرت یونس امره
٥	قیامت انفسی و آفاقی
١١	حضرات خمس
١٦	تعریف توحید افعالی و بعضه اسرار
٢٢	ترجمهٔ حقیقة الیقین و زلفة التمکین لعلی زاده
٢٤	ذکر ملاقات حضرت مولوی علاء الدین
٤١	قوهٔ نفس انسانی
٤٦	





سدر فائده

حو هو کی ... ناکارهٔ نفس
بنده کار وهمت کوش بنده اول
بنده مطلب ... رتبهٔ مطلب
هو از ورحق ...
لا تدع مع الله الها آخر

قطعه

در مذهب ... تو نیکیست
فارغ از ره فقر و تاج [illegible]
آنجا که مقام پاک بازان باشد
دارم بیقینی که آن منصور ...

رباعی

در ذات وصفات هر که آباد ...
هر که نبود در نظرش صورت غیر
در مشرب او یکی بود باده و آب
در مذهب او یکی بود مسجد و دیر

م

در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست
هر جا که هست پرتو روی حبیب نیست
م
سر ... خویش خواهی با مردان ... نتم
معامله ... آن ... صادق ...

م

کیم خاک اولورسه مقدم اهل بصیرته
بر لحظه ایچره ابریشور اکسیر دولته
صاحب نظر نکاهینه منظور اولان تراب
ایرشدی کیمیای مدار سعادته

م

عالم ابد اولورسه شیخ اولور سعود
نه شیخ اولمق بکلی شیخ اولورسون

م

محب حق اولنلر ... اولمز
اسیر مال و فرزند زنان اولمز
دو عالمدن فراغت ایتمینجه
کاهی جمله اشیا روشن اولمز
اگر دانی ایسکه دنیادن ال چک
طریق حقده آنلر رهبر اولمز

م

در عالم عشق کفر و دین یکیست
عشق ... در ... خاک
... اضافت ...
... حبیب ...

جامی

همسایه و همنشین و همره همه اوست
در دلق گدا و اطلس شه همه اوست
در انجمن فرق و نهانخانه جمع
بالله همه اوست ثم بالله همه اوست

م

ربط قلب شیخ باشی خواطر با دوام
اعتراضی ترک ایدوب باهم و ضو اوله مدام

م

بر زمینی که نشان کف پای ... بود
... فرقت ...
خود فروشان ... در ... نیست

م

زینهار از قرین بد زنهار
وقنا ربنا عذاب النار

طالب عاقله لایق اودر که الله تعالی اسمی بر نفس غافل اولمیوب هر نفسده موجود اولان
حرف شریف درکه تنفس ایتدکجه غیب هویت ذات حق سبحانه و تعالی حضرتلرینی
ملاحظه برله نفسنک خروج و دخولنه واقف اوله که طشره چقان نفس الله و ایچرو
کیرن نفس هو اوله حتی دیمشلردر که طشره چقان نفس ایچرو کیرن نفسه سؤال ایدر که
نه حالده براقدک جواب اولدی جوابنده ذاکر براقدم دیمجک ضایع ایتمه‌مش انشاءالله بنی دخی
ضایع ایتمز دیو حمدله خیر دعا ایدرک مسرور طشره خروج ایدر

توفیق افندینک نقشبندیه رساله‌سندن محرردر

مولانا فرماید

ما صوفیان راهیم
ما طبله خوار شاهیم
پاینده دار یا رب
این کاسه را و خوان را آیم

خواجه بهاء الدین نقشبند

ریزه چینان خوان احسانیم
ای تو فیاض و واهب البرکات
شکر نعمت مزید جمعیت
خواجهٔ کائنات را صلوات

قائلی قدسی
بنده الیاسی

اگر زبان ما قاصر ز عد جود و لا یحصی ما کان نعم
کی تواند شکر کردن در جود الا ما کان نعم
ما نقصیر ما چندانکه نقصیر است اما
عذر نقصیر ما چندانکه نقصیر ما کان نعم
بس نعمتهای کان چندانکه نعمتها کان نعم

مثنوی

اولیارا هست قدرت از اله
تیر جسته باز گرداند ز راه

ی

ای غیر تو آبسوی تو سیری نه
خالی ز تو مسجدی نه دیری نه
دیدم همه طالبان و مطلوب تو را
از جمله تویی و در میان غیری نه

قطعه

هر غبار که بکوز اوزره سیاه اودینی نقص ایدر
کیقبادی خسرو قیصر جدیث اک کمی
چونکه کم آصیدی بو جهانک باد رجمی
تیغ طغیان نانیله ز تغییر بابرجی

ی

مشو ملول که فتاح باب مشکلها
کشاده در بسته بهر ابد

کفر کافر را و دین دیندار را
ذره دردت دل عطار را

مولانا

عطار روح بود و سنایی دو چشم او
ما از پی سنایی و عطار آمدیم

مولانا

در مدرسه عشق اگر قال بود
کی فرق میان قال با حال بود
در عشق ندارد هیچ مفتی فتوا
در عشق زبان مفتیان لال بود

دیگر حضرتلری گفت

در مذهب عاشقی قراری دگرست
وین باده ناب را خماری دگرست
هر علم که در مدرسه حاصل کردی
کاری دگرست و عشق کاری دگرست

دیگر گفت

ای دل تو دمی مطیع سبحان نشدی
وز فعل بد خویش پشیمان نشدی
صوفی و فقیه و زاهد و دانشمند
این جمله شدی مسلمان نشدی

دیگر گفت

آه از این عشق و حالات او
سوخت دلم ز حرارات او
دیده من غیر کسی ندید
در حق قرآن و آیات او

گفت محمد سعید همدم ابیا

مولانا

دیدار بود در الحق حق شناسان
که وحدت دارد حضرت ذات احمد
نیز دیدار ارباب عرفان
جلال الدین مولانا محمد

اوحد الدین

نه در مسجد دهندم ره که مستی
نه در میخانه کاین خمار خامست
میان مسجد و میخانه راهیست
غریبم بکیم آن ره کدامست

وله

قومی بگمان فتاده اندر ره دین
قومی دگر افتاده در راه یقین
ناگاه ز کمینگه برآمد آواز
که ای بیخبران راه نه آنست نه این

وله

از عالم کفر تا بدین یکنفس است
وز منزل شک تا بیقین یکنفس است
این یکنفس عزیز را خوار مدار
چون حاصل عمر ما همان یکنفس است

وله

سرمایهٔ عمر عاقلان یکنفس است
پس همنفسی جوی که جهان یکنفس است
با همنفسی کر نفسی دست دهد
مجموع حساب عمر آن یکنفس است

وله

کر بنده خراباتی و مستم هستم
کر کافر و گبر و بت پرستم هستم
هر طایفه‌ای بمن کمانی دارد
من زان خودم و دوست هر چه هستم هستم

وله

ما از تجلیات بهشتی مستانند
در صومعه نیز از ایشان نکنند
در صومعه نیز را چه که در ایشان وجود
معطلیم نکنیم که میدارند
ما را زنجه معطلیت میدارند

وله

ماییم بعشق تو تولا کرده
وز طاعت و معصیت تبرا کرده
آنجا که عنایت تو باشد باشد
ناکرده چو کرده کرده چو ناکرده

ای آنکه تو ... بناز این عار دین
... نه عار دین

اشرف افندی فرمود

ساجد مسجود سجده جمله اوست
عابد و معبود عبادت جمله اوست
هم بت و زنار و دیر و بت پرست
هم پرستش اوست اوست والله اوست

لابن سینا

المنة لله که شیخیم نه مرید
نه طالب علم و نه مدرس نه معید
فارغ ز جهان چه زیرکی چه بلند
در زاویه نشسته ام فرد وحید

قطعه

گر نقد نداریم وصالت در دست
در دیده مقیم است خیالت پیوست
در ظاهر اگر وصال جسمانی نیست
غم نیست چو اتصال روحانی هست

نسیمی

انجام تو آغاز شده و آغاز تو انجام
آئینه تن نی زسر و پا
چون دایره هستی و چه جان
در عالم توحید چه مسلم چه ترسا
در راه حقیقت چه

لابن سینا

دردا که درین زمانه اسلام نماند
در دین محمدی بجز نام نماند
قاضی ره کون گرفت مفتی ره کس
جز کبر بدست مردم عام نماند

قطعه

جرمی که رفت تا بجویم فتاکند
بهتر ز فاعی که بعیب ریا کنند
بر سنگ امتحان شود همه عیار زر
هر مس که ز تربیت کیمیا کنند

بیدل

بیدل مروای ملت و کیش کراست
اندیشه شاه و فکر درویش کراست
مؤمن فی الجنة خواه کافر فی النار
ما فی الله همه اینها چه تشویش کراست

—

گر علی راز محمد توحید آمید آنی
کاف نت دائم و خوانم تشتا ها یا هو

—

اول قدمده شرط رهی اولدر ترک سر
عزم ایتمسون بو راهه بلایه دایا نمیان

عمر خیام

که که دلت تنگ بود بنگ بخور
یا یک قدح دو باده گلرنگ بخور
گر صوفی شوی آب بخوری اما بخوری
پس لایق تو سنگ بود سنگ بخور

—

نه مکیم تیله مولانا آتشی تلب مجروحی
ابر شور نغمه نیدن نفخت فیه من روحی

—

جواب ابراهیم ادهم شو رها کن ملك عالمرا
بیگانه شو چه مولانا مبالی از عشق بیگانه

قطعه حقی

[illegible]

—

باک طینت شود عاقبت خورد و بد
بینه چون کهنه شود کاغذ قرآن کردد

—

تسلی تاب اولور ارباب محنت کندی دردیله
مهار ناقه لیلی صنوبر زنجیری مجنون

—

ساکن اول ای دل ادب قیل قبضه قدرتده سن
جمله قول و فعل انکدر بلکه سن وحدتده سن

—

بدل کشتی رسن جانه بیرهن بلکه کوکل دریا
ستون دود آهدر موافق روزکار اسنه

—

نز آتش ایچلنه لازم سینه یه گل آل کوکل نقدین
بنم جوق سودیکم ذرکر لله ایت لا تحمی ربه لله

کعب مولانا

بعد از وفات تربت ما در زمین مجوی
در سینهای مردم عارف مزار ماست

ز بیان اتنکه بیل انسانه خدادر
انسی او لمیانه خدادر جدادر

مغناطیس الادعیه
للشیخ محی الدین العربی
قدس سره
عبد

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان من الجم کل جبار بقدرته واحاط علمه بما فی بره وبحره
وتحصنت باسمائه التی اقفالها عظمة الله ومفاتحها لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
اللهم بنور وجهک احفظنی من اشرار خلقک واخفنی یا من ستره الجمیل
یا واحد قبل کل احد ~~یا واحد بعد کل احد~~ یا واحد بعد کل احد یا واحد دون کل احد لا تکلنی لاحد بحق قل هو الله احد
ای والله احد ای والله الله الصمد ای والله لم یلد لا والله ولم یولد لا والله ولم یکن له
کفوا احد لا والله اللهم بحق هذه السورة العجیبة الشریفة اسئلک ان تجنبنی
من کل شر ینزل من السماء ومن کل شر یخرج من الارض ومن شر ما تلده النساء
بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

واخفنی

خیالی

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه
خلقی بتو مشغول تو غایب ز میانه
که معتکف دیرم وگه ساکن مسجد
یعنی که ترا میطلبم خانه بخانه
حاجی بره کعبه ومن طالب دیدار
او خانه همی جوید ومن صاحب خانه
مقصود من از کعبه و میخانه تو بودی
مقصود توئی کعبه و میخانه بهانه
تقصیر خیالی بامید کرم توست
یعنی که گنه را به از این نیست بهانه

قال الشيخ ابو عبد الرحمن السلمی

امس یمضی ولن یعود ما مضی
والغد لا یوقف ما فیه القضا
وزن الوقت باسباب الرضی
فانما وقتک السیف منتضی

لمولانا صلاحی

جنکار عشق
زهی علم قلندر او جنکار عشق
ربع علم [illegible] انوار عشق
ولدی صفا بکنه انجار [illegible]
اولدی سبب عالمک اظهار عشق
ابدی اسراری اظهار حبیب خدا
نظر عشق اولدی اسرار عشق
اولدی خلافتا ایله اسرار عشق
اولدی او یار علت هم دو سرای
اولدی او یار کله کار عشق
ایلدی دلدارنه کل ارض و سما
اولدی وجود عشقله ارض وسما
اولدی کرمیت بازار عشق
اولدی هر کشی برجا ایله بست اولمدی
یوق او دو جهاندن ایله اشبار عشق
حب خدا ایله حبیب خدا
سالکه صلاحی بیتر اسرار عشق
هر کشی جنبشدن در اول الشوه
بر بر بنه بکره و اطوار عشق

[illegible] عشق [illegible] بلکه [illegible] عشق [illegible]
[illegible] اولدی [illegible] عشق

حضرت علی [illegible]
نه ایدی [illegible] روح
نیزه [illegible] صنعت [illegible]
[illegible] فعلک [illegible]
[illegible] وذلک قصار فاحش [illegible]
احقا لا اولی
[illegible] قصار فاحش فعلک [illegible]
احقا ثانی
[illegible] وذلک قصار فاحش فعلک [illegible]

مناقب [illegible]
حضرت [illegible] حضرت علی
حضرت [illegible] حسن و حضرت حسین
[illegible] فاطمه [illegible]
[illegible] آل عبا [illegible]
[illegible]

الاعتبار
روی عنه صلی الله علیه وسلم حضرت علی
و حضرت فاطمه و حضرت حسن
و حضرت حسین بورنده ذات
[illegible]
[illegible] ایله اولوب [illegible]
[illegible]
[illegible] آل عبا [illegible]
[illegible] الشفاعة [illegible]

٤

تذکره ملا جامی
قدس سره السامی

سلام قولا من رب رحیم

تحفهٔ مجلس شریف رفیع   میفرستم سلام بلکه سه لام
کشته باسم یکی او لام نخست   مانده باقی سه یم سه حرف تمام
بر همین نکته رقعه را کردم   مختصر والسلام والاکرام

وف	باسم	سلام	قولا	سه سلام	سلام
۲۸۸	۱۰۲	۹۰		۱۳۶	
۳۰ ل	۰۴۰				
۲۵۸ رحیم	۰۶۰				
	۲۰۲ رب				

یجب	کلیم ۶۵	مانع ۱۰۰	مجدی	بلکه ۵۷	کافی	لام ۷۱	احمد	رحیم ۵۳	فامی	سه سلام ۱۳۱

۱۰۲	بسم			
۰۶۶	الله	۱۳۱	سلام	
۳۳۰	الرحمن	۱۳۶	قولا	
۲۸۹	الرحیم	۰۹۰	من	
۷۸۷		۲۰۲	رب	
	لاسیم	۲۵۸	رحیم	
		۸۱۷		

سه لامک اسملرینی و معنالرینی استعمال ایله فنی واز معادنی استخراج اولنور سه لام کشته فرینه سیله قلب کلی و قلب بعض ایله لما والم واملی و مال و ملا اولدیغی ظاهر در یعنی برزم الحوائج الم امل مال ایله ملاده الف قدر لام اولمق احتمالی احتمالی اولمز یعنی حقیقتدن احتیاج وافتقار رمز الحق غنی عن العالمین اولوب رحیم و مالکم و جزئیز اولان جناب رب صمد حضرتلرینه در ظاهر در حبیب مال ایچون کمسنه به تواضع و سرزو ایلمز دیمک اولور و مجلس شریف رفیعدن مراد شریفلری حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم الیه تحفه صلوة وسلام ایله باطندن حوائج ضروریه لرینک حصولی ضمننده شفاعت شریفلرین التماس قالدیکه مجلس شریف رفیعدن مراد شریفلری ظاهر در کندویه معتقد برپار شفیق و دلدار

صدیقلرینک مجلس شریفلرینه اظهار تذلل و افتقار ایتمکسزین اثار حال ضمننده سحر حلال اکبر
بو تحفهٔ دلپذیرلری ارباب معارفه بر یادگار بی نظیر اولور و مراد شریفلری وجه تالی اولدیغی
بر همین نکته رقعه را کردم مختصر والسلام والاکرام نتیجه سی تأبید ایدر زیرا اکرام لفظیله
ختم کلام سبو رمشکر در خلاصهٔ مفهوم بسم الله الرحمن الرحیم سلام قولا من رب رحیم برم ایچون
الم امل مال ایله ملاده الف قدر لام اولمق احتمالی اولمز یعنی حقیقتده احتیاج و افتقاردن
الحق غنی عن العالمین اولوب رحیم و مالکمز و مربیمز اولان رب صمد حضرتلرینه در
ظاهرده جلب مال ایچون کمسنه یه تواضع و سرفرو ایتمز دیمک اولور تمت

من مقالات حضرت یونس امره
قدس سره

رفتیم بجای سوریلر • کوردم طقوز قورد امدی • برقاچنی یاتردم بو • برقاچی ترلا میروی
حضرت یونس ظریف قدس سره اللطیف حضرتلرینک کلمات حکمت غایات و عبارات
نکات ایاتلرینک هر برنده برگونه پند دلبند و عبرت و نصیحت هوشمند
اولوب بو کلام حکمت ارتسام دخی اورانمه تبیلیدن بر رمز مجمل و بنجه معانی
محتمل اولمق ملاحظه سیله جلی اردن استمداد روحانیتلرندن نصکره خاطر فاتره شو معانی
سانحه خطور ایتدیکه بیت اولده رفتیم بجای سوریلر کوردم طقوز قورد امدی
بیوردقلری سوریلر ارض مستویه دن مرتفع اولان مناره و قلعه و شاهق جبل یعنی طاغ
وبه سی مثللولرینک معنالرینه استعمال اولنور بوندن جناب شیخ اکبر قدسنا الله بسره
الانور حضرتلرینک کنا حروفا عالیات لم نقل متعلقات فی ذری اعلی القلل
انا انت فیه ونحن انت وانت هو فالکل فی هو هو فسل عمن وصل
قطعه

قطعهٔ لطیفه لرینک خلاصهٔ مفهومنده رمز و اشارت اولور کوردم طقوز قورد امدی
قوللری ذروهٔ اعلی القللن دعوا لرینه مراد بیورر لر تعینات رتبهٔ الثابتهٔ دن کنایتدر
پس شهادهٔ مطلقه ده ظهورلری اعتباریله اولی نفسدر که امارهٔ بالسوء در کقوله تعالی
وما ابرئ نفسی ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی وثانیسی رتبهٔ صدردر که محل اسلامدر
کقوله تعالی افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه وفی ایة اخری فمن یرد الله ان
یهدیه یشرح صدره للاسلام وثالثی مرتبهٔ قلبدر که محل ایماندر کقوله تعالی وقلبه مطمئن
بالایمان ورابع محل فؤاددر که قلب ایله عقلک بیننده در و خامسی عقلدر و سادسی
روحدر که مقام احسان و محل مشاهده در کما ورد فی الحدیث النبوی صلی الله علیه
وسلم الاسلام ان تشهد ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله وتصلی الصلوات
الخمس وتصوم رمضان وتؤدی الزکوة وتحج البیت والایمان ان تؤمن بالله
وملائکته وکتبه ورسله والیوم الاخر والاحسان ان تعبد الله کانک تراه
وان لم تکن تراه فانه یراک وسابع مرتبهٔ سردر وثامنی مرتبهٔ خفیدر ومرتبهٔ
تاسع اخفیدر که ذروهٔ اعلای قللدر که اکا برزخ اول و برزخ اعظم دخی دیرلر
مرتبهٔ وحدتدن عبارتدر و نسبت سوائیه دخی دیرلر زیرا وحدت احدیت ایله
واحدیت بیننده بر نسبتدر که احدیته نسبتی اعتبارات جمیعسی مسقط
اولدوغی اعتباریله در و واحدیته نسبتی اعتبارات جمیعسی مثبت اولدوغی
اعتباریله در والحاصل اسلام و ایمان و احسانک هر بری جسمانی و نفسانی و روحانی

تمه

ورودحانی اولمق اعتبار ایله اوچ اوچدن ضربدن طقوز عدد حاصل اولور وفور دا طلاق
هر رتبه صاحبنک حالی کندویه قید بند اولوب بالایه صعوده مانع اولمغله ذی الحاله مغفرت
وخسرانی مستلزم اولدوغندن اولتوریدر زیرا فنا فی الله مرتبه وحدته ایرشمک
کل شی هالک الا وجهه سرینه محرم اولمق ایله حاصل اولور اول اجلدن برقاچنی باترلدم برقاچی
ترلا میروری دیو بیوردی بعض مقامات واحواله متعلق اولنلری بحر حقیقت وحدته
باتردم بعنی مستغرق وافنا ایلدم وعبادات واعماله متعلق اولنلری تحصیل عدلی
روحانی ایچون مزرعه شریعته القا ایلدم یعنی ظاهرمی شریعت مطهره ایله تطهیر
وباطنمی حقیقت منوره ایله تنویر ایلدم دیمک اولور تم تم تم
اعلم

یا ایها العرفا بالله الخبیر اخبرونی عما اسألکم بالخبر الجدیر

ای شی هو اول الاولیات • ولا ینفک عنه الکلمات والعبارات • وهو اسم وفعل وحرف
ولیس بظروف ولا ظرف • له اعتبارات فی الحساب معتبرات عند الحساب عدد اصله احد •
ولا یطلق علیه العدد • وفرعه مائة وواحد عشر • وباعتبار یصیر ثلثة عشر • وباعتبار یکون تسعة عشر •
یتعلق بالملائکة والبشر • له القیام علی الدوام بلا تحرک ولا قیود • ولا رکوع ولا سجود ولا قعود • وهو اسم
من اسماء الحق • ومن اسماء شفیع الخلق • وفعل عند الائتلاف بلا نزاع ولا اختلاف • یتصف بصفة
ما ائتلف • هو سلف • وما سواه خلف • یتألف بالحروف المکتوبات والملفوظات •
بالتعویج والاصوات والدرجات • وهو فی المرتبة الاولی مفیض علی المراتب الاخری تعینت •
منها الاسماء والصفات وتفرعت منها الحروف العالیات • وتکونت منها الارواح والنفوس

والنفوس • وتکثرت منها الاشباح والقفوس • هو الملی من کل شی واکبر واغر • وبتعریفه هو اسم صاحب اللغز نمت

شرح الرموز فی سر اللغوز لامزه

یا ایها العرفا بالله الخبیر • اخبرونی عما اسألکم بالخبر الجدیر • بو فقره شرحدن غنی وبیاندن مستغنیدر
ای شی هو اول الاولیات ظاهر وباطن اعتبار ایله اولیاتک اولی الفدر واصطلاحات صوفیه ده
الف ایله احدیت ذاته اشارت اولنور وبو اشارت غالبا الفک جمیع حروف لفظیه
وکتابیه یه صلاحیتی ملاحظه سیله در زیرا جمیع حروف لفظیه وکتابیه الفدن متکوندر حروف کتابیه
تعویج خط مستقیم ایله اولدوغی ظاهردر وحروف لفظیه هواء ساده مخارجه اعتماد ایله ایدیکی
ظاهردر نتکیم مولانا جامی قدس سره السامی بیورمشدر اعیان حروف در صور مختلف اند
لیکن همه در ذات الف مؤتلف اند از راه تعین همه با هم بخیر اند وز روی حقیقت همه عین الف اند
در مذهب اهل کشف وارباب خرد ساریست احد در همه افراد عدد زیرا که عدد گرچه برون نیست ز حد
هم صورت وهم ماده اش هست احد وشیخ عبد الغنی قدس سره السنی رساله لرنده بیورمشکه
الف اصل جمیع حروفدر الفه حرف تسمیه اولنمز عدم انحرافندن اوتوری زیرا الف مستقیمدر منحرف
اولدوغی وقتده جمیع حروف اولور پس جمیع حروفه ائتلافندن اوتوری الف تسمیه اولندی
وحروفه حروف تسمیه اولنمسی جهات مختلفه یه انحرافندن اوتوریدر ولا ینفک عنه الکلمات
والعبارات بونوز تفصیلی کچدی وهو اسم وفعل وحرف ولیس بظروف ولا ظرف
حرف اطلاقی نه وجهله ایدیکی ظاهردر واسم وفعل اولمسی اسم وفعل تفصیلنده کلور له اعتبارات
فی الحساب معتبرات عند الحساب عدد اصله احد ولا یطلق علیه العدد زیرا عدد اعتبار اولندیغی

بر عددین ما دوننده اولان عدد فوقنده اولان عدد ایله جمع اولندقده اول مجموعک نصفی ایکیسنک بیننده
اولان عدد اولور مثلا ایکی عددین ما دوننده اولان بر عدد فوقنده اولان اوچ عدد ایله جمع اولنسه
درت عدد اولورکه دردین نصفی ایکی اولور پس بر عدد اولمز زیرا ما دوننده اندن اقل بر عدد
یوقدرکه فوقنده اولان ایکی ایله جمع اوله و ایکیسنک نصفی اوله هنوز رباعیده تفصیلی کچمشدر
واحد لفظنک مرادفی یک درکه اوتوز عدددر عدد انحصاری اعتباریله ماه مراد اولنورکه
قرق التی عدد ولی عددیدر وترکیبی احد لفظنک مرادفی بردرکه رب و بر
عددلریدر وماهن عربیده مرادفی شهردرکه راشد عددیدر وترکیبی مرادفی آی درکه
هو عددیدر واحد لفظنک احدیة الجمع اعتباریله بر زیاده اولنسه اون درت اولورکه واهب
ووهاب عددلریدر وفرعه مائة واحد عشر اعنی الف عددلری یوز اون بر عدد درکه
قطب وعالی وکافی وسامی عددلریدر وقطب ازلی وابدی صاحب سعادت صلی الله علیه
وسلم حضرتلری ایدیکی وسائر اقطاب انلرین قائم مقاملری ونائب منابلری ایدیکی ارباب شهوده
مشهودیدر وباعتبار بصیر ثلثة عشر اعنی عدد احد وباعتبار بصیر تسعة عشر اعنی عدد واحد
واحدیة المجموع اعتباریله بر زیاده قلنسه یگرمی عدد اولورکه ودود وهادی عددلریدر متعلق
بالملائکة والبشر ظاهر وباطن اعتباریله ملائکه وبشره متعلق اولدوغی ظاهردر لنا القیام
علی الدوام بلا تحرک ولا قیود ولا رکوع ولا سجود ولا قعود خط الفن هیئتی واوصافنی بیان ایدر
وهو اسم من اسماء الحق احد وواحد کبی ومن اسماء شفیع الخلق اعنی الالف یوز قرق ایکی عدد اولمغله
عبد الله عددینه موافقدر صاحب سعادت افندیمز حضرتلرینک اشرف اسملری عبد الله در
عباد له تفصیلندن دینلمشکه عبد الله شول عبد درکه عباد اللهدن مقام یونندن اندن ارفع وشان یونندن

یونندن اندن اشرف مجدا اولمز مرآت الاعلام نام رساله‌ده مستوفی ذکر اولنمشدر
وفعل عند الائتلاف بلا نزاع ولا اختلاف مثلا ألِفَ أُلفةً دینلدیکی وقتده الف
فعل ماضی اولور یتصف بصفة ما ائتلف وهو سلف وما سواه خلف یتألف
بالحروف المکتوبات والملفوظات بالتعویج والاصوات الدرجات
مستوفی تفصیلی ابتداده کچمشدر وهو فی المرتبة الاولی مفیض علی المراتب
الاخری مرتبهٔ اولی احدیت ذاتدرکه سائر مراتب کلیه اعنی مراتب لاهوت
وجبروت وملکوت وناسوت ومراتب جزئیه علی الترتیب والوسائط
مرتبهٔ احدیت ذاتدن استفاضه ایدرکه جمیع مراتبه مفیض اولدر تعینت
منها الاسماء والصفات وتفرعت منها الحروف العالیات مرتبهٔ احدیت ذاتدن اعنی
شئون ذاتیه‌دن مرتبهٔ وحدتده اسما وصفات تعین اول ایله متعین ومرتبهٔ واحدیتده
تعین ثانی ایله متعین اولدی واسما وصفاتدن حروف عالیات متفرع اولدی دیمک اولور
واصطلاحات صوفیه‌ده حروف عالیات غیب الغیوبده کامنه اولان شئون ذاتیه‌دن عبارتدر
نواتده کامنه اولان شجرهٔ کبری یعنی حروف عالیاتدن مراد اعیان ثابتهٔ کائنات اعلای مراتب
تعینات اولان مرتبهٔ وحدتده تعینندن عبارتدرکه کائنات اول مرتبه‌ده شئون ذاتیه‌دن
کنایه‌درکه ذاتندن وغیریتدن تکثر صحیح اولمز مرتبهٔ وحدت حقیقیه‌ده تکثر محال اولدیغیچون
وعدم تکثر برله اندن ظاهر اولانک جمعنه مشتملدرکه سبب تعینات مبدعات تسمیه اولنور
بو رتبهٔ علیه‌ده حضرت شیخ اکبر قدس الله سره الانور بو معنایی متضمن منازل الانسانیه
نام کتابلرنده منظوما ذکر وتصریح بیورمشلردر کنا حروفا عالیات لم نقل متعلقات فی ذری اعلی القلل
انا انت فیه ونحن انت وانت هو والکل فی هو هو فسل عمن وصل زیرا اول رتبه‌ده یعنی

[illegible] تفصیلیه بیان
[illegible] اعتباریله
[illegible] اولنورکه قلبیه
[illegible] ظاهردر اعنی
نحنی اولدیغی [illegible] العالمین
الف نحنی نحن
اولدیغی مشعر اولور
منه

اول ربنده کثرت محال اولور منافاة وحدته موجب اولدوغندن اولوری وتکونت منها
الارواح والنفوس اعنی اعیان ثابته دن عالم جبروتده ارواح مجرده وعالم ملکوتده نفوس مجرده
تکون ایلدی دیمک اولور وتکثرت منها الاشباح والقفوس اعنی نفوس مجرده دن نفوس منطبعه
واشباح اجسام تکثر ایله قوالبک تعدد وتکثری ظاهر اولدی دیمک اولور بهو اعلی من کل شیء واکبر واعز
عنی عن التبیان ومستغن عن البیاندر وبتعریفه بهو اسم صاحب اللغز اعنی الف لفظی لام ایله تعریف
اولنوب الالف دینلسه یوز فرق ایکی عدد اولمغله عبد الله عددینه موافق اولور تفصیلی مقدمه مجموعده مسطوردر

صلاحی کندی رمزک رمز ایله حل ایلدک اما
بو رمزک عقول ایرمز معمای عجیب اولدی

لعلی زاده افندینک
مجموعه سنده یازیلمشدر

جمله سی بر لوح ایدی منصف [illegible]
وحیات [illegible] مختلف
وار ایدی بر حرف [illegible] شکل و خلق
سکینه [illegible] اوله خلق
تا معانیده [illegible] الف انکار
[illegible] الف انکار
ایا وبا [illegible] نقش و نگار

نامه

[illegible] الف بانونا
اولدی اسم الله الف [illegible]
اولدی [illegible] الف بیله دوار
[illegible] الف [illegible]
بر [illegible] وار [illegible] نامدار
هم جلال وهم جمال ای نامدار
کفر واسلامه سبب بو [illegible]
کندو [illegible] بولوردن بولوالدر
بو نقوش ولوحه صورتکه وار
نکات ولوندن اولدی انکار

اختلاف اولسه [illegible] ایله بحار
[illegible] حرف [illegible] وکلام
اراولور [illegible] دیر [illegible]
یعنی [illegible] دیر [illegible]
[illegible] اولور [illegible]
[illegible] وبعضی اولورلر اولاسلام
[illegible] وحرف [illegible]
[illegible] وفعل [illegible]
[illegible] لطف [illegible]
[illegible] اوله [illegible]
[illegible] الکلمه [illegible]
وحدت [illegible]

من مجموعة لعلی زاده

ایدی رأت انوار عرفان وصاحب الشهود والایقان اولان اخوان وخلانک
ضمیر خورشید لمعانلرینه نهان دکلدرکه مجامع معارف ومنابع لطائف
اولان مجموع اصحاب شهود عالمی کتاب مسطور ورق منشور شهود ایتدیلر
بو معنایه که کتاب رباننک سور وآیات وفصول وغایاته مشتمل کلام سبحانی
اولوب اولدخی بر ذکر سابق حروفدن وحروف دخی با وجود انواع اختلاف
الفدن والف نقطه دن حاصل اولوب نقطه دخی کندی مفرداتندن
اثبات ترکیبدن مبرا وقید تجرددن معرا اولدیغی جهتدن نقطه بی حضرت
هویت والف دخی من حیث التجرد والاولیة حضرت احدیت
وحروف بسیطه بی اعیان موجوده دن خارجه اولان حقایق بسیطه
والفاظ مرکبه بی دخی موجودات خارجیه دن اعتبار ایدوب وحروف
غالیات وعوالم وحضرات ومجالی وتجلیاته سور آیات
متشابه سنده وتجلیات وتعینات فصول غایات منزله سنده تقدیر
ایدوب افراد انسان کاملی مرتبه کلیاتده فرض ایتمشلردر زیرا
کلام صور یوزندن حروفدن مرکب ومن حیث المعنی مفرددر کذلک
انسان دخی من حیث الباطن مجلای حضرت احدیت وبحسب الظاهر
مجموعه مجموع عوالمدر بعض ارباب ذوق ووجدان حروف الحروف
هی الحقایق البسیطة من الاعیان دیو تعریف بیورمشلردر یعنی حروفدن
مراد حضرت علمیه ومرتبه احدیتده ثابته وکائنه کلیه ایله مختلط اولان
حقایق بسیطه وماهیات اولیه درکه صور علمیه دن اول بارز ومتعین
اولان حاذه کلیات الهیه وهیولای تعینات وجودیه در وحروف
عالیه بی دخی الحروف العالیة هی الشؤون الذاتیة الکامنة فی غیب الغیوب
کالشجرة فی النواة دیو تعریف ایتمشلردر یعنی شجره قابلیة الثمره هنوز غیب

اینما بیلکیم کلام الله در
بیل بوسرار اولیاء الله در
[illegible]
حق تعالی نور همن نور انبیا
نور قرآندر انیاد ایسن بکرات
کر بو انوارک بیلورایسن وحدتن
بیلکه بولدک حق تعالی رحمتن
الکلدی نکته الله نور
ابدی وحدتدن اولوب بولدک حضور

الارواح جنود مجندة
فما تعارف منها ائتلف
وما تناکر منها اختلف



غيب قوتده فعليه كلمش اصول وغصون وفروع وقشور واوراق وازهار وانوار واثمارنده محتجبه
اولوب ونفساً وحنا بربرنده امتيازسز درون نواة وبطون حبه ده متكمنه اولديغي كبي حروف عاليه
غيب الغيوب واحديت ذاتيه وباطن علمده كامنه اولان شئون ذاتيه واعيان ثابته دن
عبارتدر نيتكيم شيخ محيي الدين ابن عربي قدس سره بيورر كنا حروفاً عاليات لم تقل متعلقات في ذرى اعلى القلل
انا انت ونحن انت وانت هو والكل هو هو فسل عمن وصل جوابي سرزبور اشارت
بيورمشلردر يعني احديت ذاتيه وغيب الغيوبده جميع اشيا وجوديه وعدميه ذات احديتده
مستغرق وعين غيب الغيوب ومطلق الوجود در زيرا رتبهٔ احديتده ذات احددن غيري شي اولمز
واشيا متميز اولمز بحسب المراتب ذاتيه وصفاتيه واسمائيه وكونيه وجودات اعتباريه تجليات
ذاتيه من حيث الصفات والاسما وبحسب الافعال والاثار مراتب باقيه ده متعينه اولديغي مجذوب
ومطلوب سالك مجذوب مشاهده قيلور ديمكدر پس باعتبار المذكور صفات متقابله ونعوت
متباينه ايله متعين اولان حقيقت واحددر زيرا احدي الذات وسرمدي الصفات اولان
خالق المكونات جميع وجوهده واحد ومرتبهٔ احديتده تعدد كثرات معدومه اولديغنه بناءً اوليت
ايله متحقق اولان بعينه اخريتله متحقق اولاندر ولكن ذكر اولنان اسرار غريبه كشف صحيح وشهود صريحدن
غيريله منكشف اولماز الا بنا بر كه مظهر كل اولان عارف متحقق بع الكلية والمظهريه ذات وحقيقتي
جميع اسما وصفات ايله مشاهده قيلوب حصص وجوديه دن هر بر حصه وذرات كونيه دن
هر بر ذره دن مندرج وجامع الكل اولان نقطهٔ حاليه يي مندمج بولور فيعاين الذات ويشاهده في كل منها
بجميع الاسما والصفات بان يكون منها اجمالا وتفصيلا پس ظرف كل اولان نقطه ده اول عين اخر واخر

واخر عين اول وازل عين ابد وابد عين ازل اولوب دنيا اخرت واخرت دنيا ده متضمنه اولور
وبالعكس حدوث قدم وقدم حدوث وسائر مفهومات متقابله ده رنك بيرنكي وحدت حصوليله
كلور هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم • حررمنه لعلي راه

وبعضاً اسرارالهيه بحسب المعنى ... والاسعد ... ومتعدد بيت ...
وبعضاً بعلميت ظاهره نك بعضيني باطنينه اولرى اخرتنه اخر
واولنبه ظاهرين ... ضريبي بنظر ... محجوبون
والبسه جميع الامر كله
منه لعلي

خواص واسرار حروف علوم اوليا الله دندر
لكن طريقت ملامتده سلوك ايلين عشاق
راه محبتده غيره التفات اينمزلر معارف ودقايق
انزيا ننده حجاب نوره معدود در في فهم منه لعلي راه

وحروف مقطعه ده نيجه نيجه اثار واسرار مالا يتناهي دركه
اوليا الله بعضا ... كندولر واقف اوله بيلدكي قدر بر مقدار اثار
وهر كس مقدارنجه قدر اسرارينه شاهد ونسخيرايتديلر بعض حروف ناريه
وبعض آبي وهوايي وخاكي اولوب حرارت وبرودت ويبوست
ايله علل وامراضه دوا اولنق وبرحاجت انجون موثر حروف اولوب
هزار علته وهزار حاجته تاثيرلر وكذلك عقد وتركيب اولندقده
دخي باشقه خواص كشف ومشاهده ايتمشلردر لكن حروف
كرك مفرد كرك مركب بي نهايت اولمغله كلمسنده بعضلر مقدارلري قدر
كشفلرينه بر مقدار باز مشلردر

بيت

كار ار چه بمن نيست ولي بي من نيست • فاعل جانست وفعل او بي تن نيست •

سامور هندی استخراجی

ناری	هوائی	آبی	خاکی
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ
حار یابس	حار رطب	بارد رطب	بارد یابس

افلاطون وامام علی قولنجه توزیع

ناری	ترابی	هوائی	مائی
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ
حار یابس	بارد یابس	حار رطب	بارد رطب

ناری	خاکی	بادی	آبی
حمل	ثور	جوزا	سرطان
اسد	سنبله	میزان	عقرب
قوس	جدی	دلو	حوت

من حیث الوجه الکلی فیاض مطلق اولا اقدس
صفات اربعه ایله تجلی بعونیت درکه اولا ذات تانیا حضرت جبروتدن اولان
لاهوتیدر اولا تجلی ذاتی تانیا عالم ملکوتدن اولا تجلی افعالی
تجلی صفاتی ثالثا عالم ملکیدن اولا تجلی آثار ایدر وتجلیات اربعه
رابعا عالم ملکیدن تجلی ظاهر اولوب الا آن اشارت
جمله‌سی ناسوتیدن ظاهر اولوب لونقابه اشارت
وذا اشتره حدیث قدسیسنده لعلی
بولنسه ...

اسرار حروف بغایه دراصحاب کشف وحقیقات تحقیقری
اوزره ضبط اولنمق کرک وفضل الله حروفینک جاودانزنده
واول مذهبده اولانلر اصطلاحلرنده اولانه حروف بو حروف
دکلدر انلرک باشقه سمتی اولوب نتیجه بعض فوادردر
بو اودکلدر باشقه در

اوصاف الصفات
اولا حیات وعلم وجود
وقدرت وارادت اصلیه وجود
اولوب طبایع اربعه عالم کوندن
صفات اربعه تک بنا بر یعنی طبیعت نظر حیات
ونظر علم وحرارت نظر ارادت ویبوست نظر قدرت
وبرودت نظر علم

بنی آدم وغیریدن وانواع حیوانات‌دن وجود
برشی یوقدر الا اول شی یا بودرکه بر محدث
ومظهره یاخود علی الاطلاق حقه عبادت ایتمیه
پس علی التقیید عبادت ایدن مشرک وعلی الاطلاق
عبادت ایدن موحددر جمله حق تعالینک عبادیدر
وحق جمله‌نک موجدیدر ومن حیث الاطلاق حقه
عبادت ایدنلر فقط [illegible] امت محمددر زیرا انجق محمدیلر
بغیر تقیید من حیث الجمع حقه عبادت ایدرلر من لعلی

در عبادات موجودات

فقال لها وللارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین قول شریفی مقتضاسنجه سموات
وارضک اهلی وبر موجب کریمه وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون خصوصا جن وانس
عبادت ایچون خلق اولنوب بر فحوای کل میسر لما خلق له هر شی کندی ما خلق له سی ایچون میسر ومقدر
بر مغزای غرای قل کل یعمل علی شاکلته بحسب اسماء متقابله وباعتبار مقتضیات صفات متغایره
هر کسک عبادتی وجوه مختلفه دروحدة الابرار اسم هادی ایله تجلی ایتدیکی کبی اسم مضل ایله دخی تجلی ایدوب
منعم اسمنک ظهوری نه وجهله ایجاب ایتمش ایسه منتقم دخی ظهورینی ایجاب ایتمکله مظاهر اسماء وصفاته
دخی بحسب الاختلاف ظهور ایجاب ایدوب فلهذا جمیع ناسک احوال وافعال واعمال واقوالی
بربرینه اختلاف ایتمشدر وبر موجب کان الناس امة واحدة ناس الله‌ک عبادی ومن حیث
الفطرة الاصلیه طاعت حقه مستحق اولدقلری ایچون اول اکرم الاکرمین محض فضلندن فطرت اصلیه‌لرینه
دعوت ایچون ارسال رسل وانزال کتب ایدوب من حیث اسمه الهادی اتباع رسول ایدنلری

انذار

بشیر و من حبث اسمه المضل مخالفت رسوله ایدرلر ایمدی کمکیس مظهر اسم هادی الله تعالی یه طاعت ایلدی و کیمیس مظهر اسم مضل اولوب مظهریت ضلالت ایله حقه عبادت انواع ملل و اصناف نحل ظهوره کلدی اول فاعل مختار سنت جاریه سنک مقتضاسنجه هر بر طائفه یه کندی علم و عمللرین تزیین و تحسین ایلدی بنا علی ذلک ارباب تحقیق ما من دابة الا هو آخذ بناصیتها آیه کریمه سنک بو معنایه اشارت وار دیمشلر

آه کیم اول فاعل مختار عباد دندن صدور ایدن افعال مختلفه صفاتنک اقتضاسیدر و مقتضیات اسما و صفات نه ایسه عبادی انک حکمی اوزرینه اجرا ایدر و هر بری حقک کمالنه لایق اولان نوع عبادات ایله متحقق ابدی انکله متصرف اولورلر پس بو اعتبار ایله جمیع اشیا حقه عبادت ایدوب اول ذات مقدسک ربوبیتنه هیچ احدک نه اوارل نفع و بر روینه انکار ضرر قیلورلر پس اگر طاعت اگر معصیت اولان مجموع مسمیات تسبیحات اشیادندر لکن هر احد تسبیحات مزبورینک جمله سنک فهمنه عالم اولمیوب بعضنه عارفلردر پس بو اعتبار ایله جمیع عبادک عباداتی و مجموع اشیانک تسبیحاتی حقه اولدیغی معلومک اولدی

قیامت

جنت صوریه و معنویه و نار معنویه و صوریه

انفسی

صغری

وسطی

کبری

عظمی

آفاقی

صغری

من مات فقد قامت قیامته

وسطی

کبری

عظمی

ذکر اولنان قیامت عظمانک وقوعندن نفخ اول ایله جمیع اجرام سموات و اجسام عالیات و تمام اعیان موجودات منتفی و مستهلک اولوب دورن خفیه ضمنیه یه انتقال ایدر و اعیان مستهلکه نک جمله سی فانی اولدقدن لمن الملک الیوم لله الواحد القهار نداسی ظاهر اولور و جمیع احوال ظاهره و باطنه دن منتفی اولان تمام اعیان نفخ ثانیدن عبارت اولان ذروه خفیه ضمنیه دن بعد الانتقال تکرار ظاهر اولوب هر بری کمالاتینه لایق درجات جنانه نائل اولورلر و ایمان و احسان و کمال ایقاندن بی بهره اولنلر درکات نیرانه و نکبات نفص و ضلالنه گرفتار اولورلر و حالت مزبوره یه یوم موعود و قیامت عظمی تعبیر

اولنور والحاصل ایجاد واعدامه قادر اولان فاعل مختار كمال خ الاول معدوم ومعدومی موجود قیلوب
یوم تمیزده اولین واخرینی اظهار ومطیعلری جنت ودیدار ده وعاصیلری عذاب ناره ادخال
ایدر آمنا وصدقنا حقه محال برشئ یوقدر جملیه سنه قادردر آه ای دل آگاه وعارف بالله
قیامت وبرزخ وعالم شهادت خود وجود واحد اولوب علی سبیل الانفراد بونك مثالی
بر دائره کبیردر که دائره مزبوره نك نصفی دنیا ونصفی اخرت اولوب وبینهما فاصل قوسین
اولان خط مفروض برزخ اعتبار اولنمشدر پس سنك شول هویتك که سن انكله موجود اولوب
هویت مزبوره شول سنك عینكدر که قیامتده خی اول عینله محشور اولورسن بو تقدیرجه
اكر دنیاده وبرزخده واكر اخرتده هویت مزبوره ایله موجودسن ولكن تفاوت بودر که امور برزخیه
دنیا اوزرینه مبنیه اولمغله ضروریه در وامور اخرویه خی برزخ اوزرینه مبنیه اولمغله اولدخی
ضروریه در وامور دنیویه ایسه اختیاریه در وعالم اخرت خود عالم ارواح اولوب
عالم ارواحك ایسه جمله سی انسانده موجود اولان مطلق روح انسانی جمع ایدوب
انسان نفسندن خروج ایلمز پس جمیع عالم مرایای متقابله کبی اولوب مرایای مزبوره همه بری
اخره علی حکم الاحدیه ظاهر اولور زیرا حقیقت عالمه نظر اولنسه فی نفسها جوهر فرد غیر منقسمدر
مگر اولان تعدد وانقسام جوهر فردده انقسام فرض اولندیغی کبی خیال اولوب ونحشرهم یوم القیمة فردا
فواد کریمنده بو معنایه اشارت واردر امدی بو نکته یی فهم ایدن سر احدیتی ذوق ایدوب
وعید نار ووعد جنانی مشاهده قیلوب ایمان وایقان صاحبی اولوب وقوع قیامت
وامور اخرتی انكاره بروجهله قدرتی قالماز ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم
اهل

امدی ذکر اولنان اسرارك تمامنی بیلمك واحوال برزخ واخرتی دخی حقیقت ایله کورمك
دیلرسن وراثت کمالیه حقیقت محمدیه ایله صدرنشین سریر خلافت ومن حیث الباطن
مجلای حضرت احدیت ومن حیث الظاهر نسخه جامعه دنیا واخرت اولان مرشد راه
هدانك دست ارادت ایله دامنکیر محبتی اولوب کمال ظهور خلوص طویت ایله حرایم خدمت
طریقن رعایت قیل که وجودده ساری اولان اسرار احدیت مشهودك اولوب زجاجات
متنوعه یه پرتو انداز نورانیت اولان ضیا روحدانی النعت افتاب واجد المعالی کتاب
وخطاب اولان حروف مفردات کبی ارواح انسیه خی نه جهتدن متحد ونه جهتدن متعدد
ایدیکن بلا ریب کوروب بین الوجوب والامکان برزخ فاصل اولان کثرات تعینات
ازاله واجزاء محدثاتی قمع وافاله ایتدیکك حالده من حیث الجمع حقه عبادت ونقطه
بدایته ایصال ایله مقبول حضرت ومسعود دنیا واخرت اوله سین حررم لعلی زاده

نشأهٔ دنیویهده انسانك ظهوری حقایق اربعه ایله ثابت اولمشدر اولا حیاة بدنیدر حیوانات سائره
ایله بو مرتبه‌ده برابردر حقیقت ثانیه قوهٔ علویه‌نك فیوضیدر جوارح انسانیه‌ده هر بر عضوه مستقر اولوب
انسانك قوتیله علویات ایله مناسبت تحصیل ایدر اگرچه تأثیرات مزبوره جمیع اشیاء سائره‌ده دخی وجدانیده
واقع اولور تأثیر حد کماله ایرمز حقیقت ثالثه عقلدر لکن عقل عامه دکلدر زیرا عقل جزئینك قوه وضعف
دماغك صحت وسقمنه موقوفدر پس عقلدن مراد عقل مستفاددر که قیام افلاك وثبات کونین انکله‌در
عقل کل اولدر وجبریل عقل کلك صورت مثالیه‌سیدر وحقیقت خ نوریه‌نك ظهوری کلیسی انبیا وکمل اولیایه
مخصوص اولوب فی الحقیقه عقلا انلردر وعقل کل انبیا واولیانك مدرکی اولمغله افراد انسانی
حیوانات سائره‌ده عقل جزئی ایله ممتاز اولدیغی کبی انلرده عقل کل ایله سائر ناسدن ممتاز
اولمشلردر ووجدان بیننده عقل کلك سبب ظهوری صورت ایله سیرتك اعتدالیدر
اکثر ناس ایسه صحیح السیره اولمیوب ذمائم نفسانیه ایله سقیم اولدیغیچون تزکیهٔ نفس
وتصفیهٔ قلب وتجلیهٔ روح ایله اخلاق مرضیه تحصیلنه قادر اولمیوب عقل کلدن بی بهره‌لردر
واعراض قلبیه‌نك طبیب حاذقلری انبیا واولیا اولمغله مادامکه سقیملر احکام انبیایه
متابعت ومحبت انبیایه ملازمت ایتمیه‌لر قلبلر صحت بولماز زیرا خانه‌یه دود شمع
وچراغ منور ایتمیوب بلکه کثرت دود نور چراغی ستر ایتدیکی کبی نور آفتابدن اصفی اولان نور فیض عقل کل
دخی کدورت نفس اماره وکثافت طبیعت مکدره ایله اظلم اولان قلبی منور ایتمز وموت
ابدانه واقع اولوب روحه موت طاری اولماز بلکه بدندن مفارقت ایتدکده باقی قالور
وبرزخده الی یوم القیام صورت مکتسبه ایله موجود اولور حقیقت رابعه انبیا وکمل اصفیایه
مخصوص اولوب انك حقیقتی بیاننه لسان قاصردر واندن تعبیر ممکن دکلدر واول

واول نفخهٔ روح اقدس وحقیقة الحقایق عالمدرکه حقیقت محمدیه بوندن عبارتدر وانزال کتب
واوامر الهیه وبعثت انبیا وارشاد اولیا اول حقیقتك کدورتی قلوب مستعدیندن ازاله
ایچوندر وسلطان وجود اول حقیقتدر زیرا نفخ روح ربانی وخلیفهٔ الهیدر وانبیا واولیا
حقیقت مزبوره‌یه مظهر کل اولمغله انلره متابعت ایتمینلرك دملری تابعانی انبیایه مباحدر
فلهذا من مات فلم یعرف امام زمانه فقد مات میتة جاهلیة سوز اولمشدر پس نفوس ظلمانیه
عقل کلدن وحقیقت انسانیه‌دن دور اولدیغی ایچون حین حشرده صورت انسانیه‌دن صور حیوانیه‌یه
مسخ اولور

اختیار

جبر

کلی — جزئی — رحمانی — شیطانی

دائما فسق وفجوره منهمك ومحکوم اولان جبر شیطانی ایله مقهوردرلر ایتمینلره جبر رحمانیده مقهور تعبیر ایدرلر
تلویندن خلاص بولمیوب مرتبه تمکینه ارتقا

احکام شریعته وبیر طریقته تبعیت اوزره تهذیب اخلاق ایدوب لکن تلویندن خلاص اولمیلر رجال الله
امتحان اولندقده توبه واستغفار ایدوب کرم حقله عفو وتنزلی باعث ترقی اولور دوشه قالقه
یولدن قالمیوب محو محض وفنای مطلق اولدقده اختیار جزئی اربابندن اولوب تنزلدن وتلویندن خلاص
بولور ومرآت قلبی پرتو اشعهٔ آفتاب حقیقت محمدیه‌دن مقدار ذره منحرف اولماز پس ارباب سلوکك
غایت سیرلری بو مرتبه‌ده قرار بولوب مظهر اختیار کلی اولانلر اکمل کملك مرتبه‌سنه وارمز زیرا مرتبه
مذکوره شول مقام محموددرکه بحسب الوراثة الکمالیه ولایت عامهٔ مطلقهٔ محمدیه مظهریتنده قائم
اولان غوث اعظم وانسان الکمله مخصوصدر وهر دورده اول مرتبه صاحبی واحددر بلا قید وبلا واسطه
جناب حقدن مستفیض اولدیغی جهتدن انك جمله افعال واحوالی بفضل الله تعالی رضای سبحانیه موافق
اولوب قبولی قبول فیاض مطلق ورددی ردحقدر ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم

اکرچه محض فنا اربابی تلوینده ایکن بر دولکن قطب زمانک خلاف رضاسی اوزره بر وضعه عزیمت

ایلسه مرتبه سندن دوشر و بونلرک اختیارلری کندیلردن ساقط و پیرکاملک اختیارینه مربوط اولدیغی

اجلدن اختیار مزبور جزئیه اعتبار اولنمشدر

آه ای درد محبت الهیه یه طالب صادق هر زمان حقیقت محمدیه قبلهٔ جان و هر درده درمان

اولدیغی نمایاندر و فهم وادعا صاحبنه واجبدر که وارث خلافت محمدی و فیضبخش عشق احمدی

صاحبنی قلبنده جویان اوله والله المستعان

هر نفس و هر آن فیض نفس رحمان قیوم حقیقت انساندن اولمغله ذرات واکوان و صور محسوسات

و اعیانه دینه دلده نمایان اولور فافهم

حضرت حق قادر مطلق افلاکی یکرمی سکز صفات افعالیه اراده بیوروب صفات مزبوره یه هر بری

کندی ذاتلرندن مجرد وافعال وخواصدن مجملدر وافعال مذکوره یه عند اهل التحقیق حروف الهیه تعبیر اولنور

و بونلرک ظهور افعالی فلک البروجده در که اکا منازل قمر تعبیر قلنور رب الاربابدن مستفیض اولورلر

و موجودات عالمه افاضه ایدرلر و بین الخالق والمخلوق وسائط جسمانیلردر اما بغایت نورانیلردر

و ارباب کشف و شهوده صورت حروف تهجیده متمثل اولمشلردر و بونلرک فعلی اولدقجه هیچ

برشیئک وجودی صورته کلمیوب بطونده قالور

منام عالم مثال مقیددر

قوة شهوانیه کاملده عشق ربانی یه مبدل اولور

[Vertical marginal notes, right page:] اشیانک [illegible] ... [illegible]

آه ای طالب حب ذاتی محجب اولان لر که وجود مطلق هر هیئت جمعیت ذاتیه یی صفات سبع آدم

ایله عیانه کتورمشدر انکچون دمشلردر که کروهی آدم معنیش خوانند کروهی علت اولیش خوانند

فی الحقیقه آدم نشأتین تفصیل حقیقت محمدیه اولوب ارباب تحقیق طه و یس قول کریمندن

بو معنایه اشارت دیمشلر و صفات مزبوره معینده اضافیه درکه ذاتدن ذاتک ذاتنده حاصله در

انسان اطلاقی هماکه محبة الله اولانک قلبندن عبارتدر

اول قندن در قند سیل یعنی اراویب بول

نی دل اندر صد هزاران خاص وعام   در یکی باشد کدامست آن کدام

یعنی علی وجه الاکملیه وارث حقیقت محمدیه اولان قطب الاقطابدر که

جمیع قلوبه نور محبت الهیه انک اعطا سندن بخش اولور

سعید شول کمسنه درکه کندی وقتنک امامنی عارف اوله و کندی نفسندن

واهل وعیالندن و مالندن انی تحکیم ایلیه

[Diagonal marginal notes:] الصوار سبعه / الروح نبی / الخفی محبوب العبد / اول قالبی ثانی نفسی ثالث قلبی / رابع خفی / سادس روح [illegible]

کرچه هر شخص بر اسم اولمنک مظهریدر لکن وجه واحدده شاهد سرکفایت ایتمز

بحسب الکلیة والکمال مظهریت شبه و استمداده محتاجدر

جمعیت نفی واثبات لا اله الا الله کلمه سنده اولمغله حضرت مظهر کل خاتم الرسل محمد المصطفی

علیه الصلوات والتحایا غار حراده جناب ابوبکر صدیقه اخفا ایله و حضرت سعود الباب

علی المرتضایه جهر ایله تلقین ایدوب الی هذا الحین عنعنه ایله مشایخ نقشبندیه و شیوخ خلوتیه

متسلسل اولمشدر

[Diagonal marginal notes:] طریق بر ایم [illegible] / جامع نقشبندیه و خلوتیه در [illegible] / فائده صفالر [illegible] / طریق الاخفا [illegible] / نفی اثبات [illegible] / لفظا و معنا [illegible] [illegible]

قال الجامی قدس سره
لا تعقل کیف ولا ما هو
جل من لا اله الا هو عارفی نور وجه الاعین
تحکم فی نعت ذاته الا انس کیف هو کفتن اندر و چنیست
قیس ذاتش که بیند از کیفست ممکنش نیست دیکر ذوات قیاس
هو کنایت ز غیب ذات شناس تعقل کلدر صفات او نرسد
هیچ واتی بذات او نرسد

کعبه قلبه توجه ایله تراب قالب
اوزرینه سجده ایدوب خاک قالبده
سنکینه اولان لطیفه سر ربوبیته
اقتراب ایدیکزکم قلبکزه پرتو
ایدن لطیفه خفیه محمدیه
اتصال ایله رب عزت هر برکزه
رفعت وعزت وانواع کرامات
اعطا بیوروب مقام عروجده
جمیع قوی لطیفه لطایف حقیقت
محمدیه یه منجذب اولوب راضیه مرضیه
رجوع الی الرب میسر اوله

ای نور دیده م جذبه کر واقع حاله اعتبار اولنوب سکونه جذبه حرصکره ظاهر اولان اوصافه اعتبار اولنور فلهذا اعتبار عروجه اولنوب نزوله در دیمشلر

فراست

صاحب فهم وفراسته خفی اولمیه که عالم شهادتده اولان صور محسوسه ظلال صور مثالیه در ومثال مقید که خیالدر مثال مطلقک نمودار یدر وتا غینک اوله نسبتی جداولک دریایه وروزنه نک افتابه اولان نسبتلری کبیدر پس سالک سوکندن مثال مطلقه رسیده اولدقده اول عالم مطابق علم حق اولمغله هر احوالکه مشهود اوله صواب اولوب خطا اولماز فاما مثال مطلقدن اکاه اولمیان بر شیئی کندو خیالندن تصور ایلیه اکا ظن دیرلر کاه اصابت وکاه خطا ایدر

مناجاة

الهی سیدی ومولای صراط مستقیمه توفیق وهدایت سندن ویاردمن مدد وعنایت سندن بر عاجز قوللریکی یولدن دونمرمه مقصود اصلی یه ایرشمینجه بر منزلده اکلندرمه الهی سنک بره جواز وسنک مهرک جانه جهاز بلکه معبودا سنک شناختن روحه امان وسنک لطفک جسمه حیات پروردکارا سنک فضلک بره لوا وکشف واحسانک جانه ماوا آه کریما ضعفایه پناه هین قاصد برسر راه هین مؤمنلره کواه هین نیازمز بوساکین وفقرایه دستکاه ایدن سین الهی عجب عزیز در اول کمسه که ای سن دیلیه سین ویولدن آزارسه یوله کتورن سین دولت جاودان اول کمسه یه که سن آنک اوله سن ایاکه کیمک اوله سین ای خدمت روی تونداره ماه وسی من بی تو نخواهم که برارم نفسی خواجه عبد الله انصاری بیوررلر که مطیعلر طاعتده اخلاصدن بولدیلر بوخسه اخلاص طاعتدن دکل وعصات معصیت عذابندن ایرشدیلر بوخسه معصیتدن عذاب دکل الهی طاعتده اخلاص سنک لطفکدر ومعصیتدن صیانت سنک رحمتکدر سن عنایت قیل ضعیف افتاده یم نفس الندن عاجز ودرمانده یم نفسی چو سویلرم اما بلمزمکه نیدر هر دم الندن اغلرم خبرم یوق نه نسنه در الهی توشه تقوای عقبایه زاد قیل الهی بزه اوت مخصه لرندن آزاد قیل الهی سنک عطاک موهوبدر مکسوب دکل ورحمتک عنایته دائردر عبادته دکل الهی بن دیمکله بولنمز سن بکا بن دیدرمه بو بولندن قال وقیل حجاب ایسه سن دیدرمه عدد شرک ایسه سن رفع ایله جبه هستی عائق اولورسه سن خلع ایله الهی هر وجودک نوری سندن هر ممکنک ظهوری سندن هر عاشقک محبوبی سنسن هر ساجدک مسجودی سنسن هر ذاکرک مذکوری سنسن هر شاکرک مشکوری سنسن هر حامدک محمودی سنسن هر قاصدک مقصودی سنسن اما بی نشان سن

ع کناه جز اکر از حد برونست هزاران بار از ان فضلت فزونست
اکر باشد دو صد خرمن کناهم توانی سوختن از برق آهم
اکر باشد زعصیان صد کتابم توانی شستن از چشم پر آبم
دو چشم مرد را دست از ندامت همین بس آب رویم در قیامت

دوات خمس

معلوم اوله كه افلاك مثاليه تابع افلاك روحيه وافلاك روحيه تابع افلاك عقليه
وافلاك عقليه تابع افلاك شئون الهيه وشئون الهيه تابع صور علميه اولوب
صور علميه ايسه عين نسبت فلك تجلي ذاتيدر وافلاك مزبوره نك هر بريسي اسماء ذاتيه
وصفات اوليه دن اولان حيات وعلم وقدرت وارادت وسمع وبصر وكلام اسملريدر
لاجرم برايسمك داخل حيطه حكومتي اولمغله حقايق وماهيات امكانيه واعيان كونيه ده
واقع اولان آثار ذات وصفات بتقدير خالق الكائنات افلاك حسيه وساطتيله
اثر ايدوب انوار كواكب ثابته وسبعه سياره ذريعه وصول آثار اولديغي جهتدن
صفات مزبوره نك هر صفتنك اقتضاء سلطنتلري بر مدت معينه يه دك اعتبار اولنوب
بر وفق مقدمات مذكوره هر شيئنك ظهوري ونباتك صورت نباتيه بعده صورت غذائيه يه
مستعد اولان حصول لذاتي ايچون دور زمانده بر وقت معين واردر كه ساعتي اولمدين
اول شي وجوده كلمز واشجار ونباتات انوار وثمرات ويروب لذاتي كمالن بولمز
كذلك مذنبين ده ساعتي كلمدين ناردن چيقمز وهيچ بر سالكلرده وقت استعدادي
كلمدين تلونات كثرات وتقلبات تعيناتدن قورتيلوب لذات انسي وحدته متمكن اولماز
م

بيان حضرات خمس

حقق الله سبحانه بحقايق الوصال وجعلنا من العارفين
نشرات انسه بالغدو والاصال معلوم اوله كه حضرت الهيه بى حد وغايت
اولمغين وكتب ارباب بصر وبينش واصحاب دانش قتنده محققدر كه شئونات كليه حيطه وجود
وخطه قبض وجوده مندرج اوله لاجرم حضرات خمسه منحصردر كه بريسي حضرت غيب مطلقدر يعني اعيان ثابته
وحقايق علميه حضرتيدر وانك مقابلي حضرت حس وشهادتدر كه اكا عالم ملك وعالم كون وفساد ديرلر
وبينهما اولان حضرت مثال مطلقدر ومثال مطلق ايله غيب مطلق ميانندن حضرات ارواح جبروتيه در يعني
عقول ونفوس مجرده در ومثال مطلق ايله شهادت ميانندن هم حضرت مثال مقيددر كه عالم مثالدر
وحضرات مذكوره نك جمله سني حضرت انسانيه كماليه جمعيه جامعه در اولوب نتيجه جميع حضراتدر
فلهذا مراتب انسان كامله حضرت ذروه بشر الى عاشق صادق وولي رفيق موافق اكر سالك فايق
جميع تعينات وهميه وتمام تقييدات عدميه حتى شعور ولا شعوردن دخي فاني ومبتلا اشتر اولوب جلا اصلي
ايله كنديننك فنا ذاتي اولديغنه رجوع ايليه حالت مزبوره نك ادا سندن ذاتدن بونجه
اعتبار اولنوركه اكر ذاتي اسقاط جميع اسما وصفات ورفع تمام معاني ومفهومات ايله اعتبار
ايدوب حتي مفهوم اسقاط ولا اسقاط دخي اعتبار اولنميه اكا اسم احد ومطلق وجود
وذات بحت ونور الانوار وبياض مطلق وعما وكنز مخفي ولا تعين ولاهوت
وغيب الغيوب وغيب مصون وغيب مكنون وغيب هويت وذات احديت
اطلاق ايدرلر وبو حالة فنا في الله تعبير اولنور مرتبه مزبوره يه عالم لاهوت
وعالم لا تعين ديرلر وچونكه عارف واصل قعر بحر فنادن
خروج ايدوب صفت بقا ذاتي ونعت

ونعت وحدت حق
ومعنای وجود مطلق ایله اتصافه وجه عروج ذاتنک
ایدوب کندیزی کندینک اینیه حق اولدقده ذوات ذاتنک طوتدقدن معاینه ایلیه وحالت
مثابت بیت وهیچ کسی کندیزا وجود ذات ملک مقرب ولا نبی مرسل حدیث شریف خبر ویروب
قربوده لی مع الله وقت لا یسعنی فیه ملک مقرب ولا نبی مرسل بو جلوه‌ده اولور بو جلوه زلوده اولوب تعین ذاتیکه
کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لاعرف سرّی احاطتیه که تمام نسب اسمائیه ورتب اعیان کونیه
کندیزی کندینه ظاهر اولمشدر و وحدت حقیقیه وجمعیت کلیه ونعت اندماج ایله موسوم اولوب وبدایت تفصیل
احاطه ومزبوره‌نک طی بساط وبسیط سمت اندراج ایله موسوم ایله جمع اولمشدر
مراتب مدارک تعینات وجودیه که نهایت تکمیل مآرب سالک ترقیات شهودیه انکچون دیمشلردر
ظهور ایدوب نه وحدت کثرته ونه کثرت وحدته مزاحم اولماز

تو او نشوی ولیک اگر جهد کنی
هر هست دویی بره دویی برخیزد
4 چند انکه بروایی ره که دویی برخیزد
جایی برسی که در تو تویی برخیزد

اما ضمیر منیره خفی اولمیه که بو جلوه‌ده ایکی شعور متضمن اولور که
ذات بحسب التنزل تاریه اعتبارا وحدت حقیقیه
برسی کمال ذاتی وبرسی کمال اسمائیدر برسی احدیت ذات وروح نبینا وروح اعظم
وحقیقت محمدیه ونور احمدی وتعین اول وتجلی اول وقلم اعلی وورب الارباب
وروح قدسی وعنصر اعظم ومبدا المبادی وحقیقة الحقایق وبرزخ البرازخ
ورب اعلی ومبدا واحدیت وعالم جبروت وحضرت علمیه ومقام قاب قوسین
وبرزخ فاصل ومجمع البحرین ومجمع الاطراف ومراج الاضداد واحدیة الجمع
ومقام برزخ ثانی وصبغة الله اسملریله تعبیر اولنور وذات بو مرتبه‌ده باعتبار الشعور
کمال

کمال اسمائی
وصفات سبع ذاتیه اسمعیلن
اولور که سبعه زلوده حیات وعلم وارادت وقدرت وسمع وبصر وکلامدر ولو تندیه
وقدرت واحد وحق والله اطلاق اولنور آه ای طالب صفات سبع ادم ایله
ذات اسم الله که وجود مطلقدر جمعیت جمعیه ذاتیه صفات اولیشن خواند
عجب والله‌که وجود مطلقدر گروهی ادم بعینیش خواند گروهی علت اولیش قول ایدن بو معنایه
عیانه کنز وست شده انکچون دیمشلردر ¶ گروهی ارباب تحقیق طه ویس قول ایدن ها حیله در
فی الحقیقه ادم ذات تاین ایله تفصیل حقیقت محمدیه اولوب ذاتنک ذاتندن مطلبی فاحله در
ات تعدد دیمشلر وصفات زلوده تعینیب اضافیه درکه ذاتندن انجا ماحدیت لا ابتداهی ایله مبدا
ومرا تبیدا ظهور اضافات بحر بنینا هیدر مثلا علمکه وجوه کثیره صور علمیه ابرصوره‌نک
ظهور ذاتندر بیس یارو وجه بو بنوال اوزره اعیان ثابته بر هرکبنک ظهوریه وصور علمیه ممکنه
حضوریه باعث اولمشدر ووجوه زلوده اعیان ثابته وصور علمیه وماهیات اعدام ممکنه
وحقایق الهیه وشئون ذاتیه ووحوف بسیطه عالیه وماهیات بسیطه تعبیر اولنور بو مرتبه‌یه
عالم واحدیت وعالم علم وعالم عقول مجرده وعالم امکان وحضرت ارتسام دیمشلر
ومرتبه احدیت ایله بو مرتبه بینینده واقع اولان تغایر اعتبار ایدر حقیقت وکلدر وجود اعیان ثابته
ذات ایله اعتبار اولنه یارین ذاتی براسم اقتضا ایدوب بر تعین اخر ظهور ایدر و
جمله‌سنک وجهی جانب ذاته اولور ذات اسم قیوم جمیع کائنات اولدیغی جهتدن
جمله‌سی واحد اولوب جمله‌سی یکیکی ذات ظاهر اولور وجود اعیان ثابته ثبوت لوازم
واحوال ایله اعتبار اولنه اکا قضا تعبیر ایدرلر واکر صحایف اجرام سماویه اوزرینه
مجموع لوازم ایله نزول ایدوب صور نسب اوضاع فلکیه وهیئات قرانات
واتصالات کوکبیه ایله ظاهر اولورسه اکا قدر تعبیر اولنور کما قال الله تعالی
وان من شیء الا عندنا خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم

فصل دیگر

آه ای طالب فهیم وای عارف بو آیه کریمه بیتز قضا وقدری وجودی
حقیقت رحمن رحیم جمله ذرات کائنات حضرت وجوده خصوصیت تعلق
مبین اولدیغی معلوم اولیجق وبنده عروج وجبر وتنزل وصلی خصوصیت غفلت انیمه بسرک سنی
طرق مستقیم اوزره صدر ونزولی وصل وکندیدن کندینه تحصیل حاصلدر معنالر شنیدی نظر قبلدی
وتا عرضدر هر شیئک قدر الاستعداد کندی کالنه واصل وهو معکم اینما کنتم کندیدن کندینه
بیان اولنه اولکیه بنوعیه تفصیلی بیلوب وبیلی بولیه بس واضافاند واضافاند وانواع کلمات روحیه
هران حقیقت محمدیه بتوجه اولکیه آبینه صفات وصور علمیه قدسیه جواهر صور علمیه بوزنیدر
وتا حقیقت محمدیه اول جلوه باردیکر اولان اعیان جواهر قدسیه اولوب صور علمیه ظاهر وبیدا اولدر
والله لطیف بعباده وچونکه اول جلوه اولوب وونینه وقوفی اولان اعیان اجمالی وتفاصیل عالیه در ظاهر وبیدا
والله لطیف بعباده وعالم امر وعالم افعال هویدا اولوب واحدیتک مظاهر وتفاصیل وحروف بسیطه عالیه تعبیر وبیان
عالم ملکوت وعالم امر وعالم افعال املاک وتبه واحدیتک اعیان ثابته وحروف ملکوتدر تعبیر وبیان
ونفسیه وافلاکیه موکله اولان مفارقات ذاتیه اولیه ایله که بو عالم ملکک کاهی ملکوتدن محسوس اولمیان
نسب واضافات زائدی نسبت ذاتیه اولیه ایله که اعیان ثابته وحروف ملکوتدن محسوس اولمیان
نسب واضافات زائدی او مشیدلر معلوم اوله که بو عالم ملکوت مجرد محسوسدر بس محسوس وسائر
بنکم اول عالمک مبدای عقل کل وقلم اعلی محسوسات وعالم ملکوت مجرد محسوسدر ابن عربی وسائر
ملکوت بنکم اول عالمک مبدای زیرا عالم ملک بحر مواج عمیق شیخ محیی الدین ابن ایکی اعتبار
ایمکاندن دکلدر فاما مقتدای اهل تحقیق بحر مواج عمیق عالم ملکوتدن ایکی اعتبار
... اظهار شکلدر فاما مقتدای اهل التحقیق بیانی بودر که عالم ملکوت کلمات تامه
معنای محسوسه اظهار شکلدر اورن علی سبیل الایجاز بیانی بودر که عقول مجرده وانوار قاهره وکلمات تامه
معانی محسوسه تحقیق بودر قدس الله ارواحهم تحقیق بودر اعیان جواهر وعقول مجرده وتصرفنه تعلقلری
بعض عارفین قدس الله ارواحهم باعتبار التجرد اعیان جواهر تدبیر وتصرفنه تعلقلری
وار در که برینی تجرد وبرینی تعقلدر بس باعتبار وجهان الوجوه تدبیر اولنلاردن دکلدر
وجواهر مفارقه وملائکه مهیمه تسمیه سنه باعث بودر که انلرک وادمه سجده ایله مامور اولنلاردن دکلدر
اولمیوب عالم وعالمیاندن هیچ وجهله شعورلری یوقدر وادمه سجده ایله مامور اولنلاردن دکلدرسی اکر
ها موافق جلال الله منذ خلقهم لیو وصف اولنمشدر تفصیلی فتوحات مکیه ده مجرد ایسی اکر
ملکونک

اعتبار اولنور بو مرتبه ملکوتده اولان نفس کلیه تعلقی
ارواح وجواهر مجرده نفوس ناطقه ملکیه ملائکه مدبره
وارواح قدسیه وجمله نفوس ناطقه کروبیون افلاک وانوار
اکر کروبیون بالذات شهود وغیبت جبرائیل اولوب عالم جبروت انتقالات اولنور قدر
اکر ارباب مراتبه اولان روح اعظم اعلا مرتبه روح اعظم بو قدرسی
وکلن وسائط فیض روح اعظم صلوات الله علیه صف اولندی روح القدس
بونلر ظهور عقل اول روح اعظم مقام معلوم استعداد اولان
روح اعظم قلم عقل اول صف اخیرده کمال تقدس اجسام مکدر تدنس
جبرئیل علیه السلامدر جواهر قدسیه حکمت الهیه نفوس ناطقه وارواح قدسیه
مقام معلوم منازل صور لطیفه وهیئت نوریه ایله
وتدنیت اولوب بین المرتبتین واقع اولان مرتبه برزخ عالم برزخ وعالم مثال
اجساده تعلق بین اللطافه والکثافه ارواح عامله ونفوس منطبعه
ظاهره اولور که صور علمیه
وخیال وعالم اشباح صور خیالیه تسمیه اولندی
ومدبره تعبیر اولندی جواهر
ومثل افلاطونیه واشباح برزخیه ارواح قدسیه اولوب جواهر
حقا که مظاهر صور عقلیه روحانیان ایکی قسمدر بر قسمی
فی الحقیقه مظاهر وتفاصیل صور علمیه در روحانیان ایکی قسمدر
عالم اجسامک تدبیر وتصرفنه علاقه ایدنلردر بونلره روحانیان دیرلر
بر قسمی

بر قسمی سماویاتن تصرف ایدن ارواحدر که انده ملکوت اسفل دیرلر و بونلردن

صد هزار و هزار نوع انسان اوزرن موکللر و هزار هزار ارواح ابیاب الفدرن

و معادن و نباتات و حیوانات بلکه جمیع موجودات ارضیه یه موکللردر و حضرت فخر کائنات علیه اکمل التحیات نزل کل قطره

علیهم السلام ان لکل شیٔ ملکا مفهومی روایت اولنوب حضرت فخر کائنات ملک موکل ابدار ارباب کشف و تفتیشک

ملک بیورمشلر بلکه هر برگ درختک اوراق و اثمار ایجادینه مع مخلد الله یدیشیر ملک موکل و حدیث شریفده ملك الجبال

شهود اولدیغی تحقیق بیورمشلردر هکذا جرت سنة الله ولن تجد لسنة الله تبدیلا و حدیث شریفده ملکوت کل شیٔ

وملك الریح وملك الرعد وملك البرق وارد اولمشدر خلاصه کلام مادامکه محروس سبحان الذی بیده ملکوت کل شیٔ ایدن

جانلدن رفع نقاب انیمیه حقیقت قدرة اللهی هیچ کس ادراکه قادر اولماز و لقد المکاشفه هانی ایدن

ارباب شهود قدرت حقدن حیرتلرندن ٤ قد تحیرت فیك خذ بیدی یا دلیلا لمن تحیر فیك مناجاتن

ایدرلر الی صدای مستمع قابل ذکر اولان رتبهٔ برزخیه اوسع حضرات الهیه در زیرا عالم علم و عقول و عالم ارواحدن

اولان جواهر ولوازمندن و احوال جواهرک هر بری واریسه بو عالم برزخدن جمیعا هر برینك صورت و مثالی واردر

انبیاء عظام و اولیاء کرام معجزات و کرامات و خوارق عادات هر برنه اظهار ایدرلرسه و احوال آخرت

والام ولذات و عذاب قبر و میزان و حساب و صراط و بونك امثالی عبرتلردن هر برینك تحقیق

واخبار بیورلورسه برنجوای و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون عالم برزخك لایعد ولایحصی اولان

مجسم و مجربه سندر در حق احوال و مقامات و مشاهدات و مکاشفات و تعبیر واقعات و تأویل

منامات اندن ارباب مجاهداته هر نه که منکشف اولورسه بو عالم برزخك اسرارینه واقف اولدیغی

مقدارجه در و بو عالم ملك و شهادتدن اولان افلاك و عناصر و موالید ثلثه و لوازم مذکوراتدن

اولان

اولان اوضاع و اجناس

و انواع و حرکات و کمیات و کیفیات و احوال

و انفعالات و عالم انسان نه ایسه طهور کلاتی اولوب

و افعال و اقوال عموما عالم برزخك تفاصیل و مظاهری در کما قال الله تعالی

جمله جملهٔ بکیك واجع رجوع صدور منشاسیه اراثت ایدن اوتمقدر

افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون و قال علیه الصلوة والسلام انما هی اعمالکم ترد علیکم

اما عالم شهادتکه عالم خلق دیرلر عرش اوزره فلك الافلاکدن مرکز خاکه کلنجه آثار و مراتب تجلیاتدن عبارتدر

بس شول نسنه که حواس ظاهره نك حکمت اوله انك عالم شهادت دیرلر و دنیا و خارج و تجلی ثالث اطلاق ایدرلر

اما عالم باطن که انك عالمیدر جمیع مراتب متحققه نك هیئت جمعیه سندن عبارتدر زیرا حقیقهٔ آدمیه که

انك لطیفهٔ مدرکه ربانیه تعبیر ایدرلر زبدهٔ سر ملکوتدر و لطیفهٔ مدرکه مذکوره عالم روحانی و جسمانیدن

ترکیب اولنوب اکمل موجودات و علت غائیه مصنوعات اولمشدر و عند اهل البصیرة والتحقیق

بینه و بین الله واسطه بوقدر و اول اکمل موجودات شول سر محمدی و حقیقت احمدیدر که لولاك

لولاك لما خلقت الافلاك ایله تعریف اولنوب و داود علیه السلام وحی الهی کلوب

خلقت محمدا لاجلی و خلقت آدم لاجل محمد و خلقت ما خلقت لاجل ولد آدم سبقت لاجلی

و من اشتغل بما خلقت لاجله حجبته عنی بیورلمشدر ایدی مراتب مرتبهٔ جبروت و ملکوت

و ملکه منحصره اولوب چونکه نور صبح ولایت افق ازلدن طلوع ایلیه اشعهٔ لمعات و شوارق

بارقاتیله سر ایجاد کون و سر قدر اصفیایه نمایان اولور و بو حالدن سبقت رحمتی علی غضبی

معناسی آشکار اولوب ان الله خلق جهنم من فضل رحمته سوطا یسوق عباده الی الجنة

حدیث شریفك نکتهٔ سری عیان اولور و معلوم اوله که بو محلدن بوندن

کشفنا همواره
سر قدر اولور
سر الله فلا تفتشوه
بوندن زیاده کشفه رجوع ایدرلر زیرا نفخنی ادوب القدر اعتبار ایدر
ویثمی الزم اولدیغی آشکاردر اکابر طریقت بحث که جمیع اسما وصفاتدن معرّا ومجرد اعتبار تجرد واطلاق ایله در
افت سر قدردان جود لاهوت یعنی ذات بحت اولوب نه اسما وصفاتدن تعرّی ونه اعتبار ایدنلرک اعتبارلرندر ذات الیه
بیورلمشدر اما عالم لاهوت کمالیه ایله باقی لایزال اولوب اسما وصفاتدن اعتبار ایدنلر اعتبارلر ذات صور آثار
زیرا ذات جمیع اسما وصفات کمالیه ایله حکم ممکن دکلدر زیرا اولدخی اعتبار ایدنلر اعتبارلر وبالجمله اول حضرتدن جمیع اعتبار وصور آثار
ذات بحت برغائبدن درکه اعتبار ایله جمیع اعتبارلردن مجرد وعاری اولنمشدر وبالجمله اول آثار واغیاردندر کما قال صلی الله علیه وسلم
هی من حیث هی الذات جمیع اعتبارلردن معقول وصور علمیه الیه جمله آثار واغیاردندر کل من ادرک بصره
مستهلک ولاشی محض اولوب احکام معقول وصور علمیه سبحات وجهه کل من ادرک بصره اوله لرحال انکه
ان لله سبعین الف حجاب من انوار وظلمة لوکشفها لاحرقت سبحات وجهه معقول اولمازفکیف محکوم علیه اوله لرحال انکه
پس ذات بحت ومطلق وجود باعتبار المذکور معقول اولمازفکیف محکوم علیه اوله لرحال انکه فنا وبقا
موجودور ومعقولدر ووجود مطلقدر فاذا کان کذلک حالتان مذکورتانه قیاس فنادن بقایه حقیقتدن مرتبه
وتعقل مطلق وجود نظر موجود مطلقدر پس چونکه عارف واقف ذات اولور ۹ برمرتبه‌ها همه کذر کرد
چونکه وحدت ادمدن ظهور ایدن اسما وصفات ایله شعور ذات اولور
انسان شد ونام خود بشر کرد	عرم لعلی الله



قلب لفظ قلب جمهور اصحاب قلوب عندندن ایکی معنایه استعمال اولنور معنای اول اعضای بدن
انساندن اولان لحم صنوبریدر معنای ثانی بر لطیفهٔ ربانیه در لحم صنوبری الشکل اولان قلب جسمانی یه
تعلقی وار در حقیقت انسان در حکما نفس ناطقه دیرلر روحدن مراد بر لطیفهٔ ربانیه درکه
روح لطیفهٔ قلبک باطنیدر وسر تعبیر ایدکلری کذلک بر لطیفهٔ ربانیه درکه قلبده امانتدر
سر روح بدنده امانت اولدیغی کبی وسر محل مشاهده روح ومحل محبت قلب محل معرفتدر
خفی خفی دیدکلری بر لطیفهٔ ربانیه درکه روحده بالقوه مودعه در بالفعل حاصل اولماز الا
واردات ربانیه غلبه ایلدکده نصکره بالفعل حاصل اولوب تجلی صفات ربوبیتی قبول ایچون
بین الحضرة والروح واسطه اولور واخفی روح کلی محمدیدر وجمله ارواحی محیطدر رشح
اخفی ورکبها مع لطائف عالم الخلق الذی خلق الله تعالی من مادة وهی النفس الناطقة والعناصر
الاربعة فمحل القلب المضغة تحت ثدی الیسار والروح مثلها فی الیمین والسر فی یسار الصدر
والخفی فی یمینه والاخفی فی وسطه والنفس فی الدماغ والعناصر تندرج فیها وکل من المحال
محل الذکر علی الترتیب شرح معلوم شریف اوله که مؤلف رساله حضرت شیخ محمد مراد
قدس سره بو محلده هر برینه جای معین بیان بیورد قلری سائر رسالتلرده یوقدر
عرم لعلی الله

روح کلی وروح انسانی
ومحل معاد اسمیله نعوسم اولوب
سفلیاتی وعلویات وسفلیاتی
فوقانیدر وسبا علویات وعلویاتنه عروج انک کاریدر
واسطه ومهبط فیض الصبدر
عرم لعلی الله افندی



حروف الهیه اسباب افعال ربانیه اولوب جمله سنک حقایق حقیقت انسانیه اولان تجلی
دست جلال وجمال ایله تخمیر اولنمشدر ، ومراتب اربعینیه صفات افعالیه درکه مرکز خاکدن
عقل اوله وارنجه محیط اولمشدر ومن حیث الوجه الکلی فیاض مطلق صفات اربعه ایله تجلی
بیورمشدرکه اولا اقدس لاهوتدن اولان تجلی ذاتی ثانیا حضرت جبروتدن اولان تجلی صفاتی
ثالثا عالم ملکوتدن اولان تجلی جمالی افعالی رابعا عالم ملکیه دن اولان تجلی آثاریدر وتجلیات
مزبورنک جمله سی ستر ناسوتیده ظاهر اولوب الانسان سری وانا سره حدیث قدسیسنده
بومعنایه اشارت بیورلمشدر فاذا کان کذلک سواد اعظم حقیقتده نفس ولایتدر
اول خود مجموعه جواهر اولوب ذوات ومعانی وصفات واخلاق واسما وآیات
وکیفیات وکمیات وهیئات ومحل تفصیل کلیات وجزئیات وعلویات وسفلیات
حضرت نفس ولایته مخصوصدر ، پس اطلبوا العلم ولو بالصین قول شریفنده اولان
صیندن مراد ولی الکاملک نفسیدر ، وبلد امین انک یمیننه اشارتدر وروح قدس
انک قرینیدر ، واول فرد اکمل مرآت ذات ومحبوب الصفات واکواندن اولان
اعیانک قلبی وصورت واحدیه سیدر ، وروحی صورت استوای رحمانیدر ای عارف آگاه
اگرچه روح اصلنده بردر لکن بحسب المراتب یدی اولور ونفس کامله نک حیاتدر وعقلی
عین حیاتدر وعقلی فی الاصل واحد بحسب المراتب عشره در وعقل روحک آیینه سی
ومترجمانی

وندن جمالی اولوب لس ذاتانخ
عقلدر ، وبیانه مجرد جمالی کمال وشئون الالان اخر در
عقلدر ، ابراهیم شهود اولوب تجلی ایله ذاتیه ترا اولان اول
ویعقلدر وجد اشباه ایله ، احاطه اولان فیوض الغیبیه منظر اولوب
عین عقلدر ، ونامی وبیان اسم ابراهیم اکبر اسمی وارد ره وحکمه عالک قضا باجلال ووارم
عقلک نجز انامی وبنجوار للذکر مثیر حفظ الاشیاء ، وکذلک الاحاطه دکون ایکی وانا ندر بر نصیب حکمی عقلدر
عقلک عقلدر ، وبنجوار ووحفز صورت نفسدر ، وبنده عقلدر ، بکتردر بس ارواح صورت استواء وعقار
قلبی عقلدر روح وعقلدر اولدیغی بکبر نفسی صورت وقیتدر وعلوی وسفلینک حقیقتلری
زیرا بیر صورت روح وعقلدر ووحفز صورت نفسدر ، وعلویات وسفلیات اولمشدر
صورت احاطه وقلب صورت جمعیت اولدیغی حقیقت نفس فوق معانی علویات نفسدر باطن اولور
اولوب معنادر قیت حقیقت نفس اولمغله حقیقت نفسدر ظاهر وباطن اولور
واسم ظاهر وباطن ایله بر نه کیم ظاهر وباطن اولور سه هیئته نفسدر اشکال علویه وسفلیه ایله
اول واخر وظاهر وباطن میاننده واقع اولان مرآت صورت نفس کلدر جمله
تشکل اولوب وباطن نفس کلک صورت وقیتیدر ، ولوحی معلوم اولدیکه نفس ایکیدر بری
ظاهر درکه اکا نفس واحده دیرلر وبری باطندرکه اکا نفس واحده دیرلر وبنهما برا
نفسانی وارد درکه اکا نفس آخر دیرلر اول حقیقت نفسدرکه حقیقت انسانیه در
پس حقیقت انسانیه اعلادن اسفله نزول ومراتبدن هر بر مرتبه ده صفات متعدده
کسب ایدیکی اکا نظیر که آفتاب جام اسمانی جام ابکینه یه پرتو ایله الواندن مجرد ایکن
سی دکا ابکینه اولان الوان ایله نمایان اولور کذلک حقیقت انسانیه

حق

نف
بو مرتبه‌ده صفت
وبر فاصله ایله ظهور ایدوب مثلا عناصر
وموالیدده جسم کثیف ایله بروز ایتمشدر و روح لطیفه
جسم کثیفه مقارن اولنجه واسطه قوای علویه ایله ومیان و آرامیت
اولمشدر و روح ایله قلب تولد ایدوب جسم ایله روح قلبک واسطه‌سیله الفت ایتمشدر ان ان
وار ایسه احسن تقویم اولان صورت انسانیه جمع اولوب الحجوبدر
آه ای سالک راه و طالب حب الاله بو جمله ظهورات معرفة الله ایچوندر
ونظاهرا و باطنا مکونات و مظهر کل اولمشدر قدرانی بیلوب و بیلیب اولدیغنه حکمت بودرکه
مجموعه کونین و مظهر الکک اولان بو مهر سلیمانینک قدرانی بیلوب فرق یاشنده اولدیغنه قناعت ایتمیوب بلکه
معرفت تامه اولدرکه اربعین اوچیوز التمش کوز اولور وکمال دل و دماغ قور تامغه و مراتب مزبوره‌یی طی
سرینی لحم ایله بیلسین که طفور اربعین اولور لیس مجرد اربعینیاتی بر آنه چقارب و مراتب
فرق سنه اوچیوز التمش اربعین اولان اربعینیاتی بر آنه چقارب ایدوب ازل ایله ابد
محقق ربانی و جذبه رحمانی ایله فرق سنه اولان استعداد ایله مبدأ اوله عروج ایدوب
ایدوب توفیق الهی ایله کندی حقیقتکه رجوع وکمال استعداد ایله انبیا و انزال کتب وارشاد اولیا ایلکیچوندرکه
جمع اولدیغی نقطه حال محو اوله بیلسین و بعثت حقیقت اصلیه‌که سن ایلیه بیلسین و سن سوی پایانه ارکورب
مراتب مزبوره‌یی طی ایدوب بشارت ایدیکنه شبهه قیلمیه و بو دولت و نعمت حبیب اکرم صلی الله
و انفتحوا نغمتوا بو سوره اشارت قالمشدر لایق دکلدرکه بو دولت عظمادن محروم قاله‌سین
علیه وسلم حضرتلرینه امتنه میراث قالمشدر
امدی ای فرزند ارجمند و برادر سعادتمند اسعدک الله بسعادة الدارین قیانت بر مرشد کاملدن
نور

۲۲

نور حضرتندن رحمانی فلکینه طلوع
ایتدکده نفسکده لازم اولان بر اوصاف اولادی بودرکه حق
سبحانه و تعالی سکا کرامت بیوردیغی قوت و قدرت
بو صفاتی الکک اولان مهر سلیمانی حب یزدانی ایله وجهیله استعمال
و استخدام ایتمک ایچون ایلیه بیلسین یعنی قوه حیوانیه که وجودک اولان حسن و حرکت انکلدر
اول حسن و حرکت طاعت قلبیه و بدنیه‌یه صرف ایلیه بیلسین و جلب ایکی قوه نامیه ایله خلقه فوائد اسبابا رتبا ایدوب
مانند خار و زینت و حفار نبات اولمیه بیلسین و هکذا بو رتبه‌ده نام اولدیغک نعم الکون تنزل محلی مخلنه
استعمال ایلیه بیلک تا که مانند یخ شن جمیع الوان غیریدن پاک و ملازم ظهور استوای فیض رحمانی اوله بیلسین که
جمیع اشیا به احاطه قلوب تعین موهومدن خلاص بوله بیلسین و تجرد کلی ایله جمیع صور بالقوه موجود
اولوب مظهر کل و اوصاف سبعه ذاتیه ایله موصوف خلیفة الله فی الارض اولوب کشور و ممالک اراده
حکومت و خلافت ایلیه بیلسین والله الهادی
و رحم لعلما

در تعریف توحید افعال و بعض اسرار

ای طالب توحید افعال و ای راغب حب ذاتی ایزد متعال ایدک الله بالتوفیق و هداک لسلوک الطریق
ضمیر منیره حق اولمیه‌که بو بر [illegible] موجود که چشم سر ایله معاینه و دیده ادراک ایله مشاهده قیلورسن
جمله‌سی حق سبحانه و تعالی‌نک مخلوقات و افعالی اولوب افعال خدا علی سبیل الاجمال یا روحانی محض
و یا جسمانی محض و یا خود بین عالم الارواح و الاجسام واسطه‌درکه روح محضه عالم ملکوت
وجسمانی

وصنایع مختصه عالم ملکت ونتیجه‌حج
اولانده واسطه‌یه عالم اجساد و مثال و انتاج
وینور دل ان تشریعات برزخ اخبار اولنورکه اصحاب مکاشفات
ارواح انبیا واولیا وملأ اعلایه اول عالم برزخ وخیالات مشخص مشاهدات قلوب
اوک کوردکلری صور اشباح حالت نقطه‌ده معاینه قیلورلر کما قال تعالی ان فی ذلک لآیات لاولی الالباب
وقال تعالی وکذلک نری ابراهیم ملکوت السموات والارض ولیکون من الموقنین اما ماداکه حیات جسمانیه‌دن مجرد اولدقجه
حیات روحانیه ابدیه‌دن اوله جرسابق کما قال عیسی بن مریم علیهما السلام لن یلج ملکوت السموات من لم یولد مرتین وملکوتیلر
ایکی قسم اولوب قسم اولک بعضیسی حمله عرش مجید
تعبیر اولنوب ایلرچ ایکی قسم اولوب قسم اولک صنفی ملکوت اعلادر
برزاج قسم اولوب برقسمنه کروبیون و برقسمنه روحانیون تعبیر اولنور جنان ونیران اولوب قسم اولک ملکه بر تسنیه
وبعضیسی سدره‌ده کرسی‌ده مسبح وبعضیسی عمار سموات سبع وبعضیسی خزان جنان ونیران وجبال وقفارده موکل اولشدر انجوان ستر اولور
وقسم ثانینک بعضیسی بسایط عناصر وبعضیسی مرکبات اولان معادن وجبال وبعضیسی افعال انسانه موکل اولشدر وما یعلم جنود ربک الا هو وجود روحانیه
وسماء دن نزول ایدن بارانک قطره‌یه وبعض افعال انسانه موکل اولشدر بو بلده ملکوت اسفل تعبیر اولنور بدنده مستور اولدیغی
انلرک تفاصیل اعداد وحدود غیر بنک تعلق وکلدر بوبر ستر عظیمدرکه اظهاری ممنوعدر جسمی جسم حسن نظر
جسمانی ووجود منصور اولمز وبوبر ستر عظیمدرکه اسفلدر اولوب بعضی مؤمن وبعضی کافردر وابلیس انلرک رئیسی
جسمانی وجود منصور قسم ثالث ملکوت اسفلدر اولوب بعضی مؤمن وبعضی کافر قلوب بنی آدمه الی یوم القیمه مسلط قلوب اولوب شعب
حیثیت ایله جن وشیاطیندر قسم ثالث ملکوت نوعدر انه الی یوم القیمه عرش وکرسی ثوابت
اولوب حق جل جلاله وعلا الی عباد مخلصین زمره سندن اولمیانه نوعدر اولان عرش وکرسی ثوابت
ستر قدر دندر وعالم ملک دیدکلری جسمانی محض در ایکی قسمدر بر قسم سما وباندن اولان عنصریات ومرکبات ومعادن ونبات
وسیارات سبع وسمواتدر وبر قسم ارضیاتدر اولان بسایط عنصریات ومرکبات واحوال عالم ملکوته خواصدن غیریسی
وحیوان واثار علویه اولان سحاب وباران وبعضی کواندر
مطلع

مطلع وکیلدر ذوات عظیمیت
ترسیل اجمال انبیا بیوریلوب ایات
زنوله دل ان بطرق الاستدلال ذوات قدیمه ارشاد اولنمشدر
کما قال الله تعالی ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار
والفلک التی تجری فی البحر بما ینفع الناس وما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض
بعد موتها وبث فیها من کل دابة وتصریف الریاح والسحاب المسخر بین السماء والارض لآیات لقوم
یعقلون ۞ عروس حضرت قرآن نقاب آنگه براندازد که دار الملک ایمان را مجرد بیند از غوغا
عجب نبود که از قرآن نصیبت نیست جز نقشی که از خورشید جز گرمی نبیند چشم نابینا
والحاصل افعال الهیه صورت وحقیقت انسانیه‌دردر که ذکر اولنان عوالم کلیه‌دن ترکیب اولنوب کونیدن بسوطه اولا جمیع حقایق
نسخه انسانیه مجموعه اولوب بیدا اولنوب خلیفه سبحانیدر وخلاصه تکوینات وزبده موجودات انفعله
جمیع مخلوقات تکمیل مرتبه انسانیه الجوا ایجاد اولنمشدر نتکیم عارفان الهی بیورمشلردر ۞ ترا از دو گیتی برآورده‌اند
بچندین میانجی بپرورده‌اند نخستین فطرت پسین شمار تویی خویشتن را ببازی مدار چونکه وجود انسان فی تمام
انجام بولوب حقیقت اصلیه‌سنه رجوع الیه سبع سموات طی اولنور وبو مقامه قدمنهاده اولان زمان نبیت
ان الله خلق جهنم من فضل رحمته سوطا یسوق به عباده الی الجنة قیلور وقائلک خفیف خفا ایکن حضرت رسول الاکرم صلی الله علیه
فی قعرها الحجر بیتی کشف صریح الیه بیوردیغی انه اجوندر الهم ابدیدر ۞ غضب الکریم والذناج تازه
وسلم الحجر کله قد بدیک والشر لیس الیک ویوم دنیا اولان ارواح اجساد کما قال تعالی یوم نطوی السماء کطی السجل
کدخان قدر لیس فیه سواد ویوم دنیا اولان ارواح احاد ایکن الی سبع مستعد
حایل طی سبع سمواتدر واحاد اولان ارواحک باب کما بدأنا اول خلق نعیده وعدا علینا انا کنا فاعلین امورک
للکتب کما بدأنا اول خلق نعیده وعدا علینا افشا ستر قدر ومعرفت قابلیت
بومعنانک کمال ستره افشا ستر قدر صاحب الارشاد الیه
متعهد وینجود
اندر

اندن نجات بولوب
مشتره تكلم البيان لكل البيان بيورمشلردر ارشندر
وان الله بصيرته بوبعضا كتاب زنابدن اقتباس ایدبكر بولوا واندبرد
اكرچه ارباب بصيرته جابجا اولنمغا كتابدن الكرم الله وجهه ماستر الى رسول الله صلى الله عليه وسلم اولدبه
ولكن بنت هابه ربك جابجا كا قال على كرم الله وجهه ماسترالى اسرار الهيه به غايت وستر قدره نهايت اولمزلو
ورنده عالمه برنسيم صبا سنت كا قال على كرم الله وجهه اكا كتابه يبس اسرار الهيه به غايت نوعالى ووادر عالمز كحات
شتباكتمه على الناس الا ان بولی الله عبدا وزفا علی فعلی حوث ان هیچ نه نسخه نحبه يبندن صدور ابدادر افعال سابقه
تذكيرو صدره كلامه تو البته فعلی ووجود ان هیچ نه تکوینی اولاکه بدبدار اولوب نفس نفسی برقدرت
چواز درنکی داران ميان هیچ نه مصدر قيمه ان نك مجبوعه ايله بدبدار اولوب الارض ولا في انفسكم من قبل
وسكنات وخطوات وجمله خطرات اكرظاهر واكر باطن ارادة الهيه ايله بصيبة في الارض ولا في انفسكم
ويرقدرت لاحقه اشكار اولور بس انا كل شيء خلقناه بقدر وما اصاب من مصيبة والله خلقكم وما تعملون وهل من خالق غير الله
ان نبراها ان ذلك على الله يسير قدرت سابقه به اشارت وايت كريمه جل شانه وتعالى وقال في كتابه الاعلى
قدرت لاحقه دن عبارتدركه سائغة في بحثه ايجاد ايدر كمال وصف جل شانه على سبيل المجاز حواله ايدرلر
كل يوم هو في شان ان اما ان رهكذر افعال ربانيه اولدقلرى حسبيله فعلى ان انه على سبيل المجاز حادث اولور
بر موجب وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى اكرچه صورت ظاهرده اول فعل اوميداء حادث ايندكي جهتندن
اما حقيقتده فاعل اولدقلر بلكه قدرت حقدر مثلا اكرچه كاغد نقشى اولنان سطور قلمدن صدور ايندكى
قلمه نسبت اولنمق شرطدر وصادقدر اما نسبت قلمدن مجاز اولوب حقيقتده قلمدن صادر اوماد ربك
واقعه مطابقدر ولكن ايكى جهتله مختلف اولمغله درياى جبر وقدر تموج ايتمشدر وهنا تسلب العبارات
قال اهل التحقيق
كار اكرچه بمن نيست ولى بمين نيست فاعل جانست وفعل او بى تن نيست
ولا ينجو

الا الكمل الذى كونوا
وبنجون
ولا بجويون من صدمات البحر سبينه زنفا بلكونوز
اكرچه بيمه عارف سبارك لوح ابلر اولادر سكردكه كتاب سبحانى
في العلم اكرچه بيمار اولور ولكن بحره لامع اولور اكر تمام عيار وموافق ونيزانه
انوار كثيره طمع واجاع ابت ميزانن وزن ايدوب اكرتمام وزن وكلى ابله عدم التفات وتوقف ايليه كما نقل الا
سنت نبوى وقولوب بتصديق ايليه اكر تمام وزن ايليوب بولوما فلا اذن لها ان تدخل في قلب
مطابق ايسه حاكمه ونوار لبی مع الحقيقة في قلبی اربعين يوما فلا اذن
عن ان سلطان الدارانى قدس سره زيرا اغاليط راه بسيار ومكاشف صوريه ومعنويه الى به ايات افاق
ان هديت من الكتاب والسنة اللاتي لاطم امواج بحارها الا ما اراده سنة عباده المخلصين وقل ما هم بيورلمشدر ولهذا
بنجار اولمغله ولا ينجو ولا نجوهى ارتداد ينه احتياج كلى اولوب منه لا استاذ له فان الشيطان استاده بيورلمشدر
برشيخ كامل وعارف مخلص بملك طيب الله ثراه بوبعضا به اشارت بيوردلر واتركه دليل راه ومحواب نسبت
وسلطان العارفين ابويزيد بسطامى الكابناركه خوف جل وعلا محض فضل واحسانندن واحب ايندن
اوبر خطر سست خلق ازو اكه نسبت برنور هدايت وبرستر عنايت نعيبه بيوربشدركه
نفس پير كاملدن وانلك سايه صحبتنده بربركاركن پير واشك نه بير جرج نكن
بى ان تعبير ايلك شرحندن قاصردر جرنفوما نابير كاركن واتقوا الله وابتغوا اليه الوسيلة وجاهدوا
عارفان بالله ومحقفان آگاه خود يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وابتغوا اليه الوسيلة وجاهدوا
في سبيله لعلكم تفلحون قول كريمى طلب شيخ ايله امر ايدر ودنشلر نكار اول الشيخ في قومه كالنبي في امته
امد الطريق السليم وراه احكم بودركه قدرت ايالى واجب ببلوب وذلات وتقصيراتى
كندين ثابت بلوب انبيكى كمال ادبدن عدابدوب حق زمانه ظهور سلطان حقيقت واوان وصول
كمال عبودينده دك برمرشد كاملك ملازمت عتبه هدايتنى سرمايه سعادت
بيله

بیله بسه هو لتنبات
وایکن نفحات انوار محبت اولوب
پرورده قهر جلال وجلالنه بیجز اباده هدف اولمغله بعصیة الله بالله
صدمات وهم وخیالدن کلیتله خلاص بوله ولا حول لنا وقدرة والاستعانة بالله
انما الضبط وتنویحات ولا قوة علی طاعة الله الا بتوفیق الله والکل بقضائه وقدره
الا بعصمة الله ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن وهو الحکیم العدل اللطیف الخبیر نعم المولی ونعم النصیر
والمکان علیه

منه لعلی ارادی افندی قدس سره

اکر نور واکر ظلمت سعادت یا شقاوتدر
اولور ظاهر بالمشدرینه وار ایسه ازلدن بخت وقسمتدر
مقدرینه ایسه خفیدر مظاهر اکر منحت
ابیات من مسلک العاشق اکر دولت اکر زحمت اکر محنت

یعنی علم الهی ازلیدن جمله موجودات بحسب الاستعدادات والقابلیات بر صورتیله معلومات
الهیه اولان الاعیان الثابتة ما شمت رائحة الوجود قولیله خبر ورلمشدر
لکن خارجه نسبتله معدوم ماندر بونی ما سوی الله الیبوب طریق مستقیم
بو خصوصه اشتغال بیجا یلدر هماندر و دوبدن اولمه کدر لکن ابتدا
محبة اللهیه سالک اولمقدر بغیر مسلک بو قدر لکن جبره ذاهب اولمه کدر

بیت قدر در خیر وشر اما که عقل واختیارک وار
مکلف اولدک انکله که خیره بذل طاقتدر

قال تبارک وتعالی انا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها واشفقن منها
وحملها الانسان انه کان ظلوما جهولا انسان حامل امانت اولدیغندن بو بابده قدرتدر
عقل واختیار اعطا اولنوب شریعت الهیه ایله مکلف اولنمغی سبوب ربیسی بولنلر اعمال
صالحه ایله بلمشلر و بولمشلردر وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون سرینه ایرمشلردر هوای نفس
ایله جاه طبیعته دوشوب کندیه ودیعه اولان قدرتی خلاف رضاء حقه صرف و بذل ایدنلر انه

انه کان ظلوما جهولا خطابنه مخاطب
اولنوب اولئک کالانعام بل هم اضل
اولمشلردر حق لایق ایکن من حیث انهم ارباب
اولمشلردر حقدن لاینفک اولمشلردر اکرچه اخبار وآثار ایله تحقیقی کشف ایله اثبات
وطلبنه اولنلر محروم قالمشلردر علما ومشایخ نقلا ومشاهده استعداد انبیا معلوم اولدر
قبول وقال چوقدر انجق علما واکابر ذات مشکل حل اولنور چونکه فقیر لعلی ارادی بو مشکل اولدن حلیدن عاجز اولدم
ایمدی بعضا اخبار وکتب طالب صادقه استعداد ازلیه مشکل سؤال ایدن بوللرده مترددلر
فیاضه بحر بوقدر بر لوزدن طالبلرک مشکلی بر بیک جبابندن بوللر بوکدیکه اول مشکلی
مذهب صوفیه بیکون اثبات ایدن مرحوم ومغفورله شریفلریله سعیده وار بولنور ایدنم
ایدوب نوم بین النوم والیقظه بر دم وچونک صوت شریفلریله اولدقده اخبار وآثار بوندن مشکل وکلدی
ذلک علیه الحقی اکثر اخبار وطاقتی اولمقدار اوردر اخبار
ورد لعلی ارادی

بر نوم علیه ایدوب بین اخبار ایله انکت روح محمد صلی الله علیه وسلم وهو المحمد
ظهور حق نه مقدار ایسه روح الله وروح القدس
چونکه مشهدی حل ابدیدر روح الله روح الواحد فهو روح محمد صلی الله علیه وسلم الی یوم القیمة ودوحق
فتوحات مکیه اوزره درج باب وانا القطب الواحد الذی ابتدأ الانبیا ورسل واقطاب ونواب
جمیع الانبیا والرسل سلام الله علیهم اجمعین ولا اقطاب من حیث النشأة الا ان بعض علما کبار جمله ابنیا ورسل واقطاب حدیث شریف
وما ارسلناک الا کافة للناس آیت کریمه سی تفسیرنده بعض علما کبار اولدر اول ما خلق الله روحی حدیث شریف
خلفا سید المرسلین وخاتم النبیین ایدوکلرین بیان واثبات ایتمشلردر اکرم صلی الله علیه وسلم ایدوکی جمله
موجبنجه مظهر جامع ذات وصفات وافعال اولان روح کلی عالم حبیب احمد ایدوکی بیان وتحقیقنده
اصفیا واولیا محمدیدن مشهور ومسلم کتب مشایخ روح محمدی وحقیقت محمدیه روح محمدیدر
قاصر وکلدر احدیت ایله ظاهر اولان شیخ ومرشد کامل اقطاب زمان اولرک وشیدر
واحد العدد واحد باشخص صاحب زمان علامیه بک معلولدر

شدراه هدا

حمید الدین اقسرائی قدس سره کتب الاسلام ومرشد

حمید الدین: شام خانه استشمام وسیاحت اخبار وبر نیز ایدرلر

بلکه بر ابکی الوجلاری بمعنده اسیره اولمغله نواحی واصل اولدقدن

علاء الدین: قصه جوبت خواجه علاء الدین علاء اردبیلی حضورینه واصل اولدقدن

وسمع بنعمیت بار ابا نظر زرکلی وجود حالی بار اصحابی بخش وکولرکن جیو ارادت باسته

وجود ونور دینک سیلاب نشسته ودست طلبی اولوب بجز ... بنجه

بر صاحب زبان کیمیا ایدیکی بیلدی وکوکلی کوزلی اجلدی

اولدقدن فوادجانی نشتر نفحتی وجد وحال اولوب

اوله بر صاحب زبان کیمیا ایدیکی بیلدی و علاء الدین خضر یلرینک

وبیلنکو بیاز بیر دار اولدرق شوربن حال ودیدن نور دین

پوستینه وسر وورزالو نشسته اوان وبر اولادی بر صاحب

ودل تا بنیاک هدایت پوسنده وسرور وبرانه زالو ... وجبارلق ضعفیله مشغول

بوال ولی نور کلی جیب واتی مطالعه فتیله جانی مریدانه وروزان تشریف وجبارلق ضعفیله

بعده حمید الدین اقسرائی حضرتلری بروسه یه تشریف ... بروسه ده هجرت ایتدیلر

[illegible] ... بعده اقسرایه کلوب جان انتقال ایتدیلر

بعده حمید الدین اقسرائی حضرتلری مکه مکرمه یه کیدوب بعده اقسرایه انتقال ایلدی

حمید الدین: بر ارشاد اولدی بروسه ده مشهور اولمغله ... ایدرک مکه مکرمه یه کیدوب بعده اقسرایه انتقال ایلدی

حق وباطل سجاده

خلق وباطل قطب زمانی اولدیلر ابروسه ده ... حضرت شیخ نفعلری ایدرک الحاج بیرام ولی حضرتلرینه

انتقال ایدنلر جمله قطب زمانی انقروی ابن ارحضرت ... جمله نور حقیقت مجدیه الحاج بیرام ان ان

حاجی بیرام: بروسه مدرسلرندن الحاج بیرام ولی انقروی ... حمید الدین حضرتلرندن وقطب اکوان روح حقیقت

ولایت رابعه کسب خدمت علیه الرئ اولدن حمید الدین حضرتلری وذر زمانی وقطب اکوان اسمبر سکینی دیکله نام اور

ولایت رابعه کمرسته خدمت مشهور ومتحقق که حضرت ونوره که السید محمود زاده که ... اقسرائی حضرتلری

بیرامیه فواسی وملامیه بیرسانی مشهور اولدقدن بروسه لی السید ... بعده پیر علی سلطان اقسرائی

الحاج بیرام ولی سلطان بزم جمیع محبوبی خوابان اولدقدن ... ایاشر خضر یلری بعده پیر علی سلطان ... احفاد یوام ادم

امیر سکینی: ذات قطب زمان وارث حقیقت ان اولدی بعده بنیان ... بزرک دولت وسلطنت ... [illegible]

جعیاهم ابا نبی: ذات قطب زمانه وارث حقیقت ان اولدی زمانده اولیدیلر بکا کلیدبزرک ... تخس الحون ادم ایدم

پیر علی: پیر علی سلطان حضرتلری اکرابراهیم ادهم بو فقیر زمانده اولیدیلر سلیمانه تحمد ایتدیلر ... انیجکلبر نیک بورنیه

بنوریلر ... ویرش رالیه حضرتلرینی ... دعوای ایدرلر بو سلطان سلیمانه ... کفتار صدور ... برنیک بورنیه

یوم کوندربلوب ومجلس شرعه احضار اولندیلر ومجلس بعضدن ... یا لمهوار کفتار صدور انیجکلیر بنیک بورنیه

بر بلیغلر ... شیخ بولدرت ابدی

بر تلمیذ اولوب ... اولیا ... بنده نظرلرینه ... سلطان بار ابد

سرمنتر در لوجلالری ... حق ... کبیر بولدرت ... اولوب ناصح ایدی

نسیم روح ... اوله جانبه کیدرک کبیر بولدرت ... ایتدیلرین ... محبت بار ایدی

اوقات حال اولدقدن ... اقدام ایده ... فاتر ... بجرلر اینحکلیه محبت باد ... اسمعیل

وافقا علیم بر سفرینه صحبت حق ... انیدرک ... نقود ... ظهور ایتکله ... وعلیک اسمی کی اسمعیلدر

ایرولرلی اسوبر سفرینه ... بکاوبیت اسنابولنه کیتوب ... وبر کین ... اوله ظهور اولوب ... اصل اولدقدن

نرایدر اولدی ... الی ینبر کوندرده ... بیوبر ... سلطان ... سلیمان اسنابولنه واصل اولدقدن

اسمعیل معشوقی: حق بولنیه ... معشوق ... خضر عزیزلی ... اسنابولیله ارسال الدیلر بعده پیر علی سلطان دار فنادن

حق بولنیه ... ارشد پیر ... اولوب اسمعیل ... جذبات الهیه اولوب ... ظهور ایدوب معارف حقانی

پیر علی سلطان ... وقطبیت جلبی شیخ اقامت ابدیجک ... هنوز اوا لطفوز یاشنده ... بلنی بروارث ایدی

ایدیکن ... بعض ... تطیات ... سویلر ... ایدیلر

ایدیکن ... منضمن ... عظیم ... جیفیت ... اوله ... میدانند ... مسجد اوکنده

واسرار ... تحمل بعض ... وعظه ... موافق ... و علی ... الاسلامیه ... العاشقین

ابا صوفیه ... واقعه ... مطابق ... رضوان الله علیه ... برهان ... قطاب الاسلامیه

انتوامع اسناد الیه ... شریعت صورتندن اظهار ... سلطان ... الوب ... اولیا الله

جام شهادتی ... ١٢٥ سنه خمس وثلاثین وتسعمائه ... بعده ... اسمی شرینه الوب ... اولدن اقامت

وکان ذلک فی سنه ٩٣٥ ... صدف ... خضرلری قطب اولوب ... دار السلطنه ... اجلت ایلدیلر

اولدیلر ... بعده احمد سارباندا خضرلری ... بعلی سلطان

بو بنده ... ارشد ... طریقت ... الی ... سلطان ... ونوش ایدرک پیر علی سلطان

واو ... سلیمان ... فرزند ... بعده ... اولمغین بعده

سلطان ... نوازنده ... اسعد ... وکاسب ... اولدیلر

بنده ... اولوب ... اولدیلر

اولیا بنجره ... اسنی اسمعیل ... ایلدی

٩٤٥ ... اسمعیل ... اولدی

حسام الدين

حسام الدين

بعده مقام قطبیته ارتقا بیوردیلر انقره یه قریب مولد

انقره ده وارسن اولان قوتلو قایه قریه ده اقامت جمعه وعید ایچون جامع

وقت لری اولان قوتلو قایه قریب اولدقده استانبوله مکتوب یازوب ابتدا اصلاة جمعه ایله

بنا بیوردیلر جامع شریف تمامه قریب اولدقده بعض وبدر بزی دعوت بیورب بو یوم معهوده بعد مجه کلار فقرا احباب ایله

حاضر اولدن اثناسنده استانبولدن سلطانم بالی اغا بنده کزده اوکلی سعی وریاضت بولوب بر بوردیلر

جامع شریف جمعیت اثناسنده اجلیدیلر زمانه حضور شیخ حسام الدین افندی معانقه بیوردیلر معلوم بیدر

کلمک اوزره در دیو جواب ایتدیلر ابتدا وبدرلر کمال ادبلک ایله حضرتلرینه بالی اغا افندیک

شور بابایر برم دیو یکا تقاعد ایدر کوزیمزی کورمز برلره شور بابایر برم دیمشسن نفس الحوزن ایله نعیت

استقبال بیوردیلر بالی اغا بوزنی انتمشسن بر کوز جاوق شور بابای جاوق بعد الیوم سنک اسمک حمزه

کبیر دیلر شیخ بالی تبرک ایچون طاشی تکنه یه قودیلر شور بابای الا ابالی سنجاق الشدن حشر

صباح نمازینه کیدرکن قبولیا یانینده ندلک ونقود یدیلر حال الحوزن رضی الله عنه سنجاق

ایدرم دیدی شیخ دخی نیم طیم اولدی سبب اولور سلطان الشهدا حضرت حمزه یه دکدی وزرا خدمت

اولسون بو شرب سنک تبها ذکه صکره قطبیتده نوبت حمزه یه اسرار دوکیتم جفا اورر ایدیلر

اولدقده جیقین بیوردیلر بعده حسام الدین افندی رحلتندن مجبت ونابسدن اسرار دوکیتم بویله مجبت

حمزه افندی

اولدقده خفیف بیوردیلر بعده حسام الدین افندی ریاضت ایله سرست بار مجبت و نابسدن صحبت تشریف ایلدیلر مجبت

رنج عوارض اولوب وکثرت ریاضت ایله مجبتلر وجذبه سی غالب اولمغله استعدادی صحبت استانه یه

اصل وطفلی اولان بو سنه یه نقل بیوردیلر مرید صادق پیدا ایلدی حاد اولسنه استانه یه ظهور

اتمک ممکن اولمیوب ازمانده برقاچ بیک مرید صادق پیدا ایلدی خلق اراکنده جذبات وارا خیف

حال ظاهر بینر مع المبالغه عرض ایتدیلر استانه یه احضار ایتدیلر خلق اراکنده جذبات بعضیلر

ایدوب ناچار دیوا وغلو جیشمه بی اولکدن حام شهادت نوش ایتدردیلر ومرید که اخواندن بعضیلر

جلاددن الوب سلوری قپو بر کار جنه دفن ایلدیلر بابی الاحباب معروفدر قدرین بیلنلر بلدی بلمینلر

تا بزار

۲۷

امام ادریس

ابراهیم کرمانی اسعد افندی

حالا زیارت اولنور بلکه وزیرلری

حالا بعض سنوحاته جنودی ابدال ایلدی عرفی قطب العارفین علیه رحمه

دیکد جبو بلا حاجت به جنود اولوب وجنود افندی نسینه ابن عرفی قطب رحمان

اولوب کمال الحکم ... طرف رحلت تاریخ رحلت قطب عرفی ۹۶۹

اولوب قاتی وذلك تقدیر العزیز العلیم

بین الناس شهیر ۱۴۶ مرکز دائره ارشاد ده صورت قبال دین

بعده خواجه ادریس علی الرومی حضرتلری اولوب صحبت شریفلرینه محبت ایله مرکز دائره ارشاد اولیاء

مستور ذو الحجه ۴ ماه ... ظهور انوار

اولدقده اهل عشقک جلوه فیوضاتی بر کمال صدق نشر نظارت

زمان سعادتمندینده اهل اشتیاق اوزره نور محبت ظهور لذات محبت محققدر

مرید صادق وقلبی سهولت اوزره زیارت ایلین طالب حق قلبینک ظهور ناملر جامع علی

حالا حسن اعتقاد ایله قبر شریف نفعه زیارت اولنور رحمت اولسون عبد الله افندینک

رحلت ایتدی اول بحر محترم روضه جنات ابدی سال رقم

۱۰۲۴

ربیع الاول ایلک آخر بیک یکرمی درت ارض جعفر ارشاد وکمال ارشاد

وراهیق ایلکی نور محبت الهیه حصه دار اولوب تربیت بیوردیلر شیخک

بشماقجی پیر ویندر بعده ابا صوفیه جامعنده نظر حقانی ایله عبد الله افندی خلیفه سی ارشاد ایتمشدر

معروف الهه حاجی علی افندیدن تکمیل ایلشدر وعبد الله افندی خدمت وجاوش باشی ارشاد شیخک

سیواسی افندیدن شکایت عرض الله خدمت وجاوشی علم ومعرفت بیوردقلری

انجلاب دعاسنه سبب اولوب الله علم ومعرفت نعمت ایتمشدر

قوه انبساط حاصل اولدقده

قبانی

بعده حضرت حاجی قبانی اختیار ایدیلر

سجاده ارشاده نجیب زاده افندی ارشادی اولدیلر غربت قلب بافتح تعیین بیوروب سرپرست باده محبت اعدادن

برابر نقشبندیه نجیب زاده افندی یه کتوروب تنجیبه قلبنه باقوب سایه لرندن فوائد السنه

معتمد علیه محب صادقلرندن نجیب زاده دخی بو حاله واقف دکلر ایدی ابدال اخر العمر صندل

ومنظر نور احدیت ایدر اوزرن [illegible] اسرار الاهی کیوان وحاجی بیرام ایکلده مشهور ایام ابدالی

۱۰۲۱ سنه سنده رحلت ایلدیلر تابعنی جامع فاتح شریفده مدفوندر نور شراب عشق یزدان

ایمان ابدی کروه الاصل اولمق اوزرن تفتیش ایتدیلر بیک وحید حقیقت انسان ذاتی یه هدایت والانس

نزار ستاننده قباقو وسلوک ایله بشیر ونذیر شریعت روح الاکوان والامکان شهید جهاد اکبر وصال محبوب ذاتی یه استعداد نبی ارشادی

بشیر لبنی

بعده بشیر ونذیر شریعت قطب اولوب سالکانه همت وقلبلرینه باقوب فالمشدر استعداد

حضرت شهید سلطان قطب اولوب زمان شریفلرنده مستعد وصادق محروم قالمشلر روشلر وزیبنلر معلوم اوله

بالذات کندیلری مباشرت ایدوب زمان شریفلرنده مکتوبک خلاصه سی ذکر اولنورکه روشلر شریعت ایله وطنکزر ارسته

فیضیاب اولورلر ایدی مریداندن بربینه یازدقلری مکتوبک فعلدن قولدن ظاهر یکر سویلین سوزلر

خلاصه مکتوب تنها کندی وجودیکزدن استغفار ایدوب متعلق سوزلر نهایه سویلیه بیلن سوزلرن

نور محبة الله ایله پیراسته بالابعیش سوز وشریعته مغایر سوز وحواره متعلق سوز ایله نجات بولنمز بوللرکی جاندن

دکلدر کلام معنی یوری بولنمق وبلمک ایچوندر جانانه نجات معنی ایله اولور ۹ امدادیه بر هیچ ایدک

ایرلیوب معنایه وصول ایچون جناب رب العالمین حضورندن توجه تام ایدک

وتنزلی وتنزلی قلبله ایدک اعضا ایله ایتمیک تنزل کوکلدن اولور برلک ایچوندر والسلام خواجه علی قدس سره

زمانلرندن طریق علیه یه داخل اولمشلردر سقط راسی ارنودلقدن قونیجه قضاسیدر استانبوله کلدکده

سرای همایوندن بستانجی اوجاغنی اختیار ایدوب خدمت واندن متقاعد اولوب حاجی قبانی خوارندن

برمنزل تملک وصحبت شریفلرندن اولورلر ایدی وسلوک ایدوب برچفتلک الوب بازارلرده چفتلکه کیدرلر ایدی

نیشور خانه ایی نشر یغده ایکی اتیک کتوروب بقیه لیلی ناکولدن بقیه نیز خدمتکارلری محله سنه

بیع

بیع ایدردی

سبب نور بیرامی زمانلرنده تعبیره نفخه [illegible]

احباب ومریدانی چوق ایدی اوجاقندن تکیه نشین اولان

احباب ومریدانی چوق اولوب وجا ووارنی فضل الله [illegible] ذات شریفلرینه

ودرویشانی همشیره ایله تکیه نشین اولوب وطریق نقشبندیه [illegible] وفات ایلدیلر

اریغوری اسکندریه [illegible] عصر صنعورزاده تحصیلی اکوبیلر

تعلقات وکدورت باعث عوام [illegible] احمد پاشا [illegible] اوزرینه

خالی وکلدار ایدی حاصل کلام اسباب [illegible] محمد رابع حضرتلری ادرنه یه کیدنجه شهادت [illegible]

فتل البشیر ۱۰۷۳ تاریخ

بیک نتیجه اوچ سنه سنده مرحوم ومغفور [illegible] القا اولنوب بولنماغله قبر [illegible]

دار السعاده مصطفی مصلی اغا

نجابت بخشندن لطف ایله [illegible] صدف شریفلرن بحره القا اولندقدن

زمانلرنده دیانت وعدالت کوستردیلر [illegible] قتل معه ودار السعاده نقل اولندقدن

بحر رحمت اولمشدر قدس سره [illegible] انکار اولدیلر ویدیرکه بعض علما وصلحا

عقلا درونندن بوکارنا هموارک سرینه الحق ایدیکی [illegible] تهمت ایله اوتوزوق ادمک

صنعورزاده افندی یه اعتراض ایدوب شرعا ثابت اولمفسدین [illegible] استانبولدن اولادی حقده

قتلنه فتوا ویردیکز دیدیلر اولدخی بزه اثبات الحال ارشاد چوق [illegible] صنعورزاده فتواسنه

ویدیلر اما انیما شکل حیلوجواب ویردیکده وزیر طرف حق بو وزیر عظیمی [illegible]

بروسه لی سید هاشم

۱۰۷۳ شیخ الاسلام [illegible] افندی نجیب زاده منقار غزل وبربنه

نجو ایدوب صدر فتوادن غزل وبربنه صاحب المکارم حضرت محمد هاشم

وقوع اولدی بعد نور شمسی سیادت بدر منیر ولایت صاحب المکارم حضرت محمد هاشم

وفع اولدی بعد نور شمسی سیادت بیور بیوب اوتشی سنه بادار طریق حقانی اولدیلر لکن

قدس سره الشریف مقام قطبیتله تشریف بیوربیوب [illegible] قطبیتلرنده یقین تحصیلدن وافر احباب

طالبان دخول طریقت جمله متردد ومریب اولملریله قطبیتلرنده یقین تحصیلدن [illegible]

محروم قالمشدر انلر دخی السید علی افندیدن غیر فرد واحدک قلبنه باقمغه اذن ویرمدیلر انک

کدائی مدرس وشیخ اوغلیدر
فوت در گلبوزه
۱۰۹۴

رفقلرینه باتفاق کدائی علی افندی
زوقلبنه ایله یادون اولوب پیر واخبار کوثر اکسیر اثرلویله
همت وابرام ایله اخبار ایدوب قلبنه نظر وجام کوثر ابریز هیچ
وارث شیخ عاشق والحاصل سید علی افندیدن خارجنده امیر بخاری اولدی
وحدت اندیلر نقادندن مرویدر رحلت ایدیلر ادرنه قبوسی خارجنده قطب
~~[illegible]~~ ۱۰۸۸ صحبت حقیقت وقلبه یاتق

بطوننده اوزرن
تربیتلری اولوردی

سرمست بیخانه وحدت ... رمضاننده سید علی افندی ... انتمیز اولدیلر ادرنه قبوسی خارجنده
فردن قبول انتمدیلر ... بعد حضرت سید علی افندی طریقتیه متعلق تکلم ... قیرلر
جامع شریف مقابلنده کنارده مدفوندر ... طریقتیه ... انتقال ایلدی ... مظهر الطاف
احوال واطوار غایت خفا اوزره اولوب بورنکیز ورثت محرف اولمغین قدس سره
مظاهر ابنیه قبول اتمک مسموع اولمدی بیک اقطاب دولت علیه علی النجیب طالبین
امیر بخاری جامع شریفنده در شهید سعید عالم معنی خاتم حقیقتلری اولدی قلوب نابه
حضرت سید علی افندی اولوب صحبت تربیتلرینه موفق اولمغله وارث الهام الهی ایله عارف

شهید علی پاشا

معرفة حقائقه ظهور ایدوب بعض ارباب استعداد رویای صادقه ایله وبعضیلری بطونه اوزرن
اولدیلر نور محبت نوعا نمایان اولدیلر لکن انلرده فرد واحدی محرم اسرار طریقت انتمیوب
تربیت وکندیلرین ستر وتجاهل ایله اتمام خدمت خلافت ایدوب بیک یوزیکرمی سکز سنه سی شعبان ۱۱۲۸
اوا خرنده سرمست جام شهادت اولدیلر انلرده نصکره نور حقیقت قنغی مطلعدن طالع اولدیغی
مبهمدر لعلی زاده افندی انکار ایدر یا اقرار اولنوری خصوصا قلعه النوری لعلی زاده افندینک علوشانی
تالیفلرندن وسلک قرارلری تاریخندن معلوم اولور محبت وجدانیدر دلیل ظاهری یه بهم وجمله تطبیق اولنمز

بطوننده اوزرن
تربیت بیوردر

لعلی زاده ... ...
[illegible]

ای طالب آگاه درونکده اجتماع ایلین
صفات بهیمیه وسبعیه وشیطانیه دن وسمات
ملکیه دن قنغی صفت ایله متصف ایسک
حقیقتک اول صفاته راجع اوله جغین مشاهده
ایدوب ما عدایی عاریت بیله سن مادام که
بو وجهله ارباب تمیزدن اولمیه سن طلب حقیقته
قادر اولمازسن

[illegible]

روح اضافی وانسانی که قلب انسانی ایله تعبیر اولنور حیوانات ده یوقدر انسان نوعنه مخصوصدر
محل معرفت اولان اول روحدر که نه جسمدر نه عرضدر بلکه جواهر ملکی وزواهر ملکیدر نا مستغنی
تقریر وبیاندن داخل حیطه دائره امکان دکلدر اما مرشد کامل تربیه سیله بوتنه مجاهده ده قلیل
اولدقدنصکره عین الیقین ایله حق الیقین ثابت اولنور امدی بو روح انسانی معدوم بالموت
اولمیوب وساطت روح حیوانی ایله مملکت تنده جاری اولان حکمی نافذ اولمیوب امارتدن
معزول ومجرد عن الابدان اولدقده احوال وافکار ندن نه مقوله بار تحمیل ایدرسه اغراض اعمالی
بعد الانفصال والانتقال جواهر صورت بند اولوب عالم برزخده صفات مزبوره ایله
متصف وانکله حشر اولورلر

[illegible]

بعثت شریعت محمدیه به تابعت تحقق صادقه [illegible] علامت نجاتدر
یا احمد و یوانه باشه و یا محمد یا ارب

قرآن عظیمدن

وجوه یومئذ ناضرة الی ربها ناظرة آیتی نص و دلیلدر
عالم دنیاده وقوعی خصایص رسولدندر حضرت علیدن
مرویدر ما اعبد ربا لم اره قول شریفیدر که رؤیة الله
کیفیت اقرار ایله در محققین صوفیه کبار اولیا کوررلر دیرلر
علماء شریعت انکار ایدرلر اللهم یسر لنا فی الآخرة بل فی الدنیا
کما انتهاما لحنا امین من ترجمة السیه

حدیث شریف
من قال الله وقلبه غافل عن الله
فخصمه فی الدارین الله

روایت اولنور که حضرت شیخ بدر الدین السماوی تصنیف کتابه یکرمی بش یاشنده مأذون اولمشلر
وسنده قرق یاشنده ایمش سیندن اویله نقل اولنور که حق تعالی حضرت بدر الدینه اویله عقل سلیم
وطبع مستقیم وسلامت صدر ویرمش ایدیکه کمنه مباحثه ده الزام ایتمک واقع اولمامش
تصنیفاتی لطائف الاشارات جامع الفصولین وتسهیل وتغیر نور القلب
ومقصود عقود الجواهر در ترکی کتاب که شرحیدر ضوء سراج الفتوح دیرلر ووارداته تصنیف
ایلدی بو الآن علماء غافلون ومعنی لا یعقلونها وارداته ایجون اویله ذاتی تکفیر وتشنید ایلدیلر لعنة الله علیهم

قال علیه السلام
انا من غیر الدجال اخوف علیکم من الدجال فقیل من هم یا رسول الله قال العلماء السوء
ومثل الذین یعلم الناس الخیر ولا یعمل به کالسراج یضیئ للناس ویحرق نفسه

قال علیه السلام

الشریعة اقوالی	والطریقة افعالی	والحقیقة حالی	والمعرفة رأس مالی
والمحبة اساسی	والشوق مرکبی	والخوف رفیقی	والعلم سلاحی
والقناعة کنزی	والصدق سبیلی	والیقین دلیلی	والجوع طعامی
والصبر لباسی	والتقوی زادی	والله مقصدی	الفقر فخری

صدق حبیب الله

روح حقیقة الله اولدیغی محقق
اولدیه جسد حق حقیقه روح اولدیغی مقرردر جسد
زیرا قبل اتصال الروح بالجسد والانفصال لکافه الابدان جسد صفات زوح
صفات روحه قابلدر تا که روح جسده تعلق ایتمیه جسد حق اول صفات ایله
ایله متصف اولمازلر روح صفات مذکوره ایله متصف ومتخلف اولمسه ارواح
متصف اولمازلر لکن روح ابدی باقی وجسد مثلا شیء وفانی اولدرر حقیقتده خلیفه روح محمدیدر زیرا مجموع ارواح
روح محمدیدن خلق اولنوب موجودات شریف النبی الامی دیو وصف اولنور پس آدم علیه السلام ابو البشر اولدیغی گبی
روح حضرت سیدالموجودات حق ابو الارواحدر وحوا ام البشر اولدیغی گبی نفس کلیه مصدر کائنات حق
ام الارواحدر زیرا کان الله ولم یکن معه شیء مقصد انفحه قبل از ایجاد روح محمدی ایله شیء اوموجود دکل ایدی
حق سبحانه وتعالینک روحم کندی ذاتنه نسبت ایدیدر پس شجره وجودک ثمره اولان اول شیء
روح محمدی اولوب حق جل وعلی کندی نفسنه اضافه تشریفیه ایله مضاف قیلوب روح حیوبوردی بعده اراد
تسویه آدمه تعلق ایلدکده مضاف لنفسه اولان روح محمدیدن آدمه نفخ روح ایدوب فاذا سویته
ونفخت فیه من روحی حیوبوردی آدم ومن دونه تحت لوائی یوم القیمة ولا فخر حدیث شریف
بو اسرار دلیل واضح وبرهان لایحدر معلوم اوله که روح اعظم ونفس کلیه ان ابنیة
بو ایکیسندن تولد ایدن آثارک معرفتی بیانندن ارباب حقیقت بو وجهله تحقیق وبیان
بیورررلر که وقتا که اثر مؤثره مناسب اولدیه مؤثر حقیقیدن صادر اولانه اول اثر بر
موجوددر که حق سبحانه وتعالی اول موجود ذات اسما وصفات ایدوب کندی صورتنی
اوزره خلق ایلدی والی وجود وعدم اراسنده واسطه وحدوث ایله قدم تعلقنه

تعلقنه رابطه قیلدی ایله متصف
بس اولوصفات وکمالات خلیفة الله اکبردر کما قال علیه السلام روحدر روایات
اولانلر روح اعظم کرچه اعظم خلق اولنان روح محمددر اولدیغنی تحقیق ایلمشدر بس اول روح
ما خلق الله خلقا اعظم من الروح وارباب حقیقت جهتندندر بس جوهریتی اعتباریله
مختلفه واردر لکن اصحاب شهود وارباب ذات متجلیه نک مظهریتی اولدیغی اعتباریله عقل تسمیه اولنور
جوهر نورانیدر جوهریتی عالم ظهورده ذات متجلیه نک خلقکم من نفس واحدة الآیه ونورانیتی اعتباریله
نفس واحده تسمیه اولنور کما قال الله تعالی خلقکم من نفس واحدة ذاتی اولوب وذات عقله نظر ایتمکله
کما قال صلی الله علیه وسلم اول ما خلق العقل بس روح عقلک ذاتی اولوب الحدوث والقدم توسطی
بعض علما روح ایله عقلک بینینی فرق ایتمدیلر لکن فرق بایّن واردر وباین الحدوث والقدم
اعتباریله روح الجون جنبتین اعتبار اولنوب جنب ایسرندن نفس کلیه خلق اولنمغله جزؤک
کلدن انفصالی کبی مجازا نفس کلیه زوجی روحدن منفصل اولوب جنسک جنسه میلی مقرر اولمغله بینهما
تجاذب واقع اولدی نتکم آدم ایله حوا ازدواجنه واکیسندن ظهور نتاجنه قضاء ازلی
جریان ایتدیکی کبی روحدن اولان تأثیر فعل جهتندن بو ذکورت ونفسدن اولان تأثیر وانفعال
وانفعال جهتندن انوثت اولدیغی الجون نتیجه بعد نتیجه کائنات علی الترتیب روح ایله نفس کلیه دن
متولد اولدی حتی اواخر مولود اولان نوع انسانه منتهی اولوب دائره وجودک نهایتی بدایتنه
منطبق اولمغین بدایت وجوده واقعتین اولان روح ونفس آدمده ظاهر اولدی
وروح ایله نفس انساندن ظاهر اولمغله ذکورت وانوثت انسانیتی ذکورت وانوثت
حیوانیتنه مضاف قلندی وعقلک خاصة انسانه اختصاصی روح ایله نفسک انسان

انسانده
صورت روح ایله نفسک طبیعتیک علاقه سیدر وتعدد
آدم علیه السلام وصورت نفس ایله حوا ظاهر اولان تشخص اول
حوا ذکر آدمده ایکن خلق اولنوب مجموعا کائنات روح ایله نفسدن تولد
ایدیکه کبی آدم ایله حوانک ازدواجندن ذریت انسان متولد اولدی
تشخص انسان بیت روح ایله نفس بو ننتیجی ظاهر اولوب ایکیسندن روح ایله نفسک سرّ اولاد
نعدنه بو تشخص قلب نفس ایله روح جامع اولدی وقلب وروح ونفس متقاربه المعنی اولوب بعضنک الفاظی
قلب تولد ایدوب قلب ونفس وقلب وبکلمه قلب ونفس الطلاقیله روح مراد اولنور نتکم
بعضنه استعاره اولندی یعنی روح الطلاقیله نفس وقلب ونورانیت روحه عقل اول تسمیه اولنور
اول ما خلق الله العقل واردر اولوب روح مراد اولمشدر ونورانیت روحه عقل اول آفاق روحه وعالم قدسه هدایت
اهل نورانیت اولوب عقل نامی تسمیه اولنور بس عقل اول آفاق روحه وعقل نامی قلبی نفس
نفس الحیوانی بو نورانیت اولوب انجذابی حقه واشتیاقی اولوب نجم ایدر وعقل اول حقه دعوت ایتمک الجون
ایدوب وقلبک نفس وطبیعته اولان انجذابی جانبنه منجذب اولمغله بو لوم ایدر وعقل اول حقه دعوت ایتمک الجون موکل
وطبیعته جذب ایدوب روح جانبنه منجذب اولمغله بو قلب عالم صورته وتعمیر بینه دعوت ایتمک الجون شیطان اولدی
موکل اولمغله ملک مقرب ایله مقتدرادر وعقل نامی بو قلب عالم صورته دعوت ایتمک الجون دنیایه ودنیانک عمارتنه
اولمشدر وحقدن بعید اولوب الی الکل شجره طبیعته دعوت ایتمکله اوّلان دنیایه
ورفقای نفس اولان قوای طبیعته معاونتیله شیطان اولمغله ایکیسی برزخ بینهما اولان تعلقه رابطه در
دعوتندن خالی اولمامز وطبیعت ایسه بین الجسم والنفس برزخ بینهما اولان وجهی جانب نفسه در
وطبیعت الجون بر اصناف وبرکذر ایکی وجه واردر اصناف اولان وجهی جانب نفسه در
وطبیعتک وجه مذکور اصناف اولمغله اسما وصفات جهتندن
صورت

وصورت نفس اولوجیده
منعکس اولورلر پس اکا روح حیوانی دیرلر سه وجه کدرلر
ارواح حیوانات اندن بستمدلردر وطبیعینک علویه وسفلیه اندر
جانب جسمدر اول شول روح طبیعیدرکه طباع اجسام علویه بستمد اولدیغی روح نباتی بینینک واسطه در
مستمد اولور وروح طبیعی ارواح نباتات اندن منعکس اولدیغی ایچون کاه اولورکه روح حیوانی یی
ونفس روح حیوانی یه منفصل وصورت نفس روح حیواندن نفس ابو نفسدر کما قال علیه السلام اعدی عدوک نفسک
نفس ایله تعبیر ایدرلردم اولنوب منا بعتدن نجی اولنان اسمی اولوب زیرا ذات ازلیه اولان ایمان جمعدن
التی بین جنبیک روحک اوصاف اعتبار ایله برقاج اسمی اولوب واسطه اولمقدن قلم کبیر اولمشدر
کلمات الهیه یه محل تفصیله اوج ه واسطه درزیرا صور کلماتی ایمان جمعدن اوج ه واسطه اوبرنفس کلیه صور معلومات
وحقائقه محل ظهور وتفصیله دوات مشابه سندن اولوب اول محل ظهور وتفصیل لوحدر زیرا نفس کلیه صور معلومات
مفصله یه قبولدن لوح مشابه سندن اولوب لوح محفوظ اندن عبارتدر ونفس محل تفصیل حقائق معلومات
اولدیغی کبی جسم ده صور معلوماتک محل تفصیلیدر وعلی قدر ما شاء الله به ان یحیطوا به حقائق والوان بک
بعضیسی نفوس جزئیه ان نبه بهر نفسدن بکتوبدر لکن نفسی نفوس جزئیه ان نبه دل بهر نفسده
مکتوبدر لکن نفسی غواشی بشریه دن مجرد اولمینجه احاطه ایلدیکی شیدن قبل الوقوع فی الشهاده نفسه برشی منکشف اولماز
نوم ده نومدن نوع تجرد اولدیغیچون نفسه رؤیاده بعض معنیات منکشف اولور ومثالدن عقل روح اعظمه
قلمدر لسان مشابه سندندر زیرا عقل روحک لسانی وترجمانیدر وروح نفس رحمانی ده تسمیه
اولنور زیرا حق سبحانه وتعالی ونفخت فیه من روحی دیو بیور مشدر نفخ ایله بهر تقدیر نفسدن
اولور پس نفسدن اولان ایح مظهر حیات اولدیغی کبی روح ده بر ایح طیبه درکه مظهر حیات اولور
ونفس

ونفس ماده صور کلمات
اولدیغی ایچون روح القدس ماده اولدیغی تمامیله من شجره اورانیه
فانضه اولان ارواح کلماتک ماده سیدر کلیه ده القاها
الی مریم وروح منه ایتی که روحه مناسب اولمغه نفس اتدر
وروح صفت کلامه مخصص اولدیغیچون نطق ده روحه مخصوص اولدی ونطق نفس
فرع نطقدر وجد ذات روح اولمشدر ای پس روح اولورکه کلکن فرع اولورورولک کلامه
مخصص اولدیغینه علت اورات اولدیغی اکوبدر اوراییه وجود طالب برکلامدر فلکک عقل ظهوره اینجه خطاب شرع
طهور انمیدر زیرا عقل روحک ونفس فانضه اولمش ارواح مجرده ونفس قدسیه دندر که ایله فلک نطق و روح و نفسدر
زیرا ملائکه روح اعظم ونفس کلیه ده متصله وبدیدن بنعاز قتله نفوس انسه مجرد انیه در وقال
تحت تفعونت باسوت ومحفوظه وجوهات سنه پس ارباب تحقیق قتنده خلقیت روح صفت فطرت
علیه السلام ان الله خلق الارواح قبل الاجساد بالفی سنه نک بهر برکونی دنیا بیللرندن بیک
اظهار وعرض صفت قدرتی اراتدن عبارتدر والفی سنه نک بهر برکونی دنیا ایام خود فلک شمس
بیلیه در پس الفی سنه نک کنهنی کیمسه ادراک ایدن بیلور تقدیر سنه وتعداد ایام خود فلک شمس
وقمرک خلقتندن صکره حاصل اولمشدر خلقت روحدن اسمان وزمین شب وروز فنک ایدیکه
ماه وسال حساب اولنه بو اسرارک وانفلاک مشکاة نور محمدینک مظهر اولان عارفان وکاملان بیلمکلر در
امدی روح سائر مخلوقانه قیاس اینمه روح طور عقلدن خارج عزت ولطافتی واردر
روحدن بر وجهله قالله خبر قابل دکلدر ابو بکر دران قدس سره خوب بیور مشدر
شهر وطن جان زتن بیرونست وزهرچه مثل زنی ازان بیرونست ابن راز نهان از نهان بیرونست
یعنی که خدا از دو جهان بیرونست جانت زحقست وحق زجان بیرونست
ان با نقطه ونقطه زان بیرونست

طریق اهل الخدمة والمحبة

الرفیق ثم الطریق نحوا سنجه بو یوله بر دلیل صادق ورفیق فائق
وبو درده بر طبیب حاذق وبر عیسی دم شفیق لازم ولابد اولدیغن بیلوب
سندن اول راه لی یابانک اسباب وجهاتن کوروب توجه ونیت وقصد وعزیمت قیلدکده ع
سیاحت قبل سلوک ایله وجودکدن قیلوب عزلت بغضونیجه کیدرکه حقی دنیا وزمان جهتندن ودنیا وجنت
فیدیله طلب اتمیوب ودور ودراز کتمیوب راه خدا کوکل اولدیغن بیلوب دفع شبهه قیلیه سن زیرا حقه کوکلدن یقین
یوقدر قلب المؤمن بیت الله خود مقصد قدر وکوکل الله نوریدن ودیعه در کما قال علیه السلام اول ما خلق الله نوری
وحضرت داود علیه صلوات الله الودود الهی سنی قنده بوله یم دیدیکنده انا عند المنکسرة قلوبهم جوابی وبرلدر
ما وسعنی ارضی ولا سمائی ولکن یسعنی قلب عبد المؤمن التقی النقی حدیث شریفنی ایشتمدکمی اسمان الی قنت
حال اولور وزمین اکا نیجه مکان اولور اول خود لامکاندر پس امدی اول جلیلک وجمیلک محبت ومونسی قلبدر
قلب المؤمن عرش الله انک مخبریدر بو نقدرجه بیوک کوکلدر ویولجی سنسنین وکتمک کندیلکلکندر
وکلمک سنکلکسز بکادر وبیلمک حقیقتنی الکلا مقدر ولوملق شهود وعیان ایله الی کورمکدر واولمق
ایکیلکسز واتصال وانفصالسز برلکه یتمکدر زیرا اتصال وانفصال حلول وحال ومحل وظرف ومظروف
وغیر اعتبار ایتمک لازمدر حق سبحانه وتعالی اخ شی ایله متحد اولمقدن منزهدر انک غیری نه واردکه
اول اوله واول ننک غیریدرکه انکله اتحاد ایدن پس ایکیلکسز برلک اولور حکی عن الحضرمی

انه

فابین ان یحملنها الایه

انه کان یقول ان الناس
یقولون انی فی حلول وانی اقول بسقوط التکلیف
عن عبادة اسد وکیف اکون حلولیا ولا اری فی الوجود
سواه وکیف اقول بسقوط التکلیف ولی ورد الافعال صبابی ورد بعلمه
ما فاتنی الی فی هذا الوقت ولکن اقول لا کلفة فی عبادة عبادة الخاص
سکا حقدن یعنی بو دیلدن خلعت صورت انسانیه بیلک قدر وقیمتن بیلمدن بو وصفت اللدونی صاحبنه تحفه
باخلاق الله اتصفوا بصفات الله دوتا بیله عالم اولوب قلبنه وکدورات وکدورات نفسانیه دن وکی اول
وطن اصلیه رجعت قبل



ترجمهٔ حقیقة الیقین و زلفة التمکین
اثر لعلی زاده سید عبد الباقی
قدس سره

الله عظیم الشانک حمد و صفا ایله در . توحید ذاتیله در . الله واحددر لا بعین توحید و محمود در فلک الحمد

والتمجید الله عظیم الشانه حمد ایدرم صفاتنک ذاتنه حمدیله و توحید ایدرم صفاتنک ذاتنک توحیداتیله و شهادت ایدرمکه

شاهد الحق ذات پاکیدر که بانه الفرد الواحد بالعین المقدس عن الحلول فی تجلیه یکلاین ودخی شهادت ایدرمکه تحقیقا محمد صلی الله علیه وسلم

قطب رجال الموحدین در ونقطهٔ دائرهٔ محققین و محیط مرکز مقربین در جمعیت کبرا ایله متکلم و کویادر و صاحب مقام قاب قوسین

او ادنادر قلب الوجود و روح کل موجود در خلاصهٔ صورت و معنی و صاحب الاحصاء الحقیقی الاسماء الحسنی در صلی الله علیه صلاته الاسنی

وسلم سلامه الاجل الاهنی وعلی آله الابرار واصحابه الانوار همه اهل الصفا صورةً و معنیً معلوم اخلا و اخوان صفا اولدیکه قدوة الوفا

مؤلف کتاب انسان کامل عبد الکریم الجیلی قدس سره الاسنی حضرتلرینه منسوب رسالهٔ حقیقة الیقین و زلفة التمکین

اسمیله مسمی رسالهٔ لطیفه لرین مذاق قلندرانه موافق فهم ایلدیکم اجلدن لسان ترکی یه ترجمه و املا اولنمغه سز اوقلندران دیار

برا ترت طرافراز اتمغه روا کورلکله بو صورتی بی تکلفانه ترجمه یه همت بیدا اولدی وبالله العون قال العبد الحامد والمصلی

اما بعد تحقیقا توحیدک شانی عظیم و مکانی عالیدر انک حقیقتنه وارن الا اهل کمال واررر وانک غایتنه

ایرشمز الا افراد رجال ایرشور جمله خلق عجز ایله اقرار ایلدیلر انک مکانی لعبیدنه و ملا اعلا قصورلرینه اعتراف

ایلدیلر انک ذروهٔ عالی مجیدنه ابدی مخففون انک حماسی اطرافنی طولاشورلر عارفون انک ادراکی

امواجنه غرق اولمشلردر حاصل کلام اول ذو الجلال والاکرام بیوبدر وما یؤمن اکثرهم بالله الا وهم مشرکون

توحیدک

توحیدک دریاسی عظیمیدر سباحت ابدا

سلامت بولیدن هلاککدن نجات بعید اولدی انک مجری قالی بیابانیدر سباحت

بعید ایدن انک دریالری قاطعلری ایله بموج ایدر انک قفارلرینه

بانعلکلت انک عالمه ابن جواب صحیح اولمادن بر امید ایدرکه

سنجر اولنمغه و سعت بوقدر انک الکن و ما قندر و بها یالیق اوس و ما منه در

جواب و بیره بیلوریم دیکله بارفصیح ایدن اولمادن الا انک ایرشدن فتره و اصل اولدن اللهم الا اولا عبدکه

جمیع قلوبدن انک اسمندن بخبر بوقدر و واصل اولمادن لا تجرید بتجرید ایلدیکه انک تمزی توبندن بنطمس اوله و تمیس و احدیتی نعدیدن

ارتی توحید توحیده ازا فنا ایله وجود ذاتندن توحید ابدر و بحیدر فنا لطفیله فانی اولدقدن صکره صفت تعابه ایصال ابدر الدی

توحید ایله استراق ایله اولی عبدی حق کندرر ذاتندن توحید ابدر و هو الواحد الموحد لنفسه تعالت و احدیته بسبحانه عنه التوحید

توحیدک و صفنت توحیدی ایاه توحیدن و دیکلرا صحیح اولور فهو نرکنی التوحید فالواحد الفرد المستغنی عز ال توحید و التوحید والتجرید

النوع

توحیدی فی قدسه افراد الواحد و تفرید ان وحد الواحد فی ذاته تماذاک کاف و ما لمفید وان قلت لو ما لتوحیده

التوحید لا تثنیة فتعالی الفرد عند التفرید ما ذاک الا انه عیسی

توحیده منک لا تثنیة و انی بکلف توحیده فکیف اقل ابلغه المقصود في وحدة اجازته

توحیده بوجود فالواحد الفرد انا و هو کذا و حدتنا لا وحدة التعدید بل وحدة ازلیه کانت لذا

اشترکت لی توحیده بوجود سابق و حادث کلا و لا نمنظر و شهود بر حاله موحد شول کمسنه درکه

بلا شرکت عن سایر الموجود لا عن وجود سابق و وایاک معلوم اوله که تحقیقا انک توحیدی شانیدر

قد تنزهت عن کثرة و مزید وفقنا الله و اوامن درکه انک توحیدی شانیدر

الجوهر الاول

ثابتا بلا علل والتقیید و واسطه سز اوله بلکه موحد اول من درکه انک توحیدی صفتله و یا بر نعتله

انک توحیدی علت و سببسز و بر منظرله مخصوص دکلدر و یا بر اسمله و یا بر صفتله و یا بر نعتله تعدد

فعلا و حالا و مقالا بر مشهدله تقیید و بر منظرله مخصوص دکلدر و یا اولان وحدتیدرکه اول وحدتده تعدد

اوملیه بلکه انک توحیدی شیئنک شیئیتی الجوهر اولان اولیاء اللهدن بر ولینک

محال اولور فافهم العرض المفارق بدایتده وارد الوقتده بسؤال ایلدم

توحیدی

توحیدده حالنده حقیقت شانی

جواب الشیخ من الابن ظهور ایدر جمیع موجوداتک ذاته تخصص ذاته نسبتنی واردیکاندر

اولیانک بر حالت ظهور بولدیر بو شهوددندر ازلی اولمقصدرین سؤال ایدنه مقال ایله جواب ویریدر اکا جواب حال ایله اولور اولا وجوده فالازلدر

شعاع تمسکنک ثمه نسبتی کبر توحیده توحید خفیفت توحید اهلنده در رضی الله تعالی عنه **فصل** سلین اوله فنا ایله بسنی بقا ایلرسلین انک عینی

ایلدیکه هذا هو التوحید ایدکت بیلدیکه اول رجل قجن کندی فناکدر هو فانی اولدی سلین بحکم الاصالة والملک لا بالتبعیة ولا بالنظ

مقال ایله اولماز دیدی بسی ایدک بیلدیکه اولور سوال مرتقی اولور موجود کورسلین صفاتک ذاته نسبتی کبیدر

وثانیا کندیکدن فنا ایله مقام شهودده سنی خلقتک حیثیتندن بسکا نسبتنی اول وقتده علة العلل

اولمق اورت هو باقی اولورسین ایمدی سن بلکه جمله کمالاتک بسکا منکشف اولور

الی الحقیقه ذاتک الجوز اولان اسما وصفاتیله تجلی ایدرسین بلکه جمله کندکدر غیرا بولمزسین اول

بیلورسین وبو معنایی سیر ایدرسین تا الی حق تفقد ایدوب کندکدن ازلی سنک باطنکدن وجودکدر

سماسندن مواقع النجوم در اسم وصفت ونسبت واسطه سننه معانی باطنک الجوز **الدرة الیتیمه**

بلکه اول سنک وسندن غیرا هر موجودک کلندکده کلندن سنک واحد سنسین

پس ایمدی لعلی سندن سنکیچون سنت بولدیغک وقتده موحد شول آدم که انی

فی لجة عظیمه حقایق الهیه ایله تحقق بر حکمتدرکه انی بیلمز الا محققلر بیلور ایمدی قادر اوله

کمالات بولنه ولکن بو حکمتنه ظفر بولمیه اول آدم کمالات اثرندن هیچ برینی اظهاره قادر

وسن صفات حقه حقدر تجلی کیفیتنه مطلع اولدیغک وقتده اول حکمتک قپوسی ذوق

حیثیتندن سکا اچیلور اول زمانده عبد القادر گیلانی رضی الله عنه حضرتلرینک بو کلامنک

معناسنی بیلورسین که بیور شر کل الاولیاء وصلوا الی القدر فوجدوه مصمتا فوقفوا الا انا فتحت

فیه روزنة فولجت فیها فدافعت القدر بالقدر **الکنز المخفی** یا هذا بیلدک که تحقیقا

حق

حقیقت ... الوان واردر
حقیقت بسکا ایکوئی بکا لاتی بیلور وتحقیق حقیقت
اوزره بسر ... اوزره بکا ... تجلی ایله
تجلی ذاتیسی باسره وجوده صفتسین ایدک اظهار ایدر
اظهار اتبین الاوّلی ایکوئی اظهار ایدر باجود علمینه موجود کافت
لا یابکنه والذات ولا یکمال الاسماء والصفات کمال ظهوری موجود سین
کندوزه دن ایدک سن سنت بر بولدیغک شیئک لسنده ظهورینی بکا ... طلب ایتکدن زیاده حذر ایله
اول محالدر عالم کونت اول وسعت بوقدر عالم کونه صفتسین ایدک ممکن اولمیان شیئی
زیرا سکا لایق دکلدر وبو کلامک تحتنت بر ستر جلیل واردر که اکر اول ستره واقف اولورسین عبارته
وارث رث تحمل ایلمز امر ابیلورسنک وعالم کونت ظاهر اولان وقته مخصوص اولان کمالات الهیه معنالریندن
هر بر معنی ایله سنک اوزرینه سنک باطنک انجلا ایدر اجلدی فهم ایله غفلت ایله وحق معلومک اولسونکه
سنت سنکیچون متعینه اولان کمالاتک بعضیسی هر معنی ایله سکا مخصوص اولان کمالاندر کمال تجلیسی سنک
علمکده سنک الجوندر وبعضیسی الجون متعینه در اما حکمتدن بر نوع حکمتله عالمدن ظهوره کلمکدر
الکبریت الاحمر معلومک اولسونکه سنک ذاتک اول کمالاتک
فأتوا البیوت من ابوابها در وسنک عینک اول اسما وصفاتک جمیعیله مسمادر
جمیعیله ... الیهادر استجلاب حجاب الت غیر ایله شغلدر واصله رجوع فرع الجون
فلا تضیع ولا تتعمل تحقیقا [illegible] وتضییعدر ولونت سنک الجون اولان ایله منحل اوقدر
اهتمامدر بونک جمله سیر هدر قال الله تعالی لنبیه صلی الله علیه وسلم فاستقم کما امرت
زیرا کمال جمله سنک کمالکدر فاثبت فی مستنقع الموت رجله
والبو سعید خراز رضی الله عنه بو بیت ایله تمثیل ایلدر وقال لهامه دونا احمصک الحشر
بو بیت

بو بیتده فهم ایلیین فهم ایلدی وبیلین بیلدی

وما یلقیها الا الذین صبروا وما یلقیها الا ذو حظ عظیم **الاشارة**

الی متی لا تحمله العبارة هات بکا بیلدرکه معانی کمالیه یی سن نه محلدن بولورسن

اویله معانی که اکا اسما وصفات تعبیر ایدرسین صکره انلری حق سبحانه وتعالی یه نسبت ایدرسین زیرا سکا اولا اول

معانی یی تعقل وثانیا نسبت لازم ولابدر اگر جواب ویروب دیرسین که علمیت قلبیت عقلیت ویا خیالیت بولورم جمله سی جائز

صحیح جوابدر لکن بن ایریکه تحقیقا سنک علمک ذاتکه مخصوص ذاتکده دارسندر غیرا برشی اندن حال اولور بلکه اندن

متعین جمیع معلوماتک ایله سنسین زیرا معلوم عالمک حال اولماز بو بر اصلدرکه اندن علاقه بو قدر والا حق سبحانه

وتعالی یه معلوماتی حلول ایتمک لازم گلور وذلک محال ایسه ایمدی که سن بیلدیکک وقتده که سنک علمک

یا عقلک یا قلبک یا خیالک بولنلردن هر برای انک وجوهندن بر وجهدر عبارتدر واندن اولانک

جمله سی سنک عینکدر سن اندن بولدک بولدیغک کمالی وجمال وجلال واسما وصفات وعین ذات

تعبیر ایتدیکک کمالاتی ایمدی بو معلومک اولدقده بیلورسین که تحقیقا سن مطلوب ومحب ومحبوبک

محیی سن ایمدی تأمل وتفکر ایله بو کلماتی که زیرا بو کلمات یتیمة الدهردر بندن اول بو کلماتی هیچ کمسنه

برکتابه یازماشدر بو کلمات لب اللباب اسمیله مسمی اولان معارفدندر **ضرب مثل علی وجه الجدل**

لما عرج ونزل بعض فقرا دیدیکه بن عالم الاینیه دن حضرة العینه جذب اولندم مطلوبی قریب ومحبی

حبیب بولدم بعده اکا دیدیمکه ای امر عالی وشان غالی سنک حالک نه بیم حالم بیننده فرقده سؤال

ایلمکه سندن استیذان ایدرم بیوردیکه سؤال ایله وجواب ال که سکا معلوم اولسونکه بنم

فرق

الا القابلیت

وفرق اولنمز بیننده ایدیکه سن قدرت

وعزت صاحبیسن سن نزال وبخ صاحبی بیم

سوز دیدیکه سن عالم انیتک بیم نظمه بیم سن وبن حضرة غیبت

سنک نظمک اولنمیم بن دیدیکه بنجو بیم نظمم سنک جمالی ولطیف اولدک

وسنک نظرک دوام وکشف اولدک سوز دیدی زیرا تحقیقا بن سنک حقیقتکیم وسن بیم

حقیقتمسین سنک حقیقتک باقیه ووجودیه دایم حقیقتیم فانیه وکلیمدار بن بر قلیل زایل اولورم سن

باقیسین وزهق الباطل عندان یجیء حقا بلزمیسین که سن بیم آیینه مسین وبن سنک آیینه کم المؤمن

مرآة المؤمن پس ایدی ذاتی موجود سنک صفاتکدر وسنک موجود بیم صفاتمدر سنک صفاتک موجود

وکامله وبنم صفاتم منعقوده وزایله در بو بنده او ترک سن بنی گوردیکک وقتده بحر کمال ومعدن جمال

وجلال بولورسین وکندی نقصکی گوردیکک زمان محل تغیر وحدثان نقص وزوال بولورسین

اگر ذاتی بنی اسقاطه واقف اولسک سنک اوزرکه جناح ویأس اولمازدی اول

وقتده سن بنم ذاتمدن ظن ایتدیکک کمالاتی کندی ذاتکدن گوررسین وسن اسقاط ایله

سندن شول نقایصی که سن اول نقایصی کندی صفاتکده ظن ایدردک اول ابن بنم صفاتم

ایدی ایمدی بنم زوالم ایله اثنینیت واشتراک زایل اولور وربط اشتراک کدن صید احدیت

تنقل ایدر وهذا العمری سم قاتل الا من کان له قلب قابل شعر دع الوقوف مع الآلات والعلل

واحذر من القید بالاغلال والقتل وانزل سبوحک باقی الحی من احد سواک واعمد الی من تشتت من عمل

حکایة عن حال وصل من غیر انفصال وار دوقت برکره بنی اگواندن غائب ایدوب عالم حدثاندن

بالکلیه اخراج ایدر پس ایدی بکا صفاتمی گوستردی وذاتمی بولدردی صکره بنی بندن بکا نقل ایلدی

اطوار

اول الصوارت ودقتاکه

الصوارت کثیره ترکه اول الصوارت وکندیدن در وجودیم شروطنی حفظ ایلدم قدرتم سفلی

بیم ایچوندر وبنم عینیت بن اولدم قائم اولدم و بن عالمم اینه وضع ایلدم ذاتیم اولانه

یلرا ومستقیم اوزرن قائم اولدم و بن بر حضرت عینیه استغنایله ابدرک ودیدکه ای بیم ذاتیم ایچون نه حال

ایلدم وابکی قدرتک بربر حضرت اولی اوا اسندن انک ذاتیم واسما وصفاتیم ایچون مراتبک ظهوردن

علیاسنه فی طیه ایدرب اولانک تبیل ای منکه بن انک علیا دیدکه سببدن وبیان اولانه مراتبک استبعادن

صفا وصفاتله موصوف اولا مقام تبینت متعددان اولدق علیا دیدکه کمال وحدت واستکمال

واقع اولدیکه عینیت متحدان ومقام تبینت انتفاع واوتار مقامنی جمع ایدرب ظاهر اولور امواج کبیده

وابکیمز جم بولنان منافع ومناسبک بروزایچوندر صفاتیه اولان احکامم مقتضاسی اوزرن عینیک

اوتریدر بودکلدر الاسم ذاتیه اولان اشتولدر بجبا اندرکه جواب ویردیکه بنم عینیتک حکمی سنک عینیک

بن بجحجام سفلی دیدیکه بجمله سنک بینیک وقت حکمت بدر علیا دیدیکه بزعاین واحدیز

حکمیدر امتیاز در سفلی دیدیکه اما ایکی عاین عاین واحددر بینت اوقت در علیا دیدیکه

بالذات متعدده یز بالاسماء والصفات سفلی دیدیکه وحدت عینیت بنم ایچون بیچون اولمدی سنک ایچون

حکم مابینت اقتضا ایدن شی وبه کیفیتله بنم نسن قدرتله افعالندن بندن ایریلور سین علیا دیدیکه

اندن اوتری که تحقیقا سن حکم کثرة اقتضاسی اوزرن وحدتن تکوین سین

اندن اولیدک بزم مشهدیمز حکمیله قدرتله قائم اولورک

اکر مز غیر علة ولا تمییز بزم وحدتمز اولیدک بزم مشهدیمز تحقیقا بن اولمشم مع ذلک

بلا تکلیف ولا تعجیز سفلی دیدیکه بن شهادت ایدرمکه تحقیقا سن تحقیقا بن اولمشم مع ذلک

سنک حققلک بنم فتم قاصر در علیا دیدیکه بو شهود شوالندر که سنک نهایتکدر رسمی غایت

منزلکدن منع ایدر زیرا ایکی یی برکورمک ایکیلکه مفضی اولور و مشاهد اولانه حجابدر سفلی

دیدیکه عملندر علیا جواب وبردیکه خطا وخطلی ترکدر علة العلل امری احکامنک شروطنی فعال

سفلی

سفلی دیدیکه بولت ارت ایلدیکن

شیئی اوجم ایلدم بکا زیاده ایضاح ایله دیدیکه بومیم

نامولدرکه ابنک فتنت متمکن اولدیم علیا دیدیکه تمسک

میزانیدر اولسعدالک جیبعیسی اندن درس ایدرسین اسقاط ایله حتی بیکالتی مصدون

نوران اندن وزن ایله وتقلی اثبات ابکله عجبکی به کیفیتله علیا دیدیکه بلاکیف

نکاحم اوله و عالم کاف ونون منکشف اوله سفلی دیدیکه نه اباقلرم بو نکاح طلب ایله بیرینه ابرشدیر

ولا رنقی فقالت السفلی نتینا قالت العلیا استقطنا وقنالکه بیم عقد ونکاح ایلدم تزوّلاح

وانفض اعلادن اولدب بکا اجلدر بن کندی عالمده وخول ایلدم وکندی قوای کندی اوده مودت وحدانیتر

وتسیم فاح یا هذا یارانکه یا وث هلق لذتی ذوق ایلیه سن سندن یاد شاه کلمه زیرا البوادا مودت وجدانیتر

اولماز وکلی فقدانله فقدانیتر وجدان کفایت ایتمز یاد شاه هی ابتدا کوهیکه کوبنده کور صکره عملکنت

بقده مرکبنت سبر ایلدیکی کبر سیر ایله صکره وکینه سوار اولوب بولر طلسمی جل ایدایکه مخلنه قال اولور

پس انکله بو نکله مشغول اولر محلت سندر بجد ترکه بو قدر خمر رایق ونشر عایق وجودیت جمله عالم

سنویدر وجودلری معرفت مفترق اولورلر ابدان بر طائفه موجد اولدقلرینی معرفت مستور اولوب

موجدلری وجودلری معرفت مختلف اولدیلر وبر طائفه موجدلری معرفتن برابر اولوب

موجدلری رسلنه ایمان معرفتنی بربرندن ابرلدیلر وبر طائفه موجد رسلنه ایمان معرفتن متحد

وبر سلک کتبوردیکی ام مقتضاسیله عملات مفترق اولدیلر وبر طائفه مقتضای امر ایله عملات

متوافق لکن السنه رسل اوزره حقیقت توحیدیمی طلب اولدقلرینی معرفت متخالف اولدیلر

وبر طائفه اول معرفت متفق اولوب اما اول معرفتی تمییزا مفترق اولدیلر وبر طائفه تمییزا

مستور وذوقا قبولدن مفترق اولدیلر وبر طائفه قبولدن متفق لکن عیناً شهود معرفتن

مختلف

مختلف اولدیلر وبرطائفه شهوده
موافق حالا وجودن مخالف اولدیلر اول وجودک حکمیله
وبرطائفه وجودن مستور اولوب لکن اماهیاکللری اوزرن
وبرطائفه لذتن ابرالدیلر وبرطائفه ه ظهور آثاره موافق ان عدن مخالف
حاصله اولان فوتندن متفاوت فاظ سنح بجاجارت به ابنح ففقیر فوق حقیق اولان اوفاقی کدر وصفادن
ظهور آثار فوقندن ذی علم علیم الطوار بشریه احکاما مبتدار خارجدر سیا ابدالشواد کیمسه که حوادث صفا وکدر ایله تغییر ایده فودنه
اولدیلر وفوق کل ذی علم علیم الطوار بشریه احکامی مبتدار خارجدر جسمانی وکلدر وتقلب ایله تغایر الوان ه دکلدر بلکه حرادم نور لمع وبحر
اعز واعلادر زیرا شان الهی الطوار بشریه ایله تغیر جسمانی وکلدر والله الموفق لا عارف به عجزه
ابرز واعلادر زیرا نیم مرادم زلول وطراوت ایله تغیر ادناسنه متنزلدر والله الموفق زیرا خوف ورجا ایکی قیددرکه
بر شیئه نائل دکلدر بو تغیردن نیم مرادم حضیض ادناسنه متنزلدر زیرا خوف ورجا عارض
تغیر قلبیدرکه روح الجوانی افق علی الاعلا سنده حضیض ادناسنه متنزللری بچک عارفه لابد ولازمدر زیرا خوف ورجا عارض
بر شیئه نائل دکلدر بو تغیردن خوف ورجا متنزللری بچک عارفه وقتلرده بروقتدن خوف ورجا عارض
تغیر قلبیدرکه روح الجوانی خوف ورجا بنغ ابلر اگرسن وقتلردن بر وقتدن حصه مبتدئ کلسک
سطع نقلب امن وقلب جزع نحففدن بنغ ابلر اگرسن اورزیکه فتحه
سنک الجوانی بتحففه اولان حقایق الهیه ایله سنی نحففدن برام ظهوریله بیلکه فقودن حصه مبند کلسک
اولانلردن اولورسک فعللردن برفعل سببیله یاخود امرلردن برامر حقیقتده امرالهدن سنک اوزرینه فتحه
وکذلک اگرسن امرلودن براری رجا ایدر اولورسک کرک ام حقیقتده واسطه اوبلا واسطه
متعلق امرلردن اولسون کرک ایسه دنیا واخرت امرلرندن اولسون یاخود بو واسطه اوبلا واسطه
موعود اولدیغک امرلردن بکا مخصوص اولان امر اولسون اول رجا حالنده مشترک ومتعدد سلیه
حقیقتده سنک بجوانی قدم بو قدر برم یا لمزرا عارف شو لکمسنه درکه وجوهده هیج بروجه ایله متغیر اولمیه
عارف
حتی انک اوزرینه بینک ولی ذبح مفقد اولسه اصلا محزون اولمیه قطبیت اعطا اولنسه
فرح کلمیه ویا غوثیت وعد اولنسه رجا ایتمیه زیرا متغیر اولان فقود نه برشی تحصیل ایدن فافهم
شمس

تیسیکد غلن ... فی انلاک الابرار
معلوم اولدیکه حقیقت وجود بحقیقت جهتندن واحددر
واول واحد حضرتندن حضرت سبحانه وتعالی بو اطلاقدن بر وجود حق وجوب مطلقدر
وحق سبحانه وتعالی بو اطلاقدن تجلی ایلر ایسکا بر موجود ظاهر ایله وجود
نه حیث الوجود بر موجود الاوجود ر بلکه بر موجود کندی عینیدر ظاهر ایله وجود موجود بنیت
وحق سبحانه نه جهتدن حقیقتده بو وجود کندی عینینک مظهر بدر پس ابدا حق تعالی بر اشیانک
نه حیث الوجود بر موجود الاوجود ر حقیقتده بو وجود کندی عینینک مظهر بدر پس ابدا حق تعالی بر اشیانک
وحق سبحانه موجود اینیت لرحقیقتده بو وجود کندی عینینک مظهر بدر پس وما الوجود الا الواحد غیرانه
نه حیث الوجود الاوزق مظهر اینیت وباحسن قول القائل فی هذا المعنی بیت وما الوجود الا الواحد غیرانه
خوف بو قدر الاوزق قولوا اینیت اوزرن وبا حسن وجود بو معرفتله بر جهته بیلمیه سن حق تعالی
عینیدر وحق واحددر اسما تعدد ایلدیکه سن وجود بو معرفتله بر جهته بیلمیه سن حق تعالی
اذا انت اعددت المرایا تعددا وقتاکه سن وقتاکه بر بر وجود الا حقی تیلمیه سن
معرفتله تجلی ایلمز وراجب الکوان باقی قالورسین وقتاکه بو بر بر معنا الا وهر بر صورتدن
وکل وجود الا هات ایلمیه سن بیل جمیع موجوداتدن بلکه هر بر نفسکی بیلمز سین
وهو حکم وهر جسیم وهر روحدن وهر معلوم وهر مشهود الا اول وقت کندی نفسکی بیلمز سین
وهو حکم وهر جسیم وهر روحدن وهر معلوم وهر مشهود الا اولدیغی وجود حق الجون اولدیغی
زیکی بیلمز سین وصورت معنی الجوانی وجسم روح الجوانی اولدیغی کبی وجود حق الجون اولدیغی
معرفتک سببیله مراد ثابت هدن اولنور وتخفیفا سن وجود مظهر واندن ظاهر حق
ایدیکی ثابت هدن ایدیکک وقتدن حق سبحانه وتعالی انک نفسنی بنفسه
مظاهرندن شهود ایتمسنه ارتقا ایدرسین وبو شهود ایله سنک وجودک
سنده سنکجون ونکله سندن اولدیغی معرفته مرتقی اولورسین وبو وجود ایله نفسکی
الوهیت کبرا ایله بیلورسین پس ابدا صفانک باطنکدن ظاهریکه تجلی ایلر
وبو تجلی

وینجلیلرینی ونجلیابیدر اشاری بیلوب تاکه
اودرات سنك نفسلك که زیرین کندك عینیدر بسن ابدکانی بیلوسن نفسلرك و تفصیلنی
شول کیمسه‌در اولورسن الوهیت صفاتلرندر بزم صفاته حقیقیه وخلقیه متحقق اولدیغنك
کندك زیرلرك بیلورلر و بو بعد قنسله جمالیه وجلالیه وجمیع اوصاف وسن ذاتنك ذاتکله تجلی ذاتیله متجلی اولورسن
کندك زبرین جمله اسما کمالیه وصفات بسنکله منفرد اولورسن لمن الملك الیوم سؤال ایدرسن سکا وحدانیتنك جواب
حقنی وبرسن ایله وجود کلن خطاب ایدرسن عالمك ظهوری اعتباریله محدثدر اما علم الهیت وجودی اعتباریله
حالت وبو تحقق نفسکله قدمینه و وجوبنه حکم ایدرسن
اندنصکره بسن نفسکله بحر متلاطم وسیل متراکم اکرسن اسما وصفات الهیه‌نك المسئلة الاولی
وبرکه لله الواحد القهار اکرسن اسما وصفات الهیه حکمیدر مسئله علمندن نصکره متحقق اولور
عالمك حکمی اسما وصفات وعقلا ایچون بونك علمی اوچ زیرا اول غیردیه بکمز خالی
قدم عالمه و وجوبنه حکم ایله اولمق محالدر زیرا وجود غیریله بذاته اولورسه
حق سبحانه وتعالی واجب بالذاتدر زیرا اکر اول غیره واجب دکلدر دور وتسلسل
اولمازیا واجبدر بذاته یاخود بذاته واجب دکلدر تسلسل لازم کلور
هرشی اکا مستقل اولور اکر واجب بذاته اولمازسه دور ویا تسلسل
باطللردر پس واجب بالذات باری تبارك وتعالیدر المسئلة الثانیة حقك صفاتی
وجوب ذاتی‌یه لاحقه‌در زیرا صفاتنك حدوثی ذاتنك حدوثنه لازمدر ذات حق محل حوادث
دکلدر ایدی صفات حق قدیمه‌در و وجوب ذاتیله واجبه‌در و بونك اثباتنه دلیل اولدرکه
تحقیقات شانی ایکی احتمال اوزره اولدیغی ظاهر و نمایاندر ذات حق صفاتنك وجودندن
یانفس

یا نفسنده محتاجدر
ویا غیره محتاجدر اکر غیره محتاج ایسه
غیره تام الوجود اولمق لازم کلور زیرا غیر ایله کاملدر کمالی
اول غیرك وجودینه تعلق ایدر واول غیر هو یا واجب بنفسه
اولمقدرکه محالدر ویاخود متعلق الوجوددر شول ممکنك وجودینه که کمال وجودی
اولمقدیله اولمقدرسه ابدل هو لازم والا ما لا نهایه تسلسل لازم کلور ایکیسیده باطللردر
ابنك وجودیله اولدیکه حق تعالی غیره محتاج دکلدر ایدی کلام باقی قالدیکه اکر حق سبحانه وتعالی صفاتنك
ابدن ثابت اولدیکه ایجاد صفت هو بر صفتدر اولان قدیمه‌در یا محدثه‌در که
وجودینی کندی نفسنه محتاج اولورسه ایجاد صفتی هو بر صفتدر هکذا فاما تسلسل الامر او دوره کلاهما محالان
حق تعالی الی ایجاد ایدیک واول محدث هو بر صفتدر المسئلة الثالثة تحقیقا صفات الله
فثبت ان صفاته واجبة بوجوبه قدیمة بقدمه ذاتنك حدوثنه لازمدر ایدیك وصفاتنك وجودینك
ذات الله کبی کاملدر زیرا صفاتنك حدوث ذاتنك ... رزاق صفتی مرزوق وجودینی یقتضیدر جمله اسما
کمالی دکلدر الا صفاتنك یقتضالری ایله‌در بالفرق احدهمانك وجودی آخرك وجودینی اقتضا ایدر
وصفات نسبیه‌نك حکمی بویله‌در زیرا جمله‌سی حقك
واصلا خلاف یوقدر که جمله موجودات خلقیه علم الله‌ده موجوده‌در زیرا اثرلری علم الهیده‌در
معلومیدر الله جهلدن منزهدر ایدی جمله اسما وصفات کامله‌در زیرا الله‌دن غیرینك وجودی یوقدر
اسما وصفات بلکه ذات حق علم الله‌ده موجوددر
وقتاکه اسما وصفات ظاهره اولدیسه عالم ظاهر اولدی ایمدی سن صفات الله ایچون
نه قول ایله قائل اولورسن عالم ایچون دخی اول قول ایله قائل اول اکر دیلرسن دیرسین که
ذات صفاتنك عینیدر صادقسین العالم حق والحق عالم ولیس الحق بالعالم
ولیس

ولیس العالم بالحق واکر دیلیک
وبیسین العالم قدیم بهذا الاعتبار
واکر دیلرسن وبیسین العالم محدث باعتبار الحکم الذی
تقتضیه العالم لذاته وهذا آخر ما جری به القلم الاعلی بجریان املائنا
فی هذه الرسالة والله یقول الحق وهو یهدی السبیل تمت الترجمة بالترکیة
علی هذا المنوال بمن الله المتعال یوم الاثنین السابع عشر من شوال لسنة
ست وخمسین ومائة والف

الحمد لله رب العالمین
والصلاة علی حبیبه
سید الاولین
والآخرین
والسلام
م۹ ۱۱۹۹

مناجاة

الهی وسیدی ومولای انه لیس لی علیک حق فاطلبه منک ولک علی حق فلم استطع
کمال تأدیته الیک ولکنی أقف علی باب عزک وغناک وکرمک وامد کف الفقر
والفاقة لوسع عطائک ای کشاینده ابواب رحمت وای نماینده اسباب مغفرت
ای لطیف وخبیر وبصیر وسمیع اکر سراً واکر جهراً بزدن صدور ایدن هر قول وعمل
سکا پوشیده اولمیوب صدور ایده جک هر فعلمز دخی قبل الوقوع معلومکدر ولکن
ای کریم ستار چونکه سندن غیر رحیم وغفار یوقدر جبین معذرتی خاک عتبه رحمتکه
ایدوب نیاز ایدرز که جمله قبایح اعمال وفضایح افعالمزی ستار مغفرتکله پوشیده وقفل یأس
ایله

ایلیسنه اولادی
ابواب رجاء در انفتاح رحمتکلره مستحق
عیوب بوجود پرده جاه جنایات اولادی لاستبراء
شهواته ظلمات عوانیت قبیح عیوب پرده توفیق وعنایتکلر دست بیناجانمز
طوت نور هدایته ازواج بیور کریا حیا وباد رب استان اجی انکه نهیدیست
کلام مغفلسلر وکذالک ایله بخشیه الطفکله وضع جبین ایدن چونکه بر باعث که اخلاص اولیله اخبار اولمار
اخلاص ایله آفات ایله معروفه ضعفادر بکلک احتمال اولمار [illegible] یا رحیم ایدن رحمتکله مع المعصیة اولادی استبدادی
طاعات ایله اولادی استبدادی ارتقدر زیرا اعتماد وافتقاریمز محض فضل ورحمتکلدر یا عزیز ویا غنی یا واسع
ویاکریم یا ارحم الراحمین محض کرمکدن نیاز ایدرز که اول عنوان عهدنامه وفا میزبان جهانخانه صفا
چراغ ابلاغ انبیا شمع جمع اصفیا اریکه نشین شفاعت خاتمه نامه رسالت حبیب اکرم رحمت مجموع عالم
صلی الله علیه وسلم حرمتنه

ذکر ملاقاة حضرت مولوی علاء الدین
با حضرت شیخ عبد الکریم الکبیر
ومقالاتش کمافی الرشحات حضرموت در شیخ حضرتلری مبادی حالت
قدس سرهما مولدلری یمن شهرلرندن چند نفسکره حرمین مجاور اولوب
الکبیر
حقیقت بیوردیلر که شیخ عبد الکریم یمنی حضرتلرینک سیاحت ایلمشلر ایمش و بکرین سیاحت مولانا علاء الدین علیه الرحمه حضرتلری
اوائل طلبت اکثر دیار عجم و عربی سیاحت ایران و عرب و عجم ایلمش مولانا علاء الدین ولطائف نظرا استماعندن
اواخر عمرلرنده قبله مشایخ حرم و کعبه ایلمشلر ملازمت ایدوب و معارف شیخک کلام محبت نظامندن
مجاور بیت الحرام ایکن شیخ حضرتلرینه کمال رتبه مظهر اولمشلر ایمش و حضرت شیخک ظلم ندر
بهره ور و نظر عنایت کیمیا خاصیتلرینه بر کون شیخ بندن صوردیکه
بعضیسی بو در که ذکر اولنور مولوی حضرتلری دیرلر ایدیکه کوکلک حقی اکا جق بردر اکا حقدن غیری
دیدیکه شیئی غیر موضعنه وضع ایتمکدر بیوردیلرکه
قومق ظلمدر و بیوردیلرکه شیخ بندن صوردیکه ذکر نه نسنه در دیدمکه لا اله الا الله بیوردیلرکه
بو ذکردکلدر بو عبارتدر دیدمکه سز بیورک بیوردیلرکه ذکر اولدر که بیلمک قابل دکل
ایدیکن بیله سین وهم شیخ بیوردیلرکه روی در جهل میباید اوردیعنی جهل یوز طوتمق
کرک و نمازه شویله نیت کرکدرکه خدایرا میپرستمکه نمیدانم الله اکبر یعنی حق معرفتی ایله
بیلمدیکم حقه عبادت ایدرم الله اکبر دیو نیت ایتمک کرکدر مولوی حضرتلری بیوردیلرکه
برکون بکا بر حالت اولدی بی کیف وکم بر شهود الویردیکه او حالتی هیچ بر عبارت ایله تعبیر
ممکن

جهل
عار

ممکن دکلدر اندن تکاه
اول حالتدن عزیمت ایلدم شیخ حضرتلری بونی تفرس ایتمشلر مولانا سعد الدین
قدس سرهما بو حالتی بکا ظاهر اولدی بیوردیلرکه حضرت شیخ عبد الکبیر جهل متوجه اولمق
بیان ایدر هم بو حالتی بکا بیوردیلرکه حضرت شیخ عبد الکبیر ایدرلردیکه حرمین مجاور
سرک و دیدیکی بودر ومنه بعلوا حضرتلری وابن ایدرلردیکه عمرلرینک لحظه وار ایدی وزم
اولدیغم زمانده خانه کعبه یه بحکم علاقه و محبتم او مشیدلری و جمله عمرلری بر مقدار ایدی اجلدن بکا
بیت الحرام طواف ایدرکن بیت اسوب کعبه تیت او رتوسنی تحریک ایدوب دیوایدی منفعل اولوب
ایدرکن بو کیفیت حاصل اولدیکه یغلو اوروب بیهوش بیقلدم عقلم باشمه کلدکده نصکره سویلزدن
بو وضعیتده بر کیفیت حضورلرینه واروب کندی سرکذارلغمدن شکایت ایلدک ایسندیکمی سویلزدن
حضرت شیخه متوجه اولدم البیت یعنی ای عجم او ایله سنک نه ابتلاک وار مولانا علاء الدین ایدر
مقدم بیوردیلرکه یا عجم ایشیلک مع البیت همت طلب ایلدم ما تری فی البیت لهو غیر محدود
بن اغلیوب کوکلدن حضرت شیخدن طلب ایلدم موجود و مشهود بل کل ذلک هو
بل فی الجبال والجدار و فی السماء و فی الارض و فی الحجر و فی المدر موجود بمعنی الی علی وجه الحصر بتین کورز سین
هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو الله لا اله الا هو یعنی اول علی وجه الحصر موجود
اول غیر محدود در بلکه جبالده و جدارلر و سماء و ارضده و طاشده و کرپیچده موجود
ومشهود در بلکه انلرک کلیسی اودر یعنی کندیلکلریله یوقدر حقک قیومیتیله قائملردر
اول اودر اخر اودر ظاهر اودر باطن اودر و اول الله در که اندن غیری معبود
بالحق یوقدر مولوی حضرتلری دیرلر ایدیکم شیخ حضرتلری بو کلامی سویلدیکی زمانده
ذکر اولنان اشیادن هر برینه یکلریله اشارت ایدرلردی نظر ایدردم کعبه یوزندن
کوکلم

کوکلمه الان حقیقت
ذوق ظاهر اولوب
اول اشیادنده اول معنات هدت اولندر
جمله اشیاده تصرف والتفاتی سببیله جانیه علاقه‌م کاشفه حضرت بیورلمیه‌که
شیخ حضرتلرینک حسبیله قید جهتندن خلاص بولدم ذوق وذاتیه مظهر اولماشلر ایمش الا تجلی ایدرکن
برابر اولوب باطن زماننده کلنجه تجلی قید صورانک مشاهداتی مانع اولمیه
مولانا علاء الدین حضرتلری بومعامله مطلق مشاهدات ایلیه قید قطع برابر اوله
صاحبلرینک علامتی اولدرکه یرشیدن جمال ایله ذن ویجد ایله
وهیچ برشیئی کندینه نسبت ایدمیه بلکه انک یا نندن خورشید ایله قوله تعالی فاینما تولوا فثم وجه الله
نیه باقسه جمال یار کورن هجر ایچنده وصال یار کورن
تمت المقالات نقلا عن الرشحات
قدس الله اسرار صاحبها

سنه ۱۱۹۶ محرم

معرفة الله سعادتنه [illegible] وظیفت ایله حاصل
وصول قدرتنه بعیت ومذاکره سنده انسنده حاصل اولور
سیر وسلوکدر عوالمه [illegible] ومنازلدر جمله‌سی سلوکدن مراد اولان حقدر
اولمسی عوالم ومقامات ظهور ایدن تجلیاتی کورمکدر سلوکدن مراد حقی بیلکیدر بری انفس کتابیدر
[illegible] عوالمه ظهور ایدن برتبه‌سی دکلدر وآنک حق بیلکیدر آفاق مفصل کتابیدر
اولمه سی لازم اولان بو سرلرینک عالم بونک بالقوه در [illegible] حقیقت عینی ده دکل
مخلوق مخلوق اولور کوریکدر اوله سرلرینک آنک کوریبن حقیقت عینیله
بودر انفس مختصر کتابدر اولور بو ایکی آنک کورینی عینیله
بری آفاق دخی انفس بالفعل بو وجوددر کیم که بو ایکی آنک نتیجه‌لری بونک
اول سرلرینک عالم بونک آنک کورنمک کیبیدر مخلوق خالق اولماز نتیجه‌لری [illegible]
غیریت دکلدر سنک زیرا حادث قدیم اولماز مخلوق خالق اولماز [illegible] نعوذ بالله
حق کندیدر دیمک کفردر حق صاحب تکالیف شرعیه قالدرمشلردر نعوذ بالله
حق کندیدر مجازا وجود حق صاحب اولوب [illegible]
خطا ایدوب [illegible]

اولکی معبود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم افندمزک روح شریفلریدر
اول مخلوقدر [illegible] وجمیع [illegible]
ثانیسی صور انک نور [illegible]
اوصافی [illegible]
ثالثی معبود [illegible]
حضرت رسول اکرمک روح شریفلری [illegible]
[illegible]

تتمه ولدین

در استرسنك

بو آیتی بیلنك احتجابندن ولدین انی در دکرنه قلب

ناسوت در استرسنك عالم عظمت

طوعندن بدن الخلاق اولنور ملکوت اسمینه ایله استرسنك عالم تجلی جبروت سرای

انتی سنه نفس لاهوت جبروت عالم ملکوت تشبیه ایله یادت بهادت عالم اعلا عالم ملکدندر

اصل عالم ورندر عالم ارواح عالم غیب عالم لاهوت عالم الجیب دن عرش اعلا الجودر

عالم حقیقت عالم مثال عالم شهادت حیو تعبیر ایله عالم بیوك الجیب دن الجودر

عالم غیب الغیب ناسوت فراسی مرتبه سندر اوزنبك عالم اخشلیه وشش بننده اکرم

ملکوت شهادت علیه وشش در بوجمله یب منازل ومظاهر در لاهوت اسمه حبیب اکرم

بو فار وسیر خشکات علیه وشش در روح جبروت در لاهوت معلومدر واهل سلوکك

شتلان انك جسمی عالم ملکت در قلبی ملکوتندر مرتبه سر اولنور اهلنه

علیه السلام روح شر نفارت مرتبه سیدر بوبت عالم مرتبه صغر تجلی بودر فاهم

بو عالمدن بر عالمه انتقالی وعوالمك لطائفتروك فنز بیانی بو ورقه

اصل عالم در ... اولنور ...

آن که در آدم دمید او روح را

دمید فعل ماضیدر دمیدن اوفورمکدر که عرب اندن نفخ ایله تعبیر ایدر نتکم قرآنده کلور ونفخت فیه من روحی و نفخ حق تمثیل طریقیله در مقصود ما بینه وجودك مقارنتی ونفس معنوی رحمانی نك موجودات اثر ینك ظهوریدر که قدرتك مقدوره تعلقی ایله در اکرچه که کیفیت تعلقی هیچ برفرد بلمشدر و بونفخ بالذاتدر و مریمه رضی الله عنها نفخ وساطت جبرئیل ایله و بطن امده اولادجنینه نفخ غیر ملك وساطتیله در که جمله سندن مقصود صورتده اولان روحی اظهار در بو خصه خارجدن القا روح دکلدر و بو راسی غوامض اموردندر که بطریق الکشف اساس بلنور پس بوندن اخذ اولندیکه نافخ الله تعالی ومنفوخ روح ومنفوخ فیه آدمدر و بورا روحدن مراد روح انسانیدر که محل تعینی دماغدر اکرچه فی الحقیقه متحیز دکلدر بلکه بدنه تدبیر وتصرف طریقیله تعلق ایتمشدر انکچون صفتنده لاداخل ولاخارج دیرلر و بو روح منفوخك بر اثری واردر که اکا روح حیوانی دیرلر که مبدا حس وحرکتدر وانك منبع ومحل تعینی قلب وکبددر یعنی یورك وجکردر زیرا دم در که عروق وساطتیله جمیع اجزاء بدنه سار یدر اکر بو دمك مجاری اولمسه بدنده اثر حیات ظاهر اولمازدی ومفلوج اولنلر بونجارك انقطاعیله مفلوج اولورلر وسست قالورلر انکچون بو روح اولکی روحله جدار اسنده واسطه در نظیری غضروف دیدکلریدر که بعض عظام اوزرنده لحم ملایم کبی نسنه دروانی قده وسائط حق دخی بو یله در انبیا واولیا اکر اشته روح حیوانی روح انسانیه تابعدر و بو ایکیدن ماعدا نفس ناطقه جزئیه دخی واردر که نفس کلدن مستفاددر که علم وعقل وادراك بوندندر و بونلکله ارواح انسانیه اوج اولور معنای معراج بودر که حددن افزون حمد وثنا اول خدایه اولسونکه ابو البشر آدمه واولاد آدمه الی قیام الساعه نفخ روح الهی ایدوب انلره زندکی ومتحرك

ومتحرك قيلدى وبو معناى شريف مقابله سنده حمد كثيره سزاوار اولدى زيرا سر خلافت بوروحك
افاضه سنه منوط وظهور حقايق اسما بو نفس نفيسه مربوط در نتكم تنكير روح عظم شاننه دلالت ايدر
اكرچه في الحقيقه مراد روح معهوددر كه روح يائى در يعنى من روحى كلمه سنده ذات الهيه يه مضاف اولان
روحدر والا كاروح ديمك بدننك انكله حياتنه نسبتله در والا حق تعالى كروح اولمازپس بونك
مالى حيات حق اولور   عزيز شرح اسمعيل حقى قدس سره

ای عزیز معلوم اولسونکه

اهل تفسیر واهل حدیث اتفاق ایتمشلردر سموات سبعه‌نك

فوقنده قندیله عرش وکرسی تحتنده جنت خلق ایتمشلردرکه جنت عدن موضع رؤیت دار

فوقنده نور عرش ایله صودن سکز جنت [illegible] ارض وسما عرضی قدر عرض اولنوب طول جنان

۱ دار الجلال ۲ دار السلام ۳ مأوی ۴ خلد ۵ نعیم ۶ فردوس ۷ قرار ۸ عدن

اما جنانك عرضی اغرش سکز سوردر هر ایکی سورك بینی مسافه‌سی ارض وسما عرضی قدر درجه ایتمشلردر

واما جمیع درجات جنات التی بیك ایکی یوز التمش التی درجه ایتمشلردر

ایکی درجه‌نك بینی بش یوز ییللق مسافه ایتمشلردر

اما جنانك درجات قرآن ایاتی عددنجه اولمشدر وهر درجه‌یه حفاظ قرآن درجات جنانك

ایات جمیع قرآن اعدادنجه درجاته نائل اولمشدر م موفقنامه

چونکه اهل جنان حفظ ایات قرآن اعدادنجه اصل اولمشدر وحاکمی رب عظیم ملکدرکه

اعلاسی بولمشدر یعنی جنت عدنك اوسطنه واصل اولمشدر وجمیع جنانك خازن وحاکمی رضواندر

سقفی سما کاجنان عرش رحماندر

نفس نباتی
تغذیه ... تنمیه

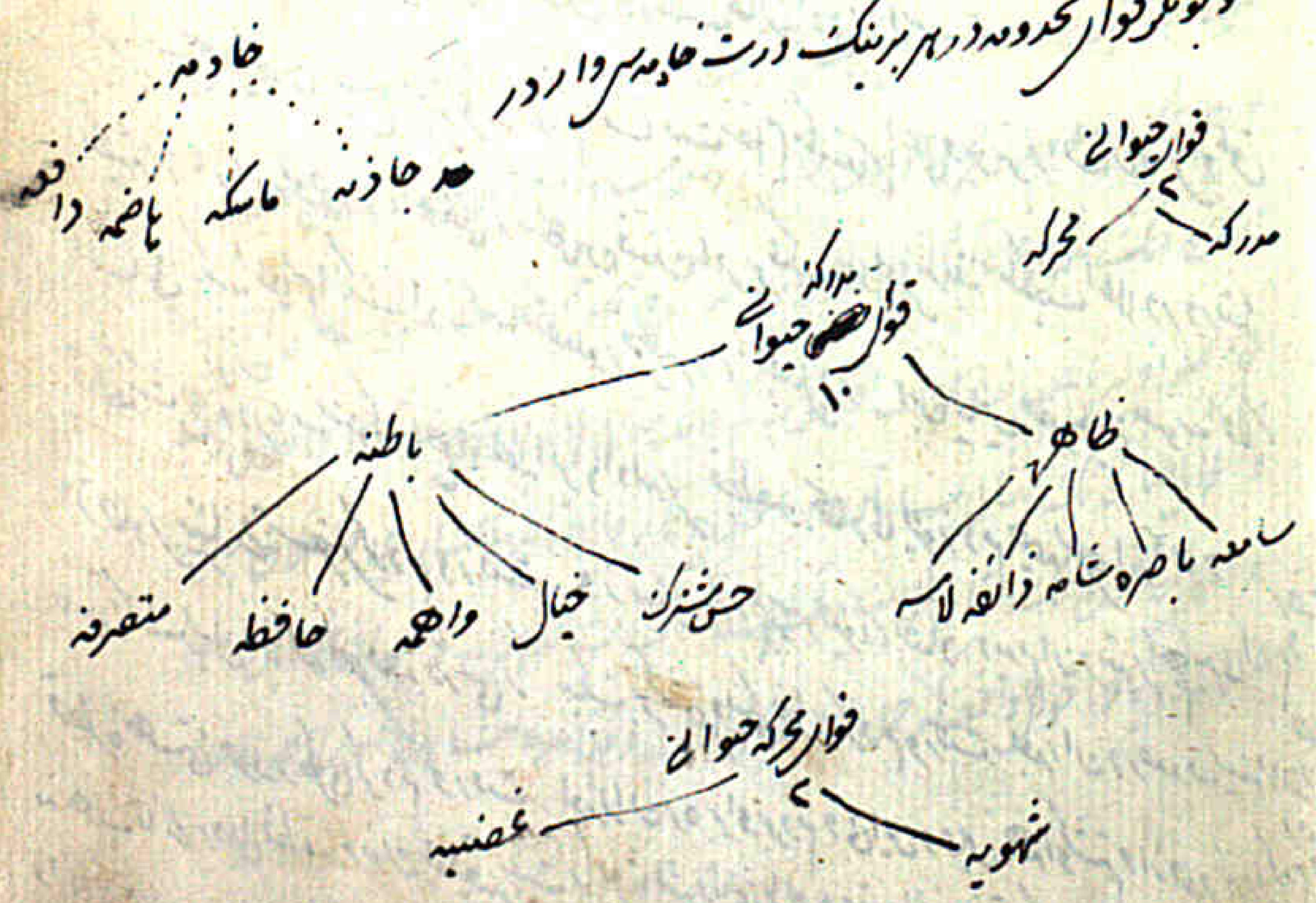
[illegible] بو نفس نباتی که جسم نامیدر ثابتدر عند الحکما صورت نوعیه سیدر وخواص و آثارینه مبدادر

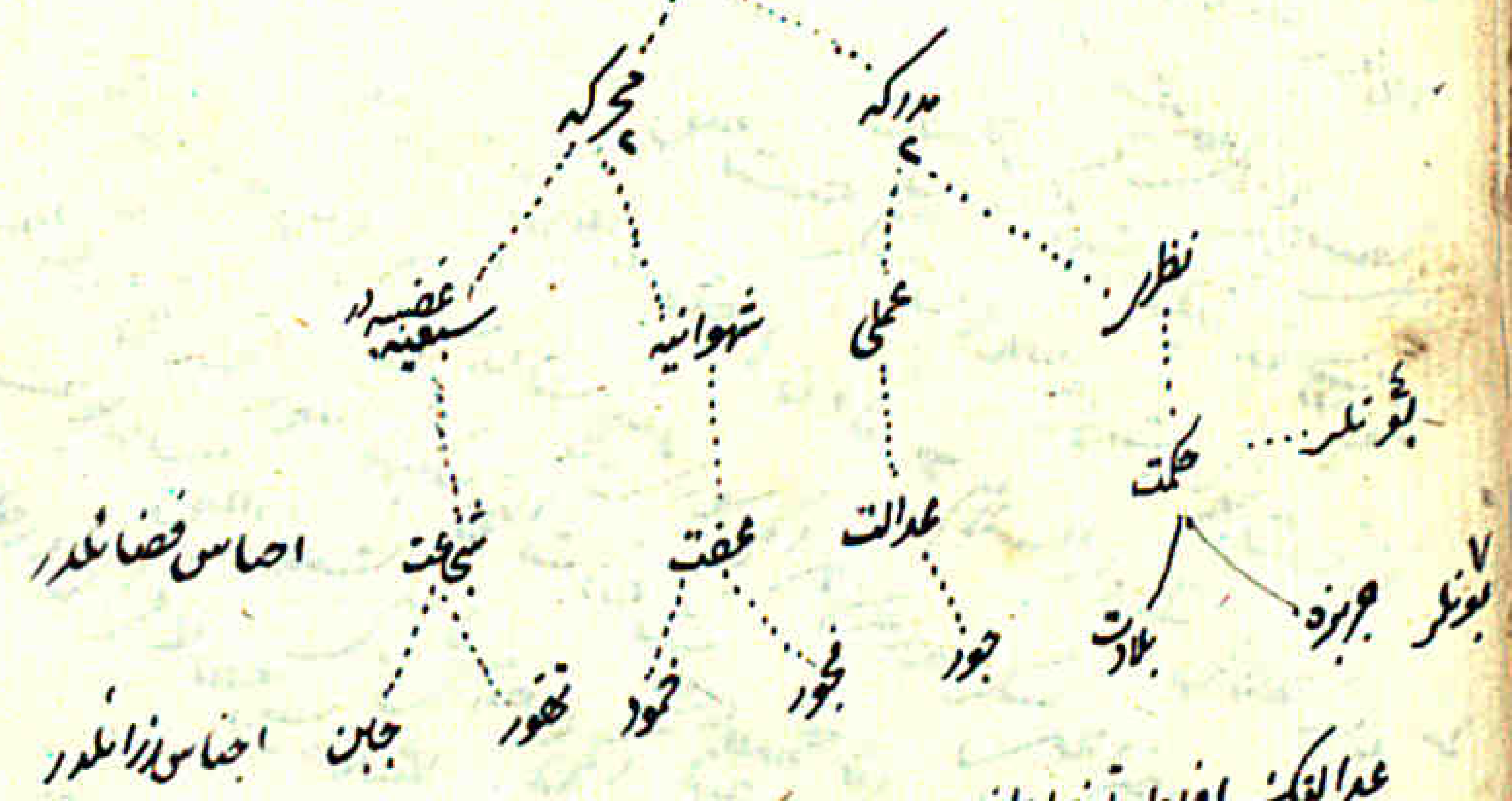
کذلک نفس حیوانی حیوانک خواص لازمه سنه حیوة کبی حس کبی حرکت بالاراده کبی بو نفس مبدا اوسیدر و حیوانک صورت نوعیه سیدر

وکذلک نفس انسانی که حیواناتدن انکله ممتاز و خواصی که تعقل کلیات و نطق و ضحک کبی جمله سنک مبدا و علتی بو نفسدر



و بونلر قوای مخدومه در هر برینک درت خادمه سی واردر

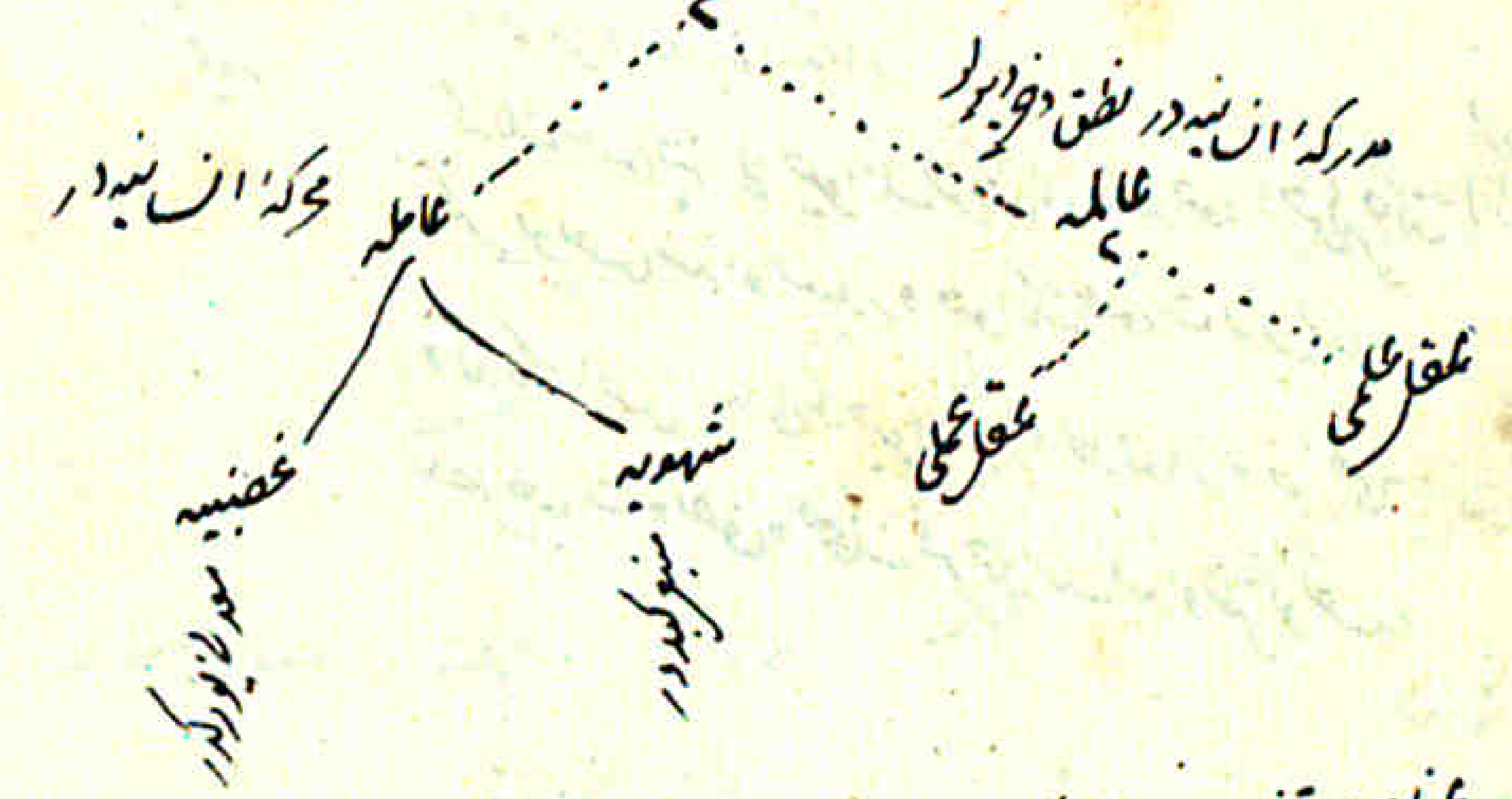




عدالتک افراط و تفریط طرفلری اولمیوب فقط جور ضدی اولدیغنه کوره احساس رذائل یدیدر لکن انکده ایکی طرفلری واردر طرف افراطی ظلم و طرف تفریطی انظلامدر دینلر احساس رذائلی سکز عد ایدیلر

تفریط	وسط	افراط
انظلام	عدالت	ظلم





عناصرده تفاوت یوقدر لکن امتزاج واختلاط حاصل اولدقده اعتداله اقرب اولانی اکمل اولور واشرف اولور وما دوننده افضل اولور زیرا اعتدال ارتوق اولدقجه مزاج وحدانی عارض اولوب صفت وحدتده بهره مند ومبدأ اوله جق ذکره یه انتسابی ومناسبتی زیاده اولور

بیت

کر آدمی صفتی از ملک کروبری که سجده کاه ملک خاک آدمی زاد هست

ارباب حقیقت تصریح ایدیلرکه مقام انسانیت مقام ملکیتدن اعلی وبرتر وانسان کامل اولمق ملکیتدن بازپسی موخردر وحکما ومتکلمین قتنده امر برعکسدر بعض رتبهٔ ملکیت اعلادر ورتبهٔ انسانیتک اعلاسی انک ادناسنه متصلدر وغیردن افضلدر ابن یمین حضرتلرینه منسوب اولان قطعه مشایخ وارباب سلوکه نافع اولمغله ایراد اولندی قطعه بجمادی چو زدم خیمه بصحرای وجود ازجمادی بنباتی سفری کردم ورفت وز نباتی کذرم بسیر حیوان افتاد دیدم ان مرتبه را هم سیری کردم ورفت بعد ازان در صدف سینهٔ انسان قطرهٔ هستی خود را کهری کردم ورفت بامِلائک پس ازان صومعهٔ قدسی را منبک برکشتم ونیکو نظری کردم ورفت بعد ازان ره براو بردم وبی این وعین همه او کشتم وازخود کذری کردم ورفت مذهب ثانی رجالی قطعهٔ مزبورده تغییر بیت رابع ثالث وثالثی رابع ومقام انسانیتی ملکیتدن مستفاد والکا تابع ایدر خلاصه خطاب لولاک ایله اساس مذهبلری مشیددر

بیت

اقبل علی النفس واستکمل فضائلها
فانت بالنفس لا بالجسم انسان

قطعه

ای ...

بو فقره شیخ سید علی بن میمون مغربیدن نقل اولندیکه دیرلرایمش جنت ایکیدر جنت معارف روحانی در جنت اعمال جسمانی در و عارف بو ایکیسنده جنت معارفه کیرمک جائزدر اما جنت اعمال الا کیرمز الا نشأهٔ اخرویه ده هم اخلاق علائیه

عالم مثال

اکابر اساطین حکما وافاضل مشایخ تصوف وبعض علما عالم مثال ایله مسمی بر عالم اثبات ایدوب ایدیلرکه عالم اجسام مادیه وعالم ارواح مجرده مابیننده برعالم واردرکه عالم اجسام کثیفه دن لطیف وعالم ارواح لطیفه دن کثیف قابل تجزی وانقسام اولمقده اجسامه مشارک وهیولی وصورتدن مجرد اولمقده عالم ارواحه مساویدر وهرشی که بو عالمده مقصوددر البته انک مثالی عالم مثالده موجوددر یا صورتده متحد اولمغله نته کم صوبک مثالی عالم مثالده صو اوله یا صورتده مخالف اولمغله نته کم علمک مثالی عالم مثالده سود اوله واخلاق رضیه واعمال صالحه نک مثالی بساتین وریاحین وثمار وانهار لذة للشاربین واخلاق ردیه واعمال فاسده نک مثالی ظلمات وغیاهب وحیات وعقارب وغساق وغسلین اولور وعالم رؤیا واحوال واقعه که جمله انام نعاس حالت ومنامده مشاهده ایدرلر بو عالمدر

وارباب

وارباب سلوک بو عالمی ایکی قسمه تقسیم ووجه حصری بو وجه اوزرینه تفهیم ایدیلرکه مثال بوندن خالی دکلدر
که تحقق وحصولی واهل تصفیه نک اکا اتصال ودخولی قوة خیاله موقوف ومحتاج اوله اکا مثال مقید
دیرلر یاخود الت خیال وقوة حس باطنک انک تحقق وتمثلنده مدخلی اولمیه اکا مثال مطلق
دیرلر وبعض اصفیا قوة ریاضت ومجاهده ایله بو عالمک ولایات واقالمنی دخول ومشاهده
ایتدوکنی حکایت ایدر ودیدیلرکه بو عالمده ایکی عظیم شهر واردر برینک ادی جابلسا وبرینک
ادی جابلقا در وبو شهرلرک خلایقنک شمارندن اعداد وارقام معزول وعجایب وغرائبی
خارج اطوار افهام وبیرون ادراک اوهام وعقولدر وارباب کشف وتصفیه بو عالمک
مشاهده عجایبنه مستعد واکثر کرامات وخوارق وتصرفات اولیا بو عالم اسرارندن مستمددر
واکابر ائمۀ دین رحمة الله علیهم اجمعین بو عالمک اثباتنه تلویح وبعض اسرارینه تصریح ایتدیلر
حتی اعلم الناس حضرت ابن عباسدن مرویدرکه بو عالمده غیری بر عالم واردر هر نسنه که بو عالمده
واردر انک نظیری انده حاصل حتی سنم کبی انده برابن عباس واردر وارباب کشف وتعرف
واصحاب صفوت تصوف ذاهب اولمشلردرکه برزخ عالمنده کرک بدندن مفارقتی
ایله قیامت کبرایه ینه ابدانه اعادهسی اراسیدر عالم مثالدن مستمددر چونکه نفس بدندن
مفارقت ایلیه نفسه اولان اکر ایمان ومعرفت وخلق حسن وعمل صالح انوار واضواء
ورياض وبساطين وحور وقصور وغلمان کانهم لؤلؤ منثور اولور هر عمل کندویه مناسب
صورتده ظاهر اولور وکذلک جهل وضلال واخلاق ردیئه واعمال قبیحه نیران وظلمات وعقارب
وحیات

وحیات صورتنده نمایان
اولور ونفس صالح جنات وماقبلهالی
کندو حاملدر ونفس طالحک نیران وحیات وعقارب
کندو حاصلدر غایته مالی الباب باوامرکه نفس بونلره درازی
کندوده حاصلدر علائق بدندن وصور محسوسات انلرک ادراکنه مانعدر رجوعی نفس بدندن بمفارقت
ج س ابحق و علائق بدنیه کندوده تکمیلی ومکنونی اولان ملکات وکیفیاتی فی الحال صور مناسبه ایله حس
ایدوب مانع ونفع اولوب کندوده مکنون یا محذورات استعمالی ایله بیهوش اولمش کمسنه نک قوینینک بعشقه
وبت بت ایلر وتمثیل ایلرکه مست مدهوش یا محذور اولمش اوله چونکه کیفیت بیهوشلق کبی وخفی
ایدوب مانع ونفع اولوب کندو ایلر ایله حبیب وامانی طوغلمش وصفا کاغن نازک اندامنی
وبت بت ایلر اولمش یا حیات وعقارب ایله معشوقه روا یجدی معطر مشام ا. کوزه کوره زیبا
وزیبا بس هم خوابه اولمش ومنعم اولان کورن معشوقه احاطه نقوبرد ابحاج وتبغی معذب
وحشی عودت ابدی سعید ومنعم کلام احاطه تقربدا اعلام تحریر ایدیم
اولوجهله سرور ولذت بولبیورکه نفاق نعوذ بالله تعالی شدت الآمدن گذشت در بست
ونیش عقرب خونخوار جاننه کار ایتمش باروکه بندتکه مرده یا بندت
نفس شیطان با تو وتو خفته ترسیم بامداد
بس احوال عالم مثالدر
جواهر اخلاق علائی

انسانك اوچ قوتی واردر
واول قوتلر شرف ونقصانات‌ده متفاوتدر
وانلرك بندر احدر ادنی سی قوه بهیمیه حد بهیمیدر که اکا نفس بهیمی دیرلر
متفاوتدر اوسطی قوه سبعیه ونفس سبعیدر واعلاسی قوه ملکیه ونفس ملکیدر وقوان
وحکما دیرلرکه بو نفسلرك بریسی قابلدر تادیبه
وادب دکلدر لکن قابل
واوسطی قوه سبعیه اماره ولوامه ومطمئنه ایله اشارت بیورلمشدر
ونفس بهیمیدر ونفس بهیمینك
واول نفس ملکیدر وبریسی حق اکرچه حد نفسنك صاحب ادبدر
واول نفس بهیمیدر ونفس سبعی خلقندن بعض کسر نفس بهیمیدر
مخلطات بونفسلرك ونفس ملکی صاحب ادب ونه قابل تادیبدر ونفس سبعی ایسه
تمثیل لطیف
حد نفسنك صاحب ادبدر واول نفس صاحب کماله مرکبیدر
وبریسی حق ونه حد نفسنك ناطقه نك طریق تحصیل
اندن زمام اختیار الندن
واول نفس سبعیدر زیرا نفس ناطقه بونکله مندفع اولور اوزره استعمال اولنورسه زمام اختیار
خلقندن بعض بقای بدندر زیرا بونکله ضرری اولان متوقع اولور
زیرا نفس بهیمی استیلاسندن متوقع در اگر منفصل عقل وشرعدن استخدام ایله بر مراد اولنور
کویا که بر فرشته و بر کلب و بر خنزیر اوچ بریکدر که ایت استخدام ایله
ماخلوقه ایله مناسبتی ایله وخنزیر وکلب ومعاذ الله خلاف و خسر اندر
عقل اندن در عقل حاکم اولوب وکلب وخنزیر فلنورسه معاذالله
زمام اختیار تسلیم وحکمی فلنورسه من اخلاق ملحصا
والا کلب وخنزیره تبعیت و زمام اختیار تسلیم
ملکی بیدا ادرکدر سبعی بیدا غضبدر منبع بورکدر بهیمی بیدا شهوتدر منبع کبددر

سوق شرف ودولتك سرورکاینات علیه افضل الصلوة دن تا مستقیم کلامدر
اوزره شرف ورتبه ده ارکان دولت ومنداین تبع بیم ایله ادویم ایلدی
که بیچوده وبیان ایلونده هودست
افضل الصلوة در رتبه ده هودست کبر وبیچوده کی ایکی تیر ازاریکه جانسوز ودلکاه
بیت ابها وه هودست کبر وبیچاره الا بهوش الانفعال آه وصد آه تماز اینجه مجلس مبارکه سنه ثوابی کاری
بواوزرك صعفوبندن اصغیا واتقیا صلی الله علیه وسلم ام التفات هول وخوفندن لوی وصراط
که یعقول اول فایدبکل اولان ارکسلرندان اشنیم اشك جاری اوله برکه کوی التفاتندن ابنیا
وما زاغ البصر تکلیله بکلی اولان بربلال نجه اوله بیت شوکونکه نفسی ایت دراحوال بستدن السنه یونن
مستقیم اسیری کوریدک حال بر بلالر نجه اوله بیت عابت صعوبنده اولدوغندن کتاب کریمك
احوال نفس مجرم عاصی نه اوله یا ومذهب حق وحاق وسط عابت بیورلمشدر وفاتحه
اشارتی ایله بیان بیورلمشدر
واحد من السیف
وصف صراط ادق من الشعر واحد من السیف بودر ایسه چوبایاراه نیکده ایم اهدنا الصراط
اهدنا الصراط المستقیم کلمه سی ایله اشارت بیورلان حق بودر چوبایا ره نشاه اخرتده ممدود اولان
زیرا محل طلب مؤمن بونشاه ده سلوك سبیل مستقیمدر علماً وعملاً ونشاه اخرتده ممدود اولان
صراطدن عبور بوکا لازم ومآل بلکه بوندن صورت ومثالدر زیرا اکابر اولیا وارباب ایدر
حکمانك اشارتلری جمله متفقدر که تفاصیل امور اخرت که مخبر صادق وعد ووعید ایله بشارت
وانذار بیورمشدر صور معارف واعمال واخلاقدر که نفس بو نشاه ده تحصیل واکتساب
نشاه اخرویده ظاهر اولور پس اخلاق واعمالده رعایت حد اعتدال مثالی صراط
در که مویدن باریك وتیغدن تیز ماتن جهنم اوزره ممدود اولمسه کرك که بواعتدالی نشاه دنیویه ده
رعایت
[illegible]

رعایت اتمش اوله ریح
عاصف وبرق خاطف مثالی
صراط مثالی اوزرندن عبور ایدوب جنات معارف
کمالات وریاض اعمال صالحانه که پاکلرک مقام وماوا ومطهرلرک
منزل [illegible] ومتواسی در واصل اولورلر که هیچ جای پاکانست انجا پاک می باید شدن
ورعایت واعتدالی ضعیف وفتور ایله خالی اولمیلر افنا وخیرا عبور ایدنلر وحد اعتدالدن تجاوز
وتعدی وافراط وتفریط سلوکنه تصدی ایدنلر بو صراط اخویدن عبور ایده میوب دوزخ وبال که محل اشرار در
سقوط ایتمیه‌رک وفیثاغورس حکیمدن منقولدر که هر ملکه که انسان الی کسب ایدر اکر خیر وکمال
ایسه بر ملک حدوثنه سبب اولور واکر شر وضلال ایسه بر شیطان وجودینه باعث اولور وهر بر
موطن اخرتده صاحبنه ملازم ومکاسبنه مصاحب دائم اوله‌رک وبو معنایه آیت کریمه‌ده
اشارت وارد اولمشدر که بعض له شیطانا فهو له قرین پس عاقل کورمک کرک که کندوسنه اعمال
واخلاق ردیه‌یه مصاحب کسب ایتمیه ونیجه مقارن تحصیل قیلمیه وفقنی الله وایاکم
بسلوک الطریق المستقیم وعصمنا عن الوقوع فی مهاوی تنذر بعذاب الیم

ورم اخلاق علائی

عادل ناطق خلیفه   عادل صامت درهم ودینار

انسان مدنی الطبعدر زیرا معاونت ومظاهرته بربرینه محتاجدر وحفظ عدالت ایچون
خلق اراسنده اوچ نسنه لازم بریسی ناموس ربانی وبریسی حاکم انسانی وبریسی دینار میزانیدر

انساندن تهذیب اولنه‌جق قوتلر قوهٔ شهوانیه وغضبیه ونظریه‌در
ابتدا ظاهر اولان شهوانیه ثانیا غضبیه ثالثا تمییز وادراکدر
بعده قوهٔ نظریه ونطق که انسان انکله انساندر امدی
طالب صحت روحانیه قوای ثلثه نفسانیه‌یی علی الترتیب ملاحظه
ایلیه یعنی اولا قوهٔ شهوانینک فضیلتنه که عفتدر ثانیا
قوهٔ غضبیه‌نک فضیلتنه که شجاعتدر ثالثا قوهٔ تمییز وادراک
فضیلتنه که حکمتدر نظر وتفقد ایده اکر حاصل وکامل ایسه ابقاسنه
اسبابنه واجرا اوله اکر حاصل دکل ایسه علی الترتیب تهذیبنه
سعی وکوشش کرکدر وبو معلوم اوله تایید الهی ایله مؤید اولان
انبیا علیهم السلام حضرتلرینک کمالاری فطریدر واولیاء الله دخی رسله
اتباع تام ایله تابع اولدقلری ایچون موفقلردر لکن ماعدا افراد انسانک
بر فردی دائما کسب وتعلمدن مستغنی اولمق یوقدر تهذیب اخلاقه سعی لابددر
علم منطق قوهٔ نطقی تهذیب وتصحیح ایدر دلائل یقینیه وظنیه تمییزینه قادر ایدر

بو علمه حکمت عملیه اطلاق اولنمشدر
که انسانک [illegible] کمالی مبیندر
ممکن اولدیغی قدر [illegible] ایتمکلکدر
نفس انسانینک اوچ قوتی واردر قوهٔ شهوانیه که
جلب منافع ایچوندر وبری قوهٔ غضبیه که دفع مضار
ایچوندر وبری قوهٔ نظریه که ادراک وتمییز
ایچوندر واوچ [illegible] بری سبب حد اعتدالدن
انحراف ایدر [illegible] کمیت بعضیده
ونقصانه جهتندن تفریط اولور
زیادته جهتندن افراط اولور
بحسب الکیفیه ردائت اولور واوچ
قوتدن بریر اوچ نوع وضدلری مرض اولور
امراض جسمانیه‌یه قیاسا سببی رفع وضدلریله علاج ممکندر

علاج علل جسمانیه درت نوعدر بری تناول غدا ایله وبری استعمال دوا ایله اوچنجیسی وزهر تناول

دردنجی قطع وکی در کذلک علاج امراض روحانیه‌ده درت نوعدر بری افعال حسنه استعمالی

ایکنجی نفسه لوم وتوبیخ اوچنجی ضدیله ازالهٔ رذیلت اشلمک ایله مثلا بخل متمکن اولسه اسراف اشلملکه کبی تجبیر

دردنجی ریاضات شاقه وعهد ونذر ایله در

نفسنی عجز وذلت وفقر وفنا ایله ملاحظه وتعریف
ایدن یعنی قدرت وعزت وغنا وبقا ایله توصیف ایدن
یعنی من عرف نفسه بالنقصان فقد عرف ربه بالکمال
سنت من عرف نفسه فقد عرف ربه

ع
شکلکه نداند ونداند که نداند

شجاعت قوت بدن وقدرت کشتی کرمکلکله دکلدر
وقت غضبده کام نفس وتوسن ضابط قدرتیدر
یعنی جهاد اکبر شجاعتدر که نفس ایله جهاددر
که افندیمز صلی الله علیه وسلم بعض غزوادن مدینهٔ منوره‌یه
رجوع بیوردقلرنده رجعنا من الجهاد الاصغر الی الجهاد الاکبر
واصحاب کرام مراد شریفلرین سؤال ایتدکلرنده تصریحا نفس ایله جهاد
جهاد اکبردر بیوردیلر وبعض عرفا دیدیلر که وقاتلوا الذین
یلونکم من الکفار آیت کریمه‌سنده نفس ایله جهاد ایتمکه
اشارت واردر سلطان روحه که مؤمندر اوزره اولان کافر
نفس اماره در وتا نفس اماره اکدرن مطمئنه لکه انتقال ایتمیه
الا مسلمانه اطلاق حقیقت مجاز وطریقت بلی جوازدر قطعه
اردل تو دمی همدم مسلمان نشدی وزکرده بیهوا پشیمان نشدی
قاضی وفقیه ومفتی ومولانا این جمله شدی ولی مسلمان نشدی

الشیء اذا تجاوز حده انقلب ضده

موتوا قبل ان تموتوا آیه عامل اولمق خلاصهٔ سلوکدر
شیخ نجم الدین کبری حضرتلری انکله عملی طریق شطاردر
وبیوب اوله اصله حصر قلوب بر رساله سنده
اول او اصلی بیان بیورمشلردر

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان اخوف ما اخاف علی امتی عمل قوم لوط

بعض سالکلر دیرلر که کاهی عشق مجازی منظرهٔ عشق علی التحقیق وصور حسنه که آلایش شهوتدن
پاک اولنه شهود جمال مطلقه طریق اولور ومشایخ اهل تصوفدن بوحال ایله موصوف
وبو شغل ایله معروف اولنلردن شیخ اوحد الدین کرمانی وشیخ عراقی در رضی الله عنهما ومولانا
عبد الرحمن جامی‌ده بر مقدار اوائل سلوکلرنده بو باده‌دن سرخوش وبو میخانه‌دن جرعه‌کش اولمشلر
لکن عاقبت بو حالدن تحاشی ایتمشلر ودیمشلردر رباعیه از لطف قد وصباحت خد چکنی
ور سلسلهٔ زلف محبت چکنی از هر طرفی جمال مطلق تابان ای بیخبر از حسن مقید چکنی
لکن بو طریق غایت صعب ودقیقدر سالک آلایش شهوت وصفات بشریتدن تمام پاک کرکدر

ادراوزیت ومعاد
علوم وعملیات نفعو ولطافت
وکسلدن [illegible] لوکان [illegible] اولدیلر [illegible]
والا [illegible] بعد الموت [illegible]
سبب [illegible]
وبر [illegible]

سقراط حکیمه نیچون دائما
مسرورسن دیو سؤال ایتدیلر
جواب ویردیکه هیچ نسنه‌یه تعلق خاطر ایتمزم
که فقدینه غم وبرلیشی مطلوب ایدنم که عدم حصولنه
غم وکدر ولدیو جواب ویردی والحاصل ماضی وحال
واستقباله تعلق قطعیله راحت بولنور

جمال المرء

جمال المرء فی طی لسانه
لا فی طیلسانه

حدیث شریفده وارد اولمشدرکه
ثلاث لا ینجو منهن احد الظن والطیره والحسد

قطعه

خواجه خلق ویتشن اوچ خصلت
بولدر اوراه نجاه ایدن احد
سوء ظن وانح نظیر یعنی فال بد ایکنجیسی اوچنجیسی حسد

ارباب سلوک مدار وصولی اشبو سنده یه حصر ایدوب بو بیت مشهوری جمع ایدیلر

بیت

جوع وصمت وسهر وعزلت وذکر مدام
ناتمامان جهان را بکند کار تمام

عمر بن عبد العزیز حضرتلرینه رضی الله عنه دنیا برکیمسه نه قدرده سؤال ایدیجک بیوردیلر
ان الله تعالی لا یطالب بما قضی وقدر وانما یطالب بما نهی وامر

علم ازلی احد طرفینه
تعلق ایدوب عبدک اختیار ایله
اول طرفی ایقاع ایده جکی علمه اول جانبه متعلق
اول طرفی ایقاع ایتدیکی علمه معلومه تابعدر معلوم علمه
تابع ولدو صحیحه وکلدر زیرا علم معلومه تابع وکلدر

معلوم اولدیکه علم الهی ازلی
عبدک قدرت اختیاری وفعلی بالاختیار تعلق ایدر
متعلق اولدقده متعلقاتی تقدیر ایدر عبادت ولیق
مخصوص نظر ایکن زیرا فعل عبد اضطراری وفعل عبد فعلیت مجبوریه
ومضطر اولوب لازم کلمز زیرا بالبدیهه معلومدر وشبهه بعد ومدرکه
فعل عبد اولوب ایله اولور ایکن باغنیت اولان ظاهر وارایدوکنه عقلاده وکلب صبیان وحجابی
بعده وجه ایدن اختیار ایله معلومی اولوب انکار ایدوب وکلادر ایچون عبد اولور
عمل ایدر وعلم ازلی احد طرفینه متعلق اولدو فعل اولوب ایله اختیار ایله
معلوم علمه تابع ... عبد ایکن اول جانبه متعلق اولدو وکلدر زیرا علم معلومه تابعدر
فعل عبد اختیار ایله اولور ایکن وکلادر زیرا علم اولور صورت اولدو کلکه علم ازلی ایقاع
بعده وجه اول جانبه متعلق اولدوقدن اول حالده اولان اختیار ایله
الوم ابد وعلم ازلی احد جانبه متعلق نقص الا وقار جبر ... اول حاله مکلف اول جانبه اختیار ایله
ایقاع ایتدیکی علمه نفس ایتدیکی منقص اولدو وعبدک ایتدکه انکار کمال جهل ونقصان جبلیدن
صورت وسبی بو وجه ایله ایقاع ایده جکیدن اولور ... علت ایتمک ... سبیل اولور
اورن اولدو صحیحه ولوار اولبو وجه اختیار ایله ایقاع ایده جکیدن علت
متعلق اولدو مکلف اول جانبه اختیار ایله الهی عصیانه کفی ... معلوم اولدیکه
ایتمه سر علم ازلی اول جانبه متعلق اولدو وعبدینه اولا سر علم الهی ایکن ذکر اولنمشدر
ناشی درنشه کمر ... خیام جوابنک خواجه نصیره منسوب ربا عبث جهل ازغایت جهلبود معلوم اولدیکه
این نکته نکوید آنکه او اهل بود علم ازلی علت عصیان کردن نزد عقلاء ... بنا اهله بو مقامه
بو ذکر اولنان تقریر علمای شریعت وائمه امتندر امامات شایخ متصوفه وحکمای اولسونکه
بر تقریر ده ایتدیرلر انی ... تقریر ایدرلر که سلوک ظلالندن نجات حاصل اوله اولا معلوم
حکما کتب حکمتده تقریر ایلدیلرکه بو معنی اختیار ایله فاعلیدر صادر اولور البته مبارکی
مرتبه سنه اولمغ گرک واول مبادی اکثر حکما فنندن درت دروحکیم اشراق
شهاب الدین سهروردی رضی الله عنه فنندن اوجدر
اول علم

اول علمه بغیت اول اوصافدر اولاجق
نصور اولنمق کرک تصدیق اتمک تخییلی وجهلی بو شوق و میل
فعله نه نسنه در بو وجهله وارادیدوکنه تصدیق غیر مطابق و تصدیق تخییلی باعث اولور بو شوق و میل بر فعلی تصور
فعله فائدهسی وار تصور غیر مذکوردر معلوم در نتیجه بکمسنه بر فعلی تصور فعلک
وهو اول فعلک فائدهسی حکمیدر که علمه ایدر بالوجدان الضروری معلوم در جنجیس اجماع و عزم در بغیر
کرکه تصور مطابق بغیر جانب فعله که علم ایدر بالوجدان اول فعلک وجود کلمز بر فعلی تصور و فائده
اولسون ایکنجیسی شوق و میلدر جانب مبادی اولمیوب اول فعلک نتیجه بکمسنه بر فعلی اشوقدن نصکره
علمک عدم ایدوکی و فعلک جانبنه شوق و میل واقع اولدقده ولیکن اولدر انکن و انحت ایدر اخر
علمک عدم ایدوکی اما فعلک جانبنه و بونک بر نسنه مانع اولوب نشوقک تا کلدکده علیه سیر در بو سبب
وفائدهسی نسنه تصدیق ایدر اولمقدر اولور لکن بر نسنه لازمدر بونک لزومی دلیله محتاج دکلدر
ایجادی جانبنه رأی جمع و عزمی شوق و میلدر اولور دیدیکلر بونک لزومی شوق و میل
تصدیق و انک ایجادی جانبنه اما اشراق ایدر بو اجماع و عزم و اعصابدر بونک شوق و میل حاصل و اول شوق و میل
براجماع و عزمدر لازم المثل در و تحریک عضلات تصدیق اولوب بو علمدن اخراج و ابدا اولمش اولا
دکلدر بو نزاع لفظیه قریبدر وفائدهسی نسنه تصدیق اولوب اول فعل خیر وجودا اخراج
پس فعل اختیاری اولدر که اولا تصور جزئی وفائده سی و اعضائله اول فعل معلوم اولمیه آلتیه شوق و ارادت
تحریک مرتبه سنه واصل اولوب اندن تحریک اعصاب و اعضائله اولمیه یا معلوم اولمیه ارتعاش بد
ونه فعلکه بو اسلوب اوزره اخذت باسانه اصلا علم اکا متعلق اولمیه یا مسبوق دکلدر حرکت مذکوره
اولمقله اولمیه اول فعل اضطراریدر حرکات جمادات کبی که اصلا علمله مسبوق دکلدر فعل اختیاری مبادی
کبرکه رضا تصوردر اولنسه شوق و ارادت سببی ایله واقع اولمش دکلدر چونکه شوق و میلدر اختیاری دکلدر
موقوف ابلرینه ممتنع ابلر ایله وجودی واجبدر و بو مبادی اولکه علم تابعیکه شوق و میل دوتیمکدر کذلک
بلکه بر فعله شعور و تصور و فائدهسنه تصدیق ایتمکه کسب و اختیار اولمز واندن فعله میل دوتیمکدر اولدی حکما و متصوفه
تجدد صنع و اختیار ایله دکلدر و میلدن صکره ارادت که احد طرفین ترجیحدر اول ذی حکما و متصوفه
قسمت بلاحرج ممکن دکلدر اندن صکره تحریک عضو خود ضروریدر پس فعل اختیار
بالحقیقه

بالحقیقه
اسباب موجبه و مبادیسی
مجبور اختیاریه به مستند در اکر دیر ایسک جواب و یریرز که
فعل بو تقدیرجه نتیجه اختیار اولور اولنلرده مثلا فعل اختیاری و لکن اختیار اختیاری دکلدر
اختیاری بو اسلوب اوزره واقع اولنلرده بسبب فعل اختیار و لکن اختیار مجبوردر
سکرچه از خیر فعلاو و ورا سست اندران اختیار مجبور
نه کم دیمشلر در بیت اختیار اندر اختیارش نیست اکر دیر ایسک که جوابنه بامور
کرچه بی اختیار کارش نیست اختیار حقیقتده جبر محضه راجع و اجبار محضه
اختیاردن مضطر و مجبور اوله بس بو اختیار عقلا نسخیس و شرعا غیر واقعدر
مبنی اولان امر و نهیه بالقدر مجبور محضه اجر و ثواب و بردیلکه مؤمن مطیعک
برابدیرز که مشایخ متصوفه بو اشکال صعبه بو بله جواب و یردیلکه نصکره شوق و ارادت
قلبنه حق جل و علا فعل خیر و ایجاد ارجا بنه علم و شعور و یردکده قلبنه بو شوق و ارادتی
برقدر که خیر تحصیل و اجره اشتمال ایلدی و کافر و فاسقک قلبنه بو شوق و ارادتی
برقدری لابد تحصیل خیر و اشتمال اجر ایتمدی زیرا اولکی نک ماهیتینک مقتضاسی
بو ایدی و استعدادی اکا ایدی تا نیک مقتضاسی ماهیت و موجب استعدادی
بو ایدی و ماهیات غیر مجعول و استعدادات غیر مخلوقدر مثنوی
بوایدی و ماهیات غیر مجعول سر بسر مقتضای ذات است
هرچه ظاهر ز جمله اعیان است ویرسه حکمتله اولمیه ظلام
مقتضاسینی ذاته اول علام
اول سببدندر که روز حشر و فردای قیامتده بر قدر جمله عالم و عامی و مطیع
و عاصی اولنلره ظاهر و منکشف اولیجق اشقیا جمله کندولرینی لوم و ملامت
ایدرلر

انا کنا ظالمین
وسوء فعلی نفسنه الحاق ایدوب ربنا
ایدوب ظلمنا انفسنا و دنیاده ملحد اولدیلر که کبر بزم
دیدیلر و تقبیح کار و معاصی ایتمشدر تقدیرک تغییره قادر دکلز بزه عذاب و عقاب
معلوم اولدیکه فعل اختیاری حقیقت اختیار دکل
دیدیلر چونکه تقدیر ایتمشدر لویسر تقالیب دست وجوکان تقدیره کوی و کوشش کرد اندر
صورتده ابدا جبر ایله چونکه تقدیر اولنمشدر لازمدر که هر آن و ساعت کندر
اینمک روا دکلدر دیمیه لر چونکه تقالیب راجع و ان پس مؤمنه
وانک حقیقتی اضطرار راجع ایتمک لیک در اختیار مجبورات اثبات و حصر ایلیه
بیت گرچه تو زاختیار ما سوای جمله حول و قوتی حق جل و علایه قالبی زاختیار خود عاری
حول و قوتی اسقاط و نفی ایدوب خویش را در مجاری افعال اللهم لا تکلنی الی نفسی طرفة العین ولا اقل من ذلک
بین درین کارگاه وهم و خیال ول ان حال و قالی ایله تضرع و خذلاندن که عدم توفیق و مجیدی کندی حول و قوت
کشته افعال حق برو جاری و خیر و طاعت صادر اولسه یارب
چونکه حق جل و علانک توفیق و امداد طاعت تعوذ ایلیه نظم
~~دخی موسنه تعویق~~ مو بموسنه تعویق ایتمکدر تمنا و تطلب مزید ایلیه
~~از من الشکر دام نعماکم~~ چونکه شکر و ثنا ایدوب
محضا سنک امداد و توفیقکدر کنج خواهی مده ز دست کلید
شکر باشد کلید کنج مزید اگر معصیت صادر اولسه ملحد و کبر
از من الشکر دام نعماوه و من الشکر عجم الآوه
سنک تقدیرک بویله ایمش بنم نه گناهم وار دیمیه مثنوی جرم و عصیانی بسوء خویش افکن
سر شرمندکی بپیش افکن معذرت پیشه گیر و استغفار عجز و فقر و شکستکی پیش آر
کای خدا بنده گنهکارم گرد خود کوه‌ها کنه دارم نیست غیر از تو عذر خواه تو کس
عذر من عفو کوه کاه تو بس
بلکه

٥٦
بلکه کندی نفسن
تشنیع ایلیوب تعیب و تقصیر نفس ایدوب
تقصیر ایله معیوب و تقصیر نفسن اولدر
منسوب قلمه ادب عبودیت لودر تقصیر نفس اله مقیم
حافظ شیرازی دیمشدر بیت گناه اگر چه نبود اختیار ما حافظ
تو در طریق ادب باش و گو گناه منست بعض اهل عرفان بیوردیلر که
ان الامر ذم و حمد و کفا و قایه فی الذم و اجعلوه و قایتکم فی المدح تا مستوجب مدح و تحسین اولالر
بعض عبد مکلفک حالی اکیدر حالی دکلدر یا خیر و طاعته مظهر اولور
یا شر و معصیته مصدر اولور اکر مصدر اولوب مستحق ذم و نفرین اولدیسه ادب بو در که لایق عبد بر ایدر اولدرکه مصدر معاصی
و شر اولدقده حق جل و علایه وقایه بعض نفس ایدوب اولوب حق جل و علا جانبنه تیر ذم و ملام
جمله لوم و ملامتی کندویه ایقاع و تصریع وندامت ایدوب سزای تقصیره ارجاع ایلیه
کرچه در کیش صاحب تفرید آن تقاضا همی کند توحید که همه فعلها بحضرت بحق عجب است
بی وسائط بحق بود منسوب لیک از انجا که شیوه ادب است نسبت فعل شر بخق
و اکر توفیق حق جل و علا سببی ایله مظهر طاعات و حسنات اولدیسه بوراده حق جل و علایه نفسنه
وقایه و سپر ایدوب جمیع مدح و ستایشی اول جانب فیض مآبه حصر و اسناد ایدوب نفسی
استحقاق مدح و ثنادن تنزیه و ابعاد ایلیه که ادب عبودیت ایله متحلی و عجب و رعونتدن
متخلی اولا جمله انبیا و اصفیا که پیشگاه قبول و اصطفاده مقبولدر بو حلیه ایله متحلی
و بو ادب ایله متودبلردر نتکم سرور بارگاه اجتبا حضرت محمد مصطفی صلی الله
علیه وسلم بیوردرکه ادبنی ربی فاحسن تادیبی
و ادبندرکه

سکه حقی جلیل

واو ریدنده ابن الفهیم جلیلدر حکایت

مکلمتنز بلدی والذی هو یطعمنی والذی

بیوردرکه الذی خلقنی فهو یهدین والذی یمیتنی ثم یحیین اشبه والمم در

ویسقین واذا مرضت فهو یشفین و یشفین ایمدی سقیم و مرض که ظاهر جمله خوص جل و علا به

اطمع ان یغفر لی یوم الدین زیرا والذی یمرضنی اکتفا ایلدی شفا بیکره جبر و نعم در رعایتنده اشارت واقع اولمشدر

حقه مضاف ایتمیوب نفسنه اضافتله که مظهر بنی دور ادبک رعایتنده اولن انعام حق

اسناد ایندی وفاتحه فاتحه کلام الکتاب وخیر الخطاب در بو ادبک اهل سعادت و هدایته

که صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین بیوربلوب اولان غضب واضلال حق جل و علا به

جل و علا به نسبت صریح اولنوب انعمت علیهم بیورلدی اهل شقاوت وضلالته اکثر لطائف کلام الله بو اشارات

نسبت اولنمیوب غیر الذین غضبت ولا من اضللتهم و بیلمدی سبحان الله اولی الالباب دربو سببدندر که

لطفه و نکات شریفه دن عرض بیان آداب و تادیب و تهذیب ایها الاصحاب

بعض محکم ارباب طریقته بیوردیلر که التصوف ادب کله ادبوالنفس مثنوی

طریق العشق کلها اداب مایه دولت ابد ادبست پایه رفعت خرد ادبست

پس بو تفصیل و تطویلدن حاصل اولدیکه اهل جبر بلی جبر ولی جبر طریقه سنه سلوک و سیر ایدوب

شیطاننک نه صوچی وار چون یعنی وار دلر مقدر و ترک طاعات و کسب سیئات ایدنه

نه محل لوم در چون افعال عباد خیر و شر علم ازلیده ثابت و مقرر و لوح محفوظده که با علم شامل

مبادی عالیه یه اشارت یا ظاهر اخبار وارد اولدوغی کبی بر لوح عظیم که جمله حوادث و کوائنلر

رقیم اولمشدر اولا اندن عبارتدر مکتوب و مسطردر دیوب بو کلامی ترک طاعت و کسب معصیت

ایتمکه سبب و معذرت ایلین ملحد و مخذولدر اگر معتقد ضلال

محضا

وزاید اخلاق علائی

مخصا عوض زواید

ودرک حقایق و دعوی سی

ایدوب تقوه و تکلم ایدرسه مرتکب

مالایعنی و صاحب بدعت و فضول در اگر ناگاه

نسب تشبیه ایدوب تمثیل و تفصیه خاطرینه زنبور جفا اوتمش اولور ایسه

ترک ایتدوکمز جواب شافی و خطاب وافی ایله قناعت و دفع شبهه رفع شناعت

ایده مدوکی بر ادر تسلیم و اطاعت قبلیسون والله الهادی

بیوردیلرکه ثلث مهلکات شح مطاع وهوی متبع واعجاب المرء بنفسه

ایلسونز وا وراک ایده مدوکی

صلف کذب ایله تمجید اروکیبدر

اولان قادر اولوب ایتمکدر

صلف کذب ایله تمجید مناسب بولنمازسه یاروت یوزیدن مناسب اولان

بخل نجاتنده در بخل اولدرکه شرعا واجب یاقوت یوزیدن مناسب صدقه ایدوجک دیمکلرکه

عزیزلردن برسنه التمش بیک درهم واصل اولوب جمله سی صدقه ایدوب دینلره دیمکله لا بلکه جمله سی الله تعالی

بر مقدارن اولادوکره زخیره ایلسک اولمز می ایدی

قسمتن نفسمه زخیره والله تعالی حضرتن اولادمه زخیره قیلورن

م اخلاق

[illegible]

بیت

اذا کنت من بغداد فی رأس فرسخ ... اتتک نسیم الجود من آل برمک

هر اسخیا

جعفر بن یحیی برمکی و یحیی بن خالد برمکی و فضل بن یحیی برمکی و عبد الحمید بن سعد که امیر مصر ایدی

و معن شیبانی مشاهیر اسخیادندر بیت ایا جود معن ناج معنا بحاجتی

فمالی الی معن سواک شفیع

در کوب الستینه هر مرکوب اولمق شاننده اولنی ویرن معندر

اسمعیل بن عباد خی معنه تقلید ایدوب هر ملبوس اولمق شاننده اولنی ویردی

امرای مروانیه‌دن سعید بن خالد خی اسخیادندر

قاضی محسن تنوخی المستجاد من فعلات الاجواد ادلو کتابنده بر مقدار مناقب اسخیا تحریر در

موصلده اتابکلر وزیری جمال الدین اصفهانی که وزیر جواد ملقبدر احصی به گرمه‌ندر

کتوروب حوضلر بنا ایلدی و جوانب کعبه‌یی نقش و زینت ایتدردی و عرفاته صولر

لایحصی در مدینه منوره‌ده بنا ایتدیکی رباطده دفن اولندی و فقراء مدینه‌یه آثار خیر و فقراره برنجی

مرسل ایدی اسخیادندن بری دخی عمید الدین اسعد درکه اتابک سعد بن زنگی سلغری تک وزیری ایدی

و پادشاه پارس ابو بکر بن سعد بن زنگی دخی افاضل ملوک و اسخیای سلاطیندن ایدی بر کیجه ظهیر

فاریابی خدمتنه بوربا عی بدیهه انشاد ایلدی رباعی ای شاه جهان جهان فدای سر تو سر بست زمانه را بجای سر تو

با دشمن تو نیام شمشیر تو گفت سر دل من بادفدای سر تو بیک دینار ویردی پس ظهیر بو رباعی‌یی

دخی انشاد ایتدی در عقب رباعی در عهد تو رافضی و سنی با هم کردند موافقت که بو بکر حق است

شاها ز تو کار ملک و دین در نسق است و ز تیغ تو کار ظلم و فتنه زهق است

بیک دینار دخی عطا قیلدی فی الحال

انه بیوردیلر صلی الله علیه

وسلم بیوردیلر ان اخوف ما اخاف علیکم الشرک الاصغر یا رسول الله شرک اصغر بودر

قالوا و ما الشرک الاصغر الدنیا یا رسول الله صفتنده حق جل و علایه شرک اثبات ایتمکدر

ایا شرک اکبر نعوذ بالله الوهیت صفتنده صفتیدر که وجود کندیدن اولوب غیریدن

ابدی شرک اکبر نعوذ بالله راجعدر بیسر واجب الوجودلق صفتیدر که وجود حقه مخصوص و اندن غیری

وصفت اوچ صفته راجعدر بیسر واجب الوجودلق اتفاق عقلا ایله ذوات حقه مخصوص اثبات ایتمشدر

وصفت اوچ صفته راجعدر انفکاکی محال و انفرادی بو صفتده شریک اثبات معتدیه عقلاده

اولمیوب دائما وجوده انفکاکی محال و لغوندر کمسنه بو صفتده و اندن غیری مخصوصدر و اهرمن

شرکتی ممتنعدر و ثنویه و مجوسدن ظاهر ایدر که برزق بلعوته حق جل و علایه مخصوصدر و انده یزدان و اهرمن

ایکنجی خالقیت اجسام و جواهردر و بو صفتده حق جل و علا عالمه خالق ایکیدر یزدان و عقل اول

کمسنه شریک اثبات ایتمشدر مگر که ثنویه و مجوس که خالق عالم ایکیدر یزدان و عقل اول

یا نور و ظلمتدر دیرلر و بعض طاهر لوندن فلاسفه که حق جل و علا عقل اولی خلق ایتمشدر و عقل

ایکی نسنه ایجاد ایتمشدر عقل ثانی و بر فلک و علی هذا القیاس هر عقلدن بر عقل

و بر فلک صادر اولمشدر تا عقل عاشره وارنجه که اندن عقل و فلک صادر اولمشدر

بلکه اندن عناصر اربعه صادر اولمشدر و علی الدوام فعل ده در اشخاص مرکبات عالم و عناصر

و صور و اعراض و نفوس بشریه اندن صادر اولمقده در انلر کیم اکا عقل فعال دیرلر هیولی و اهب

اولمشلردر بو طائفه دخی فی الحقیقه موحد دکللردر اما محققون فلاسفه جمله اشیا حق جل و علادن

بالذات صادر و انلر آلات و معدات منزله‌سنده در دیرلر و انلر مشرک دکللر بلکه موحدلردر

و کذلک طائفه معتزله که افعال عباده عباد خلق ایلر دیرلر اگرچه بدعت و ضلالدر و لکن

کفر و شرک دکلدر زیرا خالقیت جواهر و اجسام حقه مخصوصدر دیرلر اوچنجی صفت الوهیت

معبود

معبود بالحق و سزاوار پرستش
وعبادت اولنمقدر حقه مخصوصدر
اندن غیریه اکر ملک اکر کوکب و فلک و اکر نبی و ولی هر نه ایسه
عبادت ایتمک باطلدر وقضی ربک ان لا تعبدوا الا ایاه بو صفتده توحید
ایدنلره حنیفیون دیرلر که ملت ابراهیم حنیفا وما کان من المشرکین اکا اشارتدر و غالب دعوت انبیا
بو توحیده در و بونک مخالف اولان عبده اوثان و عباد آفتاب و آتش و نحو ذلکدر که اکرچه وجوب وجود
و خالقیت اجسام و جواهر حقه مخصوص ایدوکن اثبات ایدرلر لکن بعض اشخاصه و اصنامه شفعائنا عند الله دیو بو صفتده توحید ایتممک شرک اکبردر
یا اخود تأویل باطل ایله عبادت ایدرلر پس بونلر دخی مشرکلردر و بو اوج
اما بو توحیدی ایتدکدنصکره اضلال شیطانه اتباع ایدوب بعض طاعات و عباداتنده محض رضای حقدن
غیر غرض اخره ملاحظه ایتمک شرک اصغردر و بر معصیتدر که لسان معجز بیان محمدی صلی الله علیه وسلم
صیغهٔ اخوف ما اخاف ایله بیورمشلردر غایت قبیح اولوب امتنده شایع اوله جغی نور نبوتله معلوم
اولدوغیدر و بو فقیره واصل اولان روایاتده اول صیغه ایله اوج معصیته بیورمشلردر بری ریادر که
هنوز ذکر اولندی و بربیری دخی لواطه در و بری منافقت دنیادر که اوچی اقبح اشیادر
بیت زبان معجز احمد جنابی بود که هر چیزی که میگفت الجنان
و امتنده مشهور و شایعدر سبحان الله

عزم اخلاق علائی

رباعی

تا دل ز بد و نیک جهان آگاه است
دستش ز همه کار جهان کوتاه است
آن دل که درو بود هزار اندیشه
اکنون همه لا اله الا الله است

حیوانلرک غداسی بسیطدر
مثلا سباع کوشت خام و بهایم کیاه خشک
و امثاله تغذی ایدرلر انسان ایسه الطف اولمغله لطیفک
غداسی لطیف و تلطیف استر جمع و ترکیب و طبخ و ترتیب لازمدر
بالضرورت مدنی بالطبعدر بری برینه معاونت و اعانته محتاجدر

وقوف عددی اول سبق علم لدنیدر — دوام وضوء

وقوف قلبی — صبحدن مقدم و اخشامدن صکره سبق باطنه اشتغال

اوقات شریفه ده نافله نماز

گر با همه نشینم با همه بی همه‌ام
ور بی همه بنشینم با همه‌ام

اویقویه یتدقده اوقیه

اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک وفوضت امری الیک والجأت
ظهری الیک رغبةً ورهبةً الیک لا ملجأ ولا منجا منک الا الیک امنت بکتابک
الذی انزلت وبنبیک الذی ارسلت اللهم ایقظنی فی احب الساعات الیک
واشغلنی فی احب الاعمال الیک التی تقربنی الیک زلفا وتبعدنی من سخطک بعدا
اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تولنی غیرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین م

حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره بیوردیلرکه بو ایکی بیت تعویذ یازلسه خسته شفا بولور

تا روی ترا بدیدم ای شمع طراز — نی کار کنم نه روزه دارم نه نماز
چون با تو بوم مجاز من جمله نماز — ور بی تو بوم نماز من جمله مجاز

وقوف قلبی

محبادانک ذکرلریکه جمله معاملاتده دوام اوزره ساکت اولسه دخی قلبی ذاکر اولوب طرفة العین حقدن
غافل اولمامقدر و بلکه ذکرینی حالی اجنبی ذکرلکدر نفسی بیوردیلرکه حقیقت ذکر غفلت اولمامقدر
کبار بیوردیلردر من تمحض محبته عن الله طرفة عین لا یصل الیه طول عمره — والحاصل ظاهری خلقله باطنی حقله اولمق

خواجه علی رامیتنی قدس سره العزیز بیوردیلرکه اگر اوچ قلب جمع اوله بندهٔ مؤمنک کاری
تمام اولور — قلب لیل — وقلب قرآن که یس در — وقلب بندهٔ مؤمن
ثلث اخیر

درویش گرکدر بلند همت اوله الله عظیم الشاندن غیری یه التفات ایتمیه و دوشنن کوردیکی
اشیایه مغرور اولمیه زیرا قبول طاعتده غیری یه التفات نفسی تعبیری دلالت یوقدر

چو غلام آفتابم همه ز آفتاب گویم — نه شبم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم

ما ذات نهاده در صفاتیم همه — موصوف صفة سخره ذاتیم همه
تا در صفتیم جمله ماتیم همه — چون رفت صفت عین حیاتیم همه

بو سوز حکیم غزنوی خواجه سنائینکدر هرکس برکونه معنی ویرمشدر
سن بنده دیرسن فقیر دیر که بو تجلی ذاتی یه اشارتدر ونفخت
فیه من روحی آیت شریفه سر تجلی ذاتی بیانیندر — مترجمه السیه

ظاهر و باطن تمام اولماز
فقر سنکله
ذکر
سنت طبیعته مخالفدر
حقیقت متابعت

[illegible]
[illegible]

فضلیه الحقیقة ترک ملاحظة العمل لا ترک العمل بعر مجرد فضل حقه اتنمای محملرا رها مکن لیکن کرا بنها مکن

بیورلمشدرکه محبت قدیمهٔ ذاتیه حقیقت محمدیه یی جاذبدر بالخاصه مقناطیس آهنی جذب ایلدیکی کبی وانهده جذب سرایت ایدوب و بلم جوا آهندن آهنه دخی سرایت ایله آهن اول قوة ایله منفعل اولدیغی کبی جذبهٔ حب ذاتی حقیقت محمدیه یی جذب ایتدکن صفت جذبه حقیقت محمدیه یه نقل ایلیوب ارواح اصحابه دخی تابعین ومشایخ وعلمایه بحسب استعدادهم وقابلیاتهم جذب ایلیوب قرناً بعد قرن بطناً بعد بطن انتقال وظهور ایله سلسلهٔ دیندر وحرادر منتظم اولمشدر وبو معنی کمال اتباع رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اثریدر

~~بو دنیایی برکوک قبه خیال~~

اسمعیل آتا مریدینه ایرکه بو دنیایی برکوک جبه خیال ایله سنکله حقدن غیری موجود یوق بیل واولقدر ذکرالله ایله مشغول اول که سندن فانی اولوب حقدن غیری قالمیه بیوردی عبیدالله احرار حضرتلری دخی بو نصیحتی بیورمشلردر

حقیقة الذکر طرد الغفلة بیورلمشدر

طریق شطار مستعدلری موت ارادی ایله وانوار محبت فروزان ایدی احوال ایله تربیه کرک

طریق ابرار مستعدلری ذکر بهشت ودوزخ ومداومت اعمال صالحه وعبادات مختاره ومأثوره به ترغیب ایله تربیه کرک

قول فعله موافق کرک زیرا دینلمشدرکه من لم ینفعک لحظه لم ینفعک لفظه

[illegible]

عبیدالله احرار

لازمدرکه اذا وجفایه صبر وتحمل ایلیه منزعج ومتحرک اولمیه ونظر دلی مبدائه اوله اذا وجفا ایلین آدمی ضرب مشابه سنده بیلوب معذور بیله وسالکه نسبت واسناد ایتدکلری فعل شنیع اکر موجب قتل دخی ایسه برمحوار قلاتر کوا انفسکم نفسی اول فعلدن تنزیه ایچ بیلمز اول فعل صادر اولوردی دیو اعدایی تکذیب صددنده اولمیوب صبر وتحمل وسکوت ایلیه

حضرت شاه نقشبند ... خصوص ایرانده حضرت شیخ ... سؤال اولندقده بیوردیلرکه ... هر ... کلمه لا الهی کرده ایم

تجلیات ایسمائیه وصفاتیه در ... تجلیات رحمانیه ... تجلیات شیطانیه ... [illegible]

عبیدالله احرار حضرتلری

بیوردیلرکه اکر یوز آدم برخصوصدن متوجه اولسه لر ایچلرندن برینک باطنی نقوشی کونیه یه کرفتار ایسه تفرقه سی جمله یه سرایت ایدوب موجب نقصان جمعیت خاطر اولور پس اهل خلاف جنسدن اجتناب شرط اعظم طریقتدر

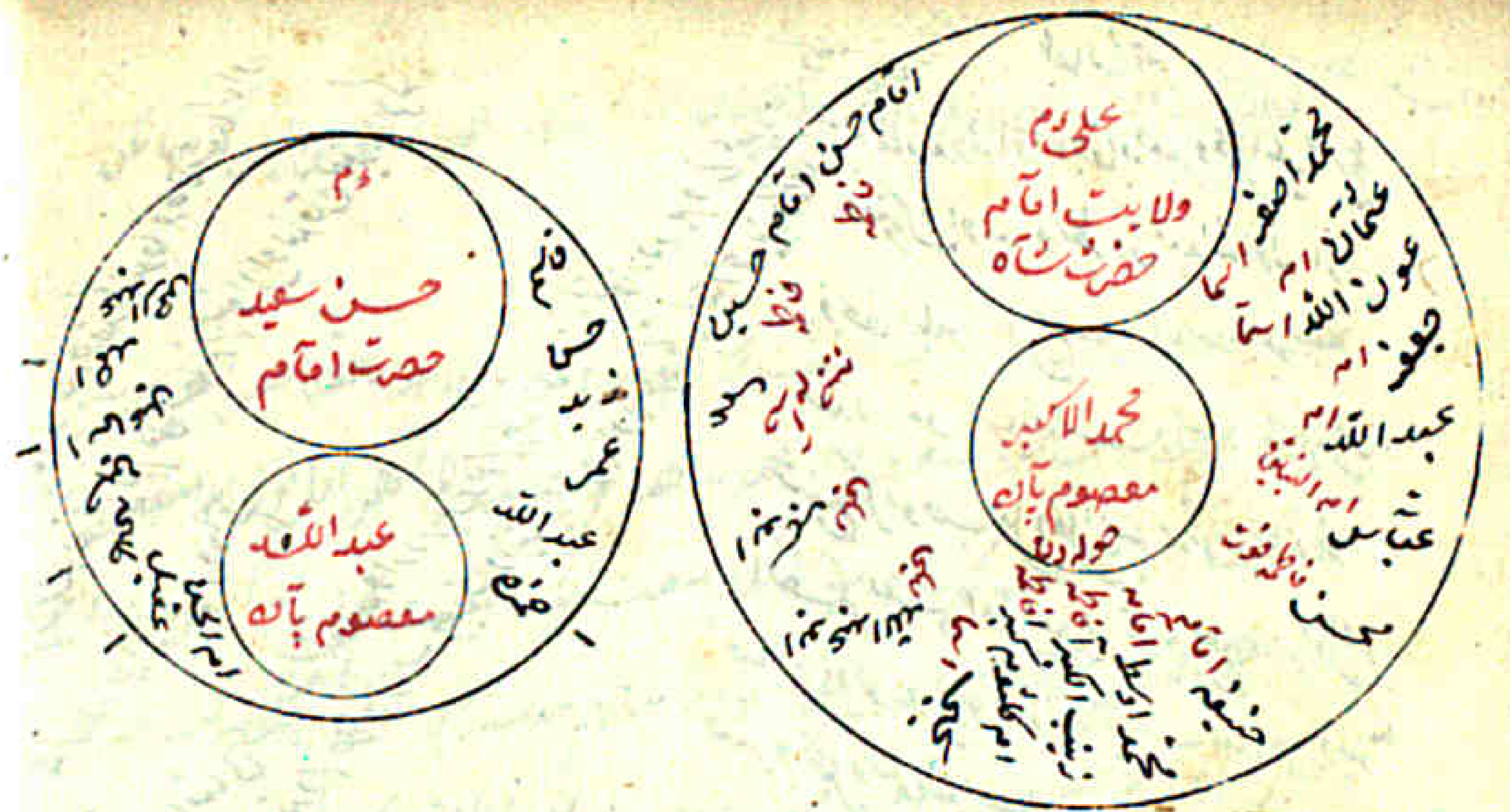
عبیدالله احرار حضرتلری بیوردیلرکه حضرت مولانا جلال الدین رومیدن قدس سره سؤال اولندیکه عقل ندر جواب ویردیلرکه عقل اولدرکه حق سبحانه وتعالی حضرتلرینک ذاتندن غیری هیچ برشی ایله آرام ایلمز حق اولدرکه هیچ بروجهله مدرک اولماز سبحان من لم یجعل للخلق سبیلا الی معرفته الا بالعجز عن معرفته

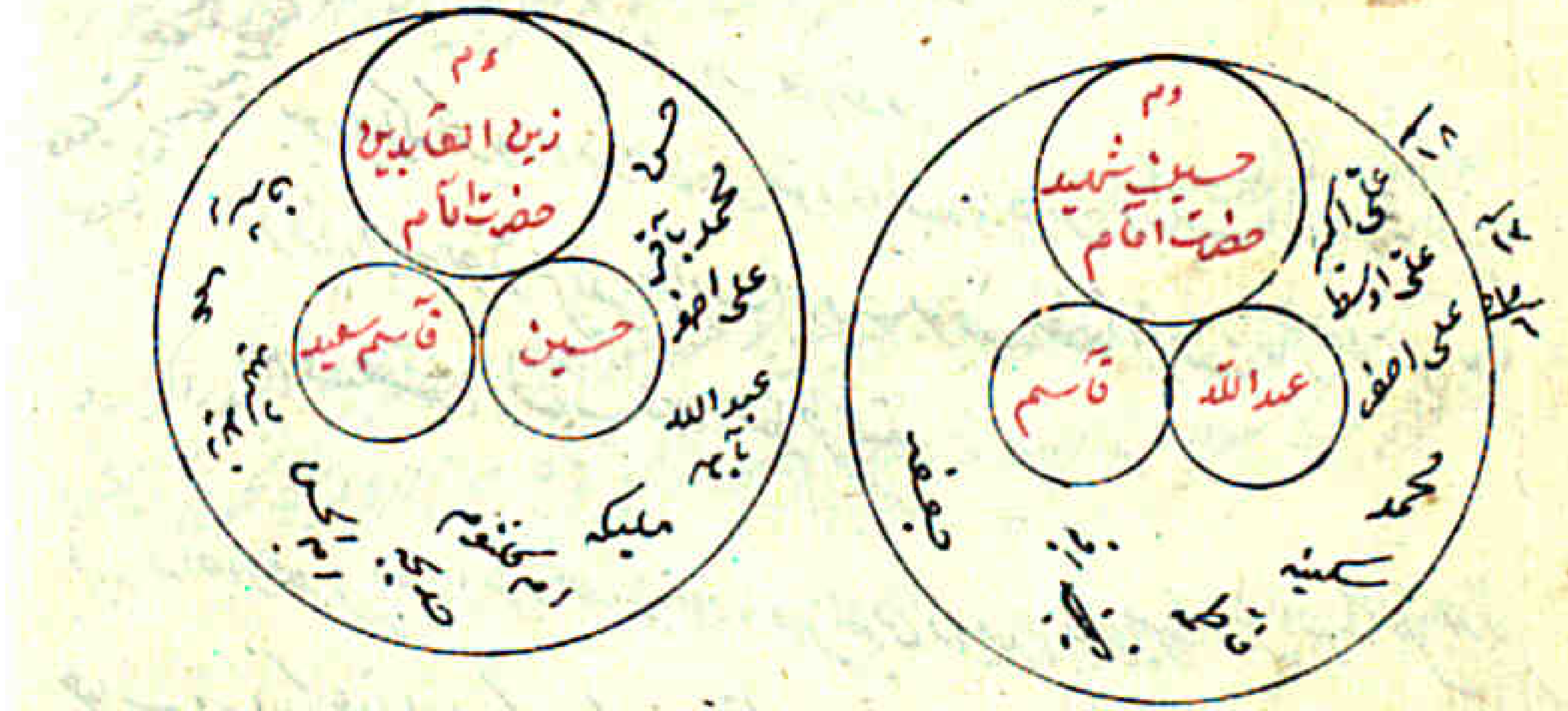
استغراق دوام واشتغال عمل خیر لازمدر واولادر لکن جذبهٔ حقانی ظهوری بیر کاه لازم فتوردن الله حفظ ایلیه

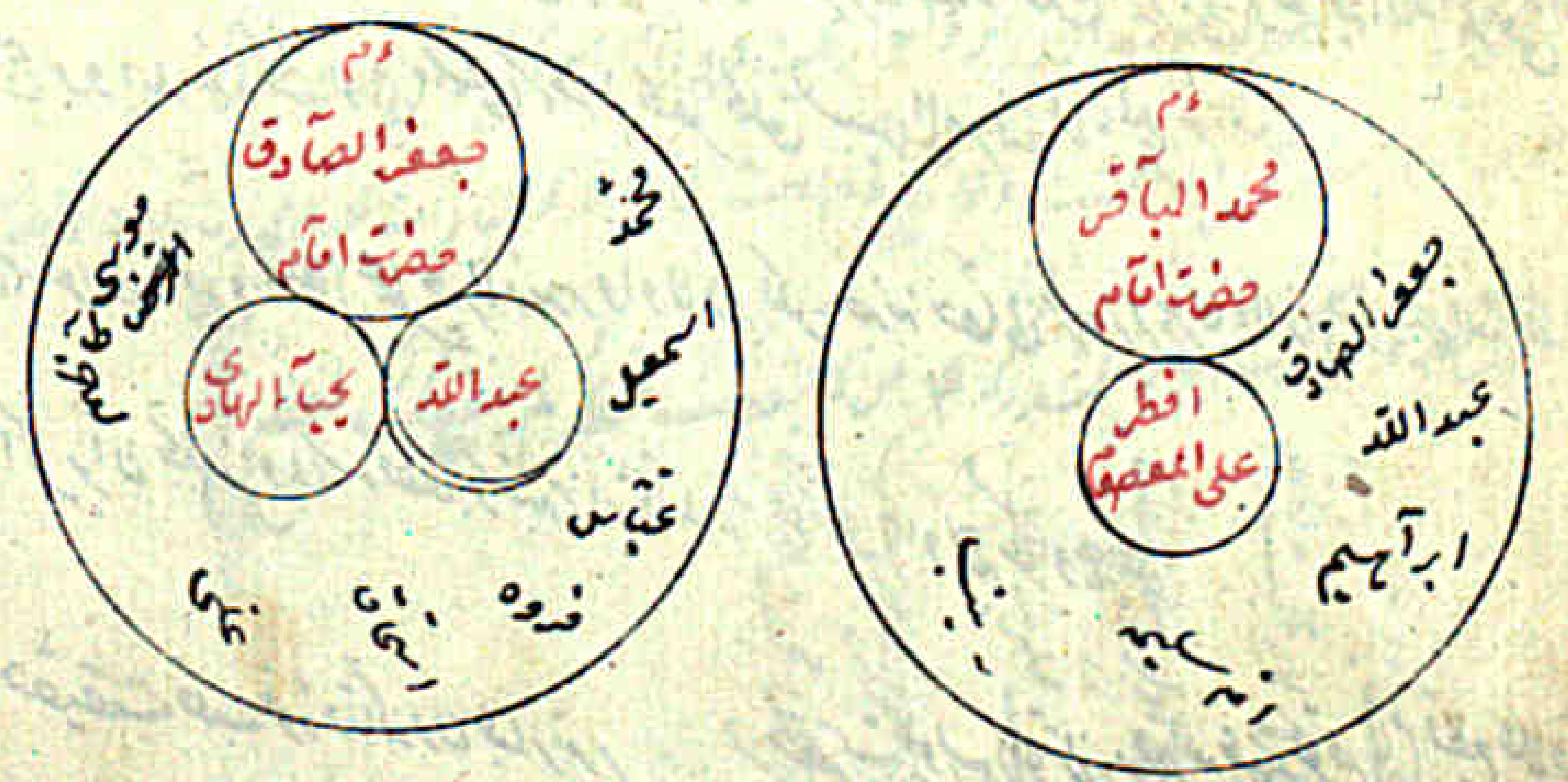
اکر برآن تجلی اولماسه قطعا برشیدن اثر قالماز ع همه با او همه بی او همه هیچ

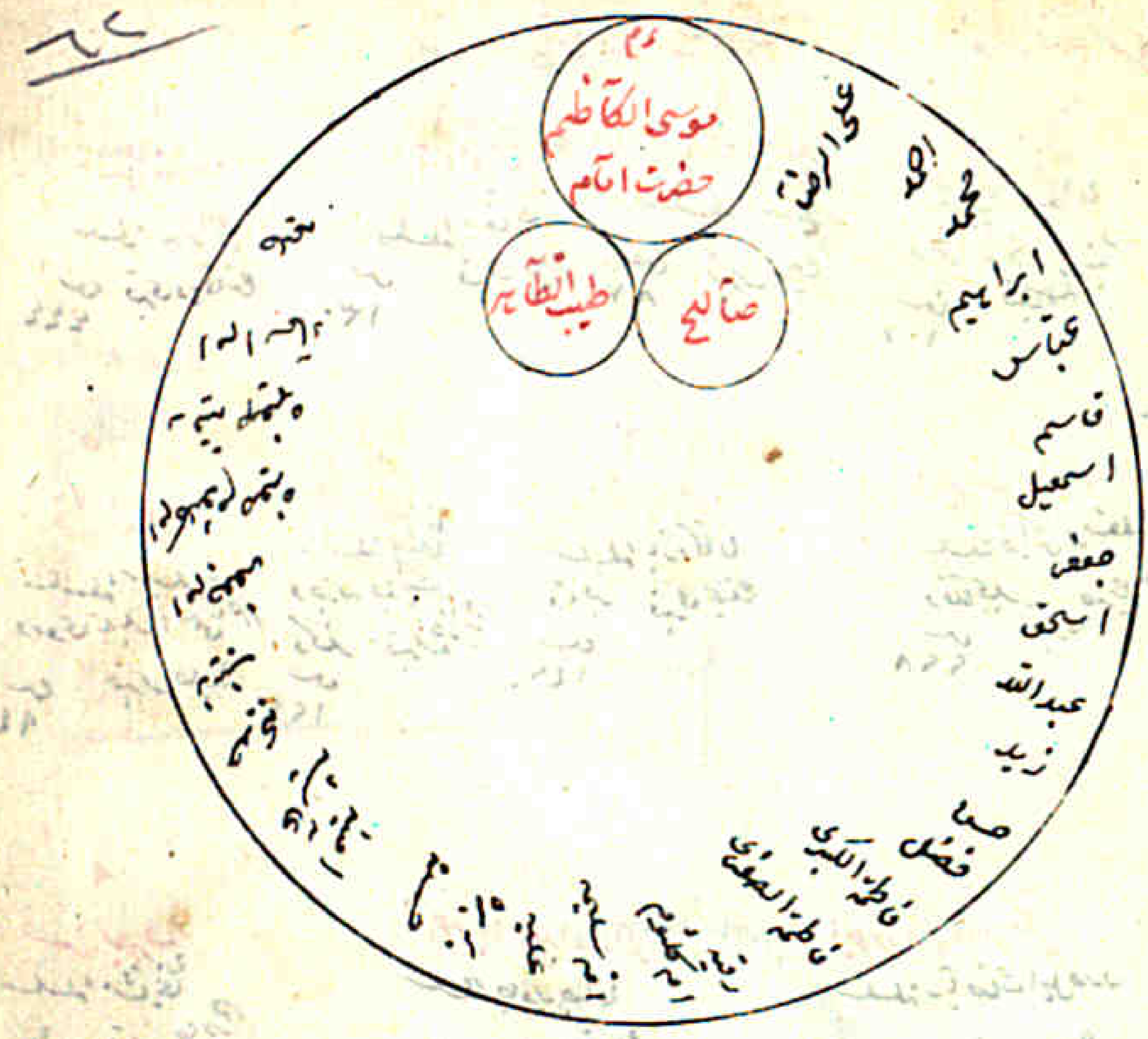
حقیقت قلب قوه درا که دن عبارتدر

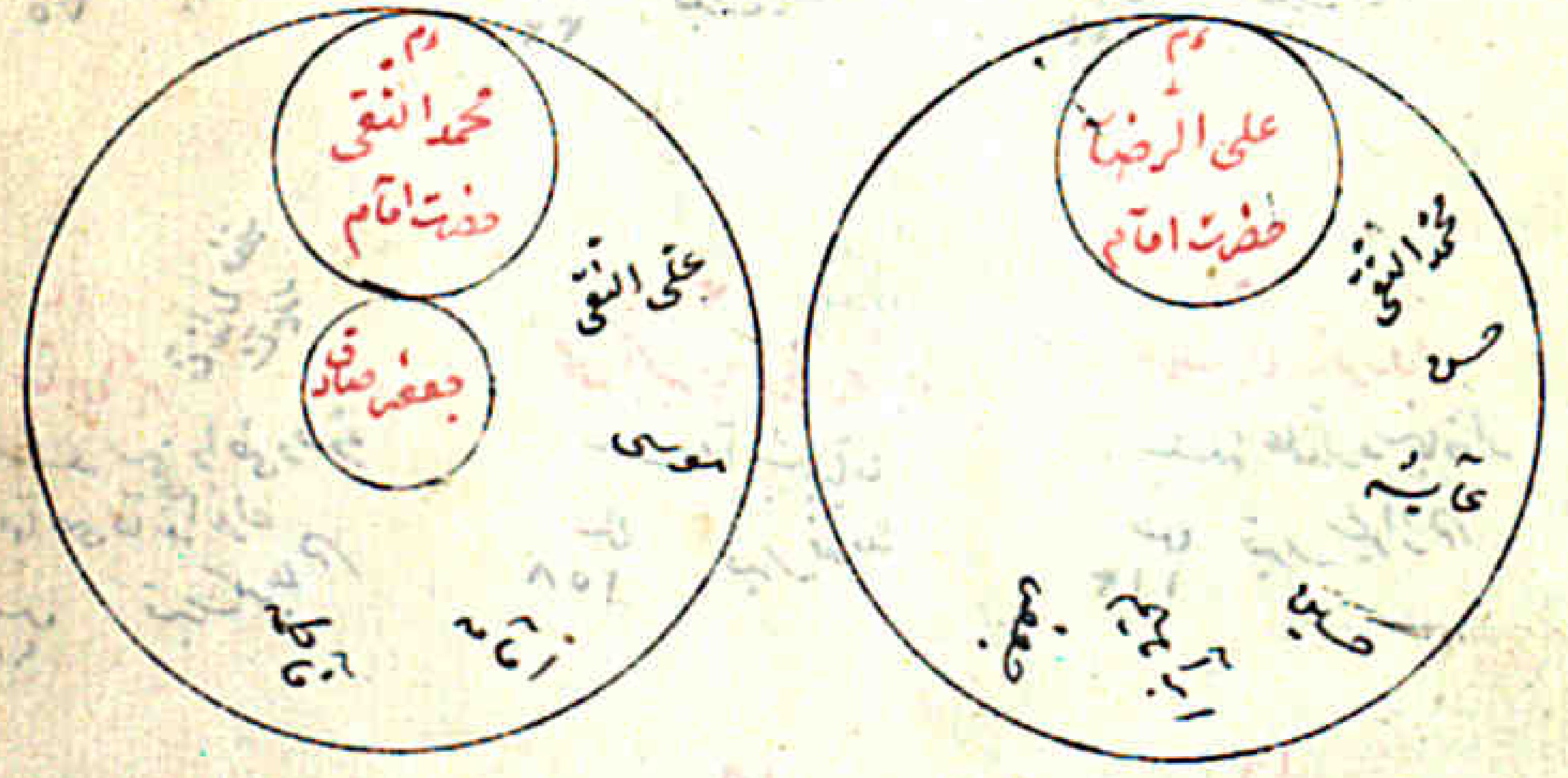
حضرت اویس القرنی رضی الله عنه توجه تام قطع علاقه یه سبیدر اثر نشانی بعد ماسوا فکرندن خلاصه سبب اولدیغی منقولدر شاید ذکر حق ایله ماسوا فکرندن آزاد اولورکن ذکر وفکره اشتغال کرک

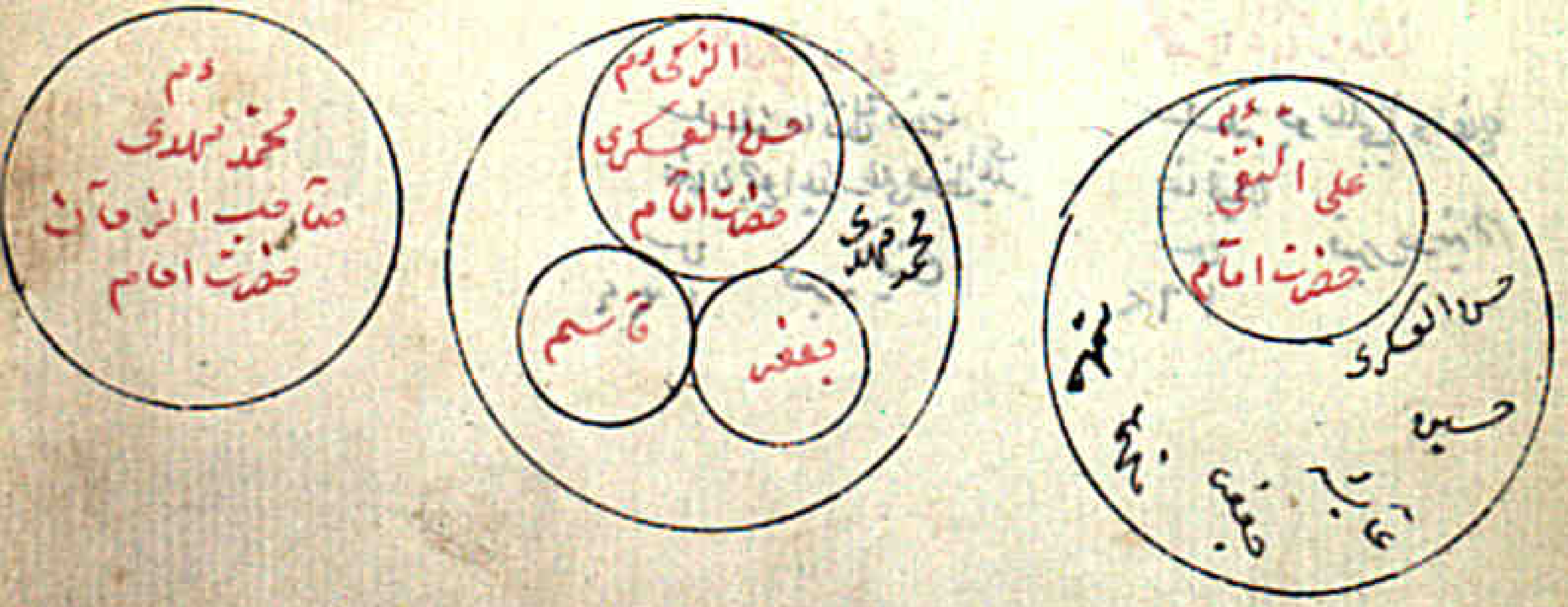

وم
علی
ولایت امام
حضرت شاه
محمد الاکبر
معصوم پاره
محمد اصغر
عثمان
عون الله
جعفر
عبدالله
عباس
محسن
وم
حسن سعید
حضرت امام
عبدالله
معصوم پاره
قاسم
حسن
عمر
عبدالله


وم
حسین شهید
حضرت امام
عبدالله
قاسم
علی اکبر
علی اوسط
علی اصغر
محمد
جعفر
سکینه
فاطمه
وم
زین العابدین
حضرت امام
حسین
قاسم سعید
حسن
محمد باقر
علی اصغر
عبدالله
ملیکه


وم
محمد الباقر
حضرت امام
افطح
علی المعصوم
جعفر الصادق
عبدالله
ابراهیم
زینب
وم
جعفر الصادق
حضرت امام
عبدالله
یحیی الهادی
محمد
اسمعیل
عباس
موسی الکاظم


وم
موسی الکاظم
حضرت امام
طیب الطاهر
صالح
علی الرضا
احمد
محمد
ابراهیم
عباس
قاسم
اسمعیل
جعفر
اسحق
عبدالله
زید
حسن
فضل
فاطمة الکبری
فاطمة الصغری


وم
علی الرضا
حضرت امام
محمد التقی
حسن
وم
محمد التقی
حضرت امام
جعفر صادق
علی النقی
موسی


وم
علی النقی
حضرت امام
حسن العسکری
حسین
جعفر
الزکی وم
حسن العسکری
حضرت امام
قاسم
جعفر
محمد
وم
محمد مهدی
صاحب الزمان
حضرت امام

در بیان هفده بستهٔ حضرت شاه ولایت بامر محمد علیه السلام علیا

١
سلمان فارسی
سلسلهٔ سرتراش
سن ٤٤٤ قبری مدائنده

٢
سلمان کوفی
سلسلهٔ سقای
سن ١٣٠ قبری ینبع

٣
عبید ابن طیار
سلسلهٔ نساج
سن ٨٧ قبری ینبع

٤
جعفر طیار
سلسلهٔ عابدان وغزاة آن
سن ١٠٧ قبری مدینه ده

٥
قنبر شامی
سلسلهٔ سیسه و دوی تابد اسمی ناصر
سن ٩٤ قبری حلبده

٦
عمار یمنی
سلسلهٔ پشمینه وجزمه جدیت دکنده
سن ١٢٤ قبری حیزانده

٧
عبدالله جابر
سلسلهٔ بازرگانان وتجار قبری یمنده
سن ١٤٢

٨
امیر نصیر هندی
سلسلهٔ فراش ومشعلجی وقنادیجی قبری جزیرهٔ عشاقده
سن ٢٢٨

٩
حسن بصری
سلسلهٔ رنجبان
سن ٧٥ قبری حادرده

١٠
ناصر بن عبدالله مکی
سلسلهٔ چادرجیان
سن ٣٢ قبری بقیعده

١١
ابودردا عامر مکی
سلسلهٔ ریاضات اهل درد
سن ١١٣ قبری ربذه

١٢
عباس اکبر شان ابو الفضل
سلسلهٔ سقا و ضی و صوفی حاجی قاندانلک
قبری کربلاده
سن ٢٨

١٣
محمد اکبر بن عمر نجار واسطی
سلسلهٔ آشجیان
سن ١٥٨ قبری قومده

١٤
صهیب بن عامر رومی
سلسلهٔ علمدار وسنجاقدار
سن ١١٣ قبری شیرازده

١٥
علی بن ابی بکر
سلسلهٔ حافظان مصحف عثمان جمع ایلدی علی حفظ ایلدی
سن ١٣٤ قبری نجفده

١٦
محمد بن غفار مدنی
سلسلهٔ چومکجیان واغاچ ضاقجیان
سن ١٦٢ قبری مدینه ده

١٧
عبدالله بن معاذ بن جبل
سلسلهٔ سمرجیان وبلانجیان
سن ١٤٧ قبری سمرقندده

جمله هفده بستهٔ علی
اللی اوچ عدددر
کوفه ده بصره ده بررده یمنده حرمده بیت المقدسده بغدادده در
تفصیلی استین فتوتنامهٔ کبیره باقسونلر




T. C.
Milli Eğitim